# علوم مهر

زمین شناسی زیست شناسی روان شناسی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : علوم مهر/ جمعی از پژوهشگران قرآنی؛ زیرنظر محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر : قم: پژوهش های تفسیر وعلوم قرآن، 1386.

مشخصات ظاهری : 230ص.: جدول.

فروست : پرسش های قرآنی جوانان؛ [ج. ]6.

شابک : 18000 ریال

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : قرآن -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : اسلام -- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده : رضایی اصفهانی، محمدعلی، 1341 -

رده بندی کنگره : BP65/2 /پ4 6.ج 1386

رده بندی دیویی : 297/1076

شماره کتابشناسی ملی : 1156672

ص: 1

اشاره

درآمد:

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه ی بشر تابید و راه انسان ها را روشن ساخت. این کتاب، منبع عظیم معرفتی و سفره ای الهی است (1) که می تواند نسل های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد و به مقام دانش و دانشمندان ارج می نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی داند (2) و با اشارات متعدد به مباحث کیهان شناسی، زیست شناسی، رویان شناسی، فراروانشناسی، روح و روان انسان و... حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می سازد. (3)

پرسش کلید دانش است (4) و ذهن پرسشگر ارجمند است و وظیفه دانشمندان دریافت پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال پرسش نامه به



---

1- (1) . عن النبی(صلی الله علیه و آله): القرآن مأدبهٔ اللَّه فتعلّموا مأدتبه ما استعطتم. (بحار، ج 92، ص 19)
2- (2) . هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون. (زمر / 9)
3- (3) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده
4- (4) . عن علی(علیه السلام): العلم خزائن و مفاتیحها السئوال (میزان الحکمهٔ، ج 4، ص 330)

دانشگاه های مختلف، به گردآوری پرسش ها و ارائه پاسخ پرداخته اند و اینک بخشی از این پرسش و پاسخ ها را در این مجموعه گردآوری و ارائه می کنند.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته ام، شاهد تلاش علمیِ همراه با تعهد آنها بوده ام، که در حد توان کوشیده اند پاسخ های مناسب و متین ارائه کنند. البته برخی پرسش ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو معارف دریافت شده و در برنامه پرسش و پاسخ قرآنی پاسخ داده ایم که به این مجموعه افزوده شد. امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه ی ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت(علیه السلام) پاداش نیک عطا فرماید!

از آنجا که واحد تخصصی پاسخ به پرسش های قرآن و علم مشمول حمایت ویژه «ستاد پاسخگوئی به مسائل مستحدثه دینی دفتر تبلیغات» بوده، بر خود لازم می دانیم از مسئولین محترم آن ستاد تشکر کنیم.

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و نقد منصفانه خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می خواهیم که اگر پرسش هایی در زمینه قرآن و علم دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند. (1)

با سپاس

محمدعلی رضائی اصفهانی

قم - 85/3/1

ص:10

---

1- (1) . آدرس: قم، خیابان معلم، معلم 9، جنب هتل یثرب، کوچه شهید محمدحسن احمدی، کوی نور، پلاک 91. تلفن، پیام گیر، نمابر: 7739002 - 0251 ص . پ: 416 - 37185 - قم Email: quran quransc.com info quransc.com WWW.quransc.com

## فصل اول: قرآن و روانشناسی

### اشاره

ص:11

پرسش:

آیات روانشناسی در قرآن و منابع مطالعاتی آن:

1. چند آیه در مورد موضوعات روان شناسی در قرآن وجود دارد؟

2. منابعی برای روان شناسی در قرآن معرفی کنید؟

پاسخ:

قرآن کریم کتابی است که برای هدایت انسان از جانب خداوند متعال نازل شده است.

این مجموعه ی انسان ساز حاوی بیاناتی با موضوع «انسان و تربیت» است که می توان آن آیات را در بردارنده ی موضوعی از موضوعات روان شناسی دانست.

در مورد آیات روان شناسی باید گفت: به علت گستردگی موضوع روان شناسی، شمارش آیات در این مورد سخت و دشوار است. ولی برخی با طرح موضوعات مختلف روان شناسی، تعداد آیات مربوط به آن را حدود هفتصد آیه (1) بر شمرده اند. البته این رقم و موضوعات ذیل آیات آن، جای تأمَل دارد برای آشنایی با آیات روان شناسی در قرآن لازم است به تعدادی از مهمترین آیات با ذکر موضوع اشاره نمائیم:



---

1- (1) . این عدد با توجه به شمارش آیات ارائه شده د رکتاب «قرآن و روان شناسی» نوشته دکتر «محمد عثمان نجاتی» می باشد.

1. ارزیابی شخصیت براساس روان شناسی:

در داستان حضرت سلیمان(علیه السلام) می خوانیم:

«وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِی اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ» (1)

« و در واقع من هدیه ای به سوی آنان می فرستم، پس بنگرم که فرستادگان با چه چیزی باز می گردند. و هنگامی که (فرستاده ملکه) نزد سلیمان آمد، (سلیمان) گفت: آیا [مرا] با مال امداد می رسانید؟! پس آنچه خدا [به من] داده، بهتر است از آنچه به شما داده است؛ بلکه شما فقط به هدیه خود شادمان می شوید.»

2. شخصیت:

در سوره ی اسراء آیه ی 84 می فرماید:

«قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلاً»

بگو: «همه بر طبق (روش و خُلق و خوی) خویش عمل می کنند؛ و پروردگارتان داناتر است، به کسی که او ره یافته تر است.»

توضیح: «شاکله» از ماده «شکل» به معنای «مهار کردن حیوان» است. (2) به خود مهار «شکال» گفته می شود و از آنجا که روحیات و سجایا و عادت های هر انسانی او را به رویه ای خاص مقید می کند به آن «شاکله» گویند. (3)



---

1- (1) . نمل / 35 و 36
2- (2) . مصباح المنير، فیومی، ص 321، نشر دارالهجره، 1405 ه-
3- (3) . تفسیر نمونه، ج 12، ص 247، نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ 14، سال 1376.

3. واکنش های روانی، افشاگر راز درون:

خداوند متعال در این باره می فرماید:

«وَإِذا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَی بَعْضٍ هَلْ یَرَاکُم مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لاَیَفْقَهُونَ» (1)

«و هنگامی که سوره ای فرو فرستاده شود، برخی آن (منافق)ان به برخی (دیگر) نگاه می کنند (در حالی که می گویند:) آیا هیچ کس شما را می بیند؟ سپس منصرف می شوند (و بیرون می روند)؛ خدا دل هایشان را (از رحمت) منصرف ساخته؛ بخاطر آنکه آنان گروهی هستند که فهم عمیق نمی کنند.»

آیه بیانگر آن است که عکس العمل منافقان به هنگام نزول قرآن، حاکی از احساس خطر آن ها بوده است. به عبارت دیگر با نزول قرآن، واکنش های غیرارادی همراه با ترس که از نفاق آن ها نشأت گرفته بود از آنها بروز کرد. این واکنش ها بیانگر درون ملتهب و نگران منافقان بود. (2)

4. تقسیم شخصیت براساس عقیده:

از جمله مباحث روان شناسی، روان شناسی شخصیت است که می توان آن را براساس معیارها با موضوعات مختلف تقسیم کرد.

در قرآن کریم با توجه به اهمیت موضوع شخصیت؛ آن را به سه دسته «مؤمن»، «کافر» و «منافق» تقسیم و در موقعیت های گوناگون، ویژگی های هر



---

1- (1) . توبه / 127

2- (2) . تفسیر نمونه، ج 8، ص 204.

کدام را به خوبی بیان کرده است. این تقسیم در اول سوره ی بقره آیات اول تا بیستم آمده است.

5. روان شناسی رنگ ها:

از جمله مباحث روان شناسی که در سال های اخیر به آن توجه بیشتری شده، روان شناسی رنگ ها است. این موضوع در آیاتی از قرآن مطرح شده، مانند آیه ی:

«قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّکَ یُبَیِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ یَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَهٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِینَ» (1)

گفتند: «برای ما از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن بیان کند که رنگ آن (گاو) چگونه است؟» (موسی) گفت که او می گوید: «در حقیقت آن گاوی زرد است که رنگش یکدست است، که بینندگان را شاد سازد.»

در این آیه سخن از گاو زرد رنگی است که هر بیننده ای، با دیدن آن شادی درونی پیدا می کند.

کلمه «تسرّ» به معنای خوشحالی حقیقی و درونی می باشد. (2) چرا که از ماده «سرّ» به معنای «پنهان» گرفته شده است. این شادی ممکن است آشکار نشود. از این رو از ماده «فرح» استفاده نکرده است. ذکر این نکته لازم است که نقیض «سر»، «حزن» است و نقیض «فرح»، «غم» و اندوه است.



---

1- (1) . بقره / 69
2- (2) . معجم الفروق اللغویه، ابی هلال عسکری و سید نور الدین جزایری، ص 277، نشر موسسه نشر اسلامی، سال 1412.

از طرفی با بررسی های انجام گرفته «رنگ زرد» باعث آرامش و سرور باطنی انسان می شود و در خوابگاه های روان درمانی، از رنگ زرد برای لباس های بیماران استفاده می شود. (1)

6. روان شناسی رشد:

1 - 6. مراحل رشد کودک: (2)

«وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لاَ تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (3)

«خداوند شما را از رحم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ نمی دانستید، و به شما گوش و چشم ها و قلب عطا فرمود تا اینکه شکر به جا آورید.»

2 - 6. رشد زبان:

«خلق الانسان علّمه البیان» (4)

«انسان را خلق کرد، به او گفتار را تعلیم داد.»

مرحوم علامه طباطبایی(ره) در این مورد می نویسند:

«زبان ] تنها [ ، ایجاد آوا توسط سیستم آوایی بدن، و یا چند گونگی صوت در انسان نیست بلکه با الهامی که از سوی خدای بزرگ به انسان شده توانایی یافته



---

1- (1) . روان شناسی رنگ ها، ماکس لوشر، ص 87، نشر حسام
2- (2) . روان شناسی رشد (2) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، ج 2، ص 636، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
3- (3) . نحل / 78
4- (4) . الرحمن / 4 و 3.

است که با کاربرد حروف و ترکیب آنها واژه ای بسازد که رساننده معنایی خاص باشد و بدان وسیله آن چه را حس و ادراک مخاطب به آن نمی رسد مجسم سازد...» (1)

3 - 6. عوامل موثر در رشد زبان:

در رشد زبان یک سلسله عوامل مادی که قابل اثبات در آزمایشگاه ها می باشد دخالت دارد. که برخی از این عوامل عبارتند از: تلویزیون، رشد بدنی، سلامت بدن، هوش، محیط خانواده و... (2)

ولی قرآن علاوه بر علت مادی، علَت «غیرمادی» را نیز برای رشد زبان برخی افراد دارای تأثیر می داند و می فرماید:

«وَیُکَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَکَهْلاً وَمِنَ الصَّالِحِینَ» (3)و در گهواره و میان سالی با مردم سخن خواهد گفت.» و «کَیْفَ نُکَلِّمُ مَن کَانَ فِی الْمَهْدِ صَبِیّاً» (4)«چگونه با کودکی که در گهواره است سخن گوییم...»

این «علت غیرمادی»، «اراده ی خداوند» است که به صورت اعجاز در حضرت عیسی(علیه السلام) تجلی کرده است.

4 - 6. خانواده:

یکی از عوامل مؤثر در رشد انسان خانواده است. قرآن کریم با تأکید بر ایجاد خانواده ی سالم و آرام، می فرماید: (5)



---

1- (1) . المیزان، علامه طباطبایی، ج 19، ص 95 و 96
2- (2) . روان شناسی رشد (2) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، ج 2، ص 717، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
3- (3) . آل عمران / 46
4- (4) . مریم / 29
5- (5) موارد دیگر: لقمان / 12 تا 17 و نساء / 34 و 35.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ» (1)

«و از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن[ها ]نشانه هایی است برای گروهی که تفکّر می کنند.»

5 - 6. رشد شخصیت:

قرآن بر این نکته که محرومیت جنسی لزوماً موجب آسیب نیست؛ تاکید دارد. و این نظریه بر خلاف نظریه ی «فروید» است ولی با نظر «مزلو» قابل تفسیر است. (2)

«وَلْیَسْتَعْفِفِ الَّذِینَ لاَ یَجِدُونَ نِکَاحاً حَتَّی یُغْنِیَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ...» (3)

«و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی یابند، باید خویشتنداری کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد. و از میان آنچه (از بردگان) مالک شده اید، کسانی که خواستار (قرارداد آزادی ) مُکاتبه هستند، پس با آنان (قرارداد) مُکاتبه ببندید، اگر در (آزادی) ایشان نیکی می دانید؛ و از مال خدا که به شما داده، به آنان بدهید. و کنیزان جوانسال خود را اگر پاکدامنی را می خواهند، بر تجاوزکاری ( زنا) به اکراه وامَدارید، تا (کالای) ناپایدار زندگی پست (دنیا) را بجویید؛ و هر کس آنان را (بر این کار) به اکراه وادار کند (و پشیمان شود،) پس بعد از اکراه آنان خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»



---

1- (1) . روم / 21
2- (2) . روان شناسی رشد (2) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، ج 2، ص 978، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
3- (3) . نور / 33.

لازم به ذکر است که اسلام در مورد ازدواج و تنظیم مسایل جنسی در جامعه، اهمیت زیادی می دهد (1) ولی همان طور که گفته شد لزوماً محرومیت جنسی را موجب آسیب نمی داند.

6 - 6. کفایت اجتماعی:

کفایت اجتماعی عبارت است از: «قابلیتی که کودک می تواند به وسیله ی آن از منابع محیطی بهره جوید و نتیجه ی رشدی خوبی به دست آورد.» (2)

از قرآن کریم می توان استنباط کرد که انسان ها دارای ویژگی تلاش و نیاز به پیشرفت هستند:

«یَاأَیُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّکَ کَادِحٌ إِلَی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاَقِیهِ» (3)

«ای انسان! در حقیقت تو به سوی پروردگارت کاملاً تلاش می کنی (و رنج می کشی) و او را ملاقات می کنی.»

جمع بندی:

حاصل سخن اینکه، قرآن کتابی است که برای تربیت انسان نازل شد و در مواقع ضرورت پرده از اسرار علمی موجود در طبیعت برداشته است. مانند: روان شناسی، اعم از: ارزیابی شخصیت، واکنش های روانی، شخصیت براساس عقیده، روان شناسی رنگ ها، روان شناسی رشد، کودک و... هر چند از نظر موضوع و از لحاظ آیات منحصر به موارد مذکور نیست.



---

1- (1) . انفال / 73
2- (2) . روان شناسی رشد (2) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، ج 2، ص 965، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
3- (3) . انشقاق / 6.

معرفی کتاب:

منابع برای مطالعه و تحقیق در مورد موضوع روان شناسی و قرآن عبارتند از:

1. قرآن و روان شناسی، محمد عثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهش های اسلامی، 1369.

2. روان شناسی اسلامی، علامه محمدتقی جعفری، انتشارات پیام آزادی، 1378.

3. رؤیا از نظر دین و روان شناسی، محمدرضا رضوان طلب، انتشارات شفق، 1379.

4. روان شناسی در قرآن کریم، امان الله خلجی موحد، مرکز نشر علوم و معارف قرآن کریم، 1383.

5. روان شناسی رشد، جمعی از نویسندگان (حوزه و دانشگاه)، نشر حوزه و دانشگاه، 1375.

ص:21

پرسش:

قرآن در مورد افسردگی و مبتلا نشدن به آن چه راهکارهایی دارد؟

پاسخ:

افسردگی از جمله بیماری های روانی است که در جوامع مختلف شیوع دارد. این اختلال روانی در قرن اخیر یکی از مشکلات مهم و نگران کننده ی جوامع و از جمله، عوامل تهدید کننده ی وضعیت اقتصادی کشورها به شمار می رود و از این رو مورد توجه بسیاری از صاحب نظران و سیاستگزاران امور بهداشتی کشورها و سازمان جهانی بهداشت قرار گرفته است. (1)

قبل از پاسخ لازم است به بررسی علت های بروز این حالت روانی بپردازیم: (2)

1. عوامل زیست شناختی: شامل آمادگی های ژنتیکی، پیام رسانی های عصبی، نور و آندوکرین و ... البته این عوامل ارتباطی با اعتقادات مذهبی ندارد و یا ارتباط آن ضعیف است.

2. عوامل روان شناختی: شامل دیدگاه های روان پویایی، شناختی، رفتاری و... که در سبب شناسی افسردگی نقش زیادی دارند. توضیح این که:



---

1- (1) . اسلام و بهداشت روان (مجموعه مقالات)، ج 1، ص 15، مقاله (شواهد پژوهشی در رابطه بین وابستگی مذهبی و افسردگی)، دکتر احمدعلی نوربالا

2- (2) . همان.

1 - 2. دیدگاه های روان پویایی: از نظردانشمندان روان شناسی، از دست دادن فرد مورد علاقه و یا هر شی دوست داشتنی، باعث ایجاد اضطراب و تنش های درونی می گردد، که در صورت درون فکنی آن، باعث بروز افسردگی می شود.

2 - 2. دیدگاه های شناختی: آقای Beek مثلث شناختی منفی را در سبب شناسی افسردگی به صورت ذیل مطرح می نماید:

* نگرش منفی نسبت به خویشتن این نوع نگرش باعث «بروز احساس حقارت» در انسان می شود.

* نگرش منفی نسبت به تجربیات گذشته این نوع نگرش موجب بروز «احساس بدبینی» در انسان می گردد.

* نگرش منفی نسبت به حوادث آینده که باعث «احساس ناامیدی» در انسان می شود.

بروز این گونه احساسات باعث ایجاد افسردگی در فرد می شود.

3 - 2. دیدگاه های رفتاری (یادگیری): رفتارگرایان معتقدند که تجربه ی مستمر ناراحتی، ناکامی و درماندگی را به دنبال دارد که خود باعث ایجاد افسردگی می گردد.

3. عوامل جامعه شناختی: جامعه شناسان عوامل زیر را موجب بروز افسردگی می دانند:

1 - 3. حوادث تنش زای زندگی.

2 - 3. تجرد و خانواده ی از هم گسسته: براساس بررسی های میدانی، افسردگی در افراد مجرد و به ویژه در افرادی که با طلاق از هم جدا شده اند و خانواده های گسسته، شیوع بیشتری دارد.

3 - 3. احساس تنهایی و انزوا از عوامل افسردگی به شمار می رود.

4 - 3. فقر اجتماعی.

آنچه گفته شد عواملی بود که صاحب نظران برای بروز افسردگی برشمرده اند، گرچه موارد دیگری نیز در بروز این بیماری وجود دارد که بیان تمامی موارد آن از حوصله این مقاله خارج است.

راه درمان:

قرآن کریم به عنوان تنها منبع وحیانی مورد اعتماد؛ با نگاهی جامع به انسان، و نیازهای او و ظرفیت وجودیش، دستورالعمل هایی را برای سالم ماندن از حمله های عصبی، افسردگی و هر بیماری دیگر بیان کرده است.

قرآن کریم می فرماید:

«مومنان کسانی هستند که هر گاه مصیبتی به آنان برسد متوجه خداوند شده و می گویند: انا لله و انا الیه راجعون. (1) در حقیقت ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم.»

قرآن کریم با بیان این دستورالعمل، انسان مصیبت زده را از افتادن به ورطه ی اضطراب و افسردگی نجات می دهد و در صورت بروز اضطراب با بیان «أَلاَ بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (2)، او را به آرامش و دور شدن از اضطراب دعوت می کند. شخصی که معتقد به نیرویی فراتر از ماده باشد هیچ گاه از دست دادن چیزی از امور دنیوی او را افسرده و غمگین نمی کند.



---

1- (1) . بقره / 156
2- (2) . رعد / 28. «آگاه باشید ! یاد خدا دل ها را آرامش می دهد.»

همان طور که گذشت، طبق بیان دیدگاه های شناختی نیز، سه نگرش منفی وجود دارد که باعث بروز افسردگی در انسان می گردد. ولی خداوند در مقابله با این عوامل می فرماید:

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (1) از این رو شخصی که خود را عزیز بداند و به این نسخه ی شفا بخش توجه کند دچار احساس حقارت نمی گردد.

خداوند در جای دیگر از احساس بدبینی نهی و آن را گناهی بزرگ شمرده و می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (2) «ای مردم! در واقع ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را نژادها و قبیله هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.»

آری کسی که به آیات الهی مومن است تلاش می کند نسبت به دیگران بدگمانی نداشته باشد یا بد گمانی خود را کنترل کند؛ در آن حال از افسردگی و افسرده شدن نجات یافته است.

قرآن کریم در رابطه با عامل دیگر ایجاد افسردگی یعنی احساس نومیدی، می فرماید:

«وَلاَ تَيْأَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لاَ يَيْأَسُ مِن رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (3) «و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران، (کسی) از رحمت خدا ناامید نمی شود.»

ص:26

---

1- (1) . منافقون / 8. «در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مومنان است.»
2- (2) . حجرات / 13
3- (3) . یوسف/ 87.

و در جای دیگر می فرماید:

«قُلْ يَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنفُسِهِمْ لاَ تَقْنَطُوا مِن رَحْمَهِْ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ» (1)«بگو: «ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، [چرا] که خدا تمام آثار (گناهان) را می آمرزد؛ که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»

از جمله عوامل دیگر افسردگی، تجربه ی مستمر ناراحتی بود، قرآن کریم راه نفوذ برخی ناراحتی ها را که ممکن است عواملی مانند: نوع نگاه شخص به وقایع اطراف باشد را مسدود کرده است و می فرماید:

«عَسَی أَن تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَی أَن تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ» (2)« و چه بسا از چیزی ناخشنودید، و آن برای شما خوب است؛ و چه بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است. و خدا می داند، و شما نمی دانید.»

در زندگی روزمره، حوادثی اتفاق می افتد که ممکن است باعث ناراحتی انسان شود. خداوند می فرماید: در رابطه با این امور، ناراحتی به خود راه ندهید. چه بسا همین امر که به ظاهر موجب ناراحتی شما شده است، مصلحت شما در آن باشد. از آن جا که این بیان عام می باشد، فرد مومن باید نسبت به هر امر به ظاهر ناراحت کننده با دیده ی مثبت نگریسته و از گرفتار شدن در کمند غمگینی شدید رهایی می یابد.



---

1- (1) . زمر / 53
2- (2) . بقره / 216.

عوامل جامعه شناختی مطرح شده نیز، از نگاه قرآن مخفی نمانده و با بیاناتی شیوا، انسان را از وارد شدن به آن محدوده باز داشته است و می فرماید:

«وَلَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِینَ» (1)« و قطعاً [همه] شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهشی در ثروت ها و جان ها و محصولات، آزمایش می کنیم؛ و به شکیبایان مژده ده.»

خداوند در این آیه عوامل امتحان بشر را باز می شمارد. عواملی که در صورت عدم ایمان شخص، باعث تنش در زندگی او می شود و فرد را به کام افسردگی فرو می برد، اما خداوند با تذکر به این نکته که این موارد برای امتحان و آشکار شدن افراد صابر است و جامعه ی اسلامی را از ورود به اضطراب و افسردگی نجات می دهد.

از عوامل دیگر جامعه شناختی در بروز افسردگی، تجرد و خانواده های از هم گسسته است. در اسلام به موضوع ازدواج و تشویق به تشکیل خانواده اهتمام زیادی شده است و آن را عامل ثبات روانی و دور شدن از اضطراب می داند و می فرماید:

«وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْکُنُوا إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ» (2)

«و از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن[ها] نشانه هایی است برای گروهی که تفکّر می کنند.»



---

1- (1) . بقره / 155

2- (2) . روم / 21.

در آیه ی شریفه، آفرینش موجودی از جنس بشر که به عنوان همسر معرفی شده را مایه ی سکون و آرامش دانسته و با این فرایند، جامعه ی اسلامی را از ورود به وادی اضطراب و تشنج روانی دور نگه می دارد.

اسلام رهبانیت و انزواطلبی و فرار از ازدواج را نهی، و در مقابل، ازدواج را دریچه ای برای ورود به وادی آرامش و سلامت روانی معرفی کرده است. و از طرفی، طلاق تا زمانی که چاره ای جز آن نباشد - امری ناپسند معرفی شده است. گرچه آموزه های قرآنی، طلاق را در صورت ضرورت، وسیله ای برای رهایی و فرار از فشارهای روانی ناشی از اختلافات خانواده می داند. ولی برای آن شرایطی را قرارداده است که در آن صورت فشار روانی حاصل از این جدایی را به حداقل می رساند:

«وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (1)«و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به (روزهای پایانی) سرآمدِ (عدّه)شان رسیدند، پس بطور پسندیده نگاهشان دارید، یا بطور پسندیده آزادشان سازید؛ و بخاطر زیان رساندن نگاهشان ندارید.»

موضوع این آیه، طلاق و جدایی همسران است. ولی با ظرافتی که مخصوص قرآن است می فرماید: در این هنگام که عده ی زن در حال تمام شدن است، یا به بهترین وجه رجوع کرده، و زندگی را ادامه دهید، و یا با بهترین وجه که هیچ گونه آشفتگی روحی را به همراه نیاورد جدا شوید. پیشنهاد رجوع مجدد به زوج از طرف خداوند، نشان از اهمیت پیوند و استمرار زندگی در اجتماع دارد و تاکید به جدایی همراه با زیبایی و خوبی که هم شرع و هم عرف و عقل آن را تایید



---

1- (1) . بقره / 231.

کند (1) نشان از احتمال بروز حمله های روانی در این حالت دارد، که با این گونه برخورد زوج، این حمله ها به حداقل می رسد.

در آیه ی بعد، توصیه دارد که از ازدواج مجدد همسر جلوگیری نشود - در گذشته مرسوم بود - و ازدواج همراه با نیکی را مورد تاکید قرار می دهد؛ که خود دلیل دیگری بر اهمیت دادن قرآن به ازدواج و اکراه از تجرد است.

به طور خلاصه، نظر قرآن در این باره چنین است:

1. سفارش به ازدواج.

2. نکوهش طلاق، هر چند آنرا دریچه ی خروج از بن بست های تفاهم می داند.

3. توصیه به تحکیم روابط عاطفی خانوادگی از دیگر آموزه های قرآن است.

چنانچه گذشت، اسلام نه تنها از رهبانیت و انزواطلبی نهی کرده بلکه رجوع به جمع و همکاری جمعی را سفارش می کند و می فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعاً وَلاَ تَفَرَّقُوا» (2)«و همگی به ریسمان خدا، تمسّک جویید، و پراکنده نشوید.»

و در آیه ی دیگر می فرماید:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (3)«و بر(ای) نیکوکاری و (خود نگهداری و) پارسایی با یکدیگر همکاری کنید.»

با این راهکار قرآنی و استفاده صحیح از آن ها، افسردگی در جامعه ی اسلامی به حداقل می رسد.



---

1- (1) . محقق اردبیلی، زبدة البیان فی براهین القرآن، ص 740، انتشارات مومنین
2- (2) . آل عمران / 103

3- (3) . مائده / 2.

افسردگی در آیینه ی روایات:

عواملی که در پیدایش و یا تشدید افسردگی نقش دارند فراوانند. در احادیث اهل بیت(علیه السلام) - که خود مفسر واقعی قرآنند - عوامل شناختی، عاطفی و رفتاری متعددی برای این موضوع بیان شده که به بخشی از این روایات اشاره می شود:

الف. وابستگی:

وابستگی از جمله عواملی است که در روایات متعدد از آن به عنوان عامل افسردگی نام برده شده است. از آن جا که انسان نمی تواند در زندگی به تمام تمایلات و خواست های خود برسد این ناکامی باعث غمگینی شدید و افسردگی فرد می شود. از رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) حکایت شده است:

«انا رعیم بثلاث لمن اکب علی الدنیا بفقر لاغناء له و بشغل لافراغ له و بهمّ حزنٍ لا انقطاع له»؛ (1) «کسی که علاقه و وابستگی زیاد به دنیا داشته باشد به طور قطع سه چیز را در پی دارد: نیازمندی، که هیچ گاه به بی نیازی نمی انجامد؛ گرفتاری، که هرگز از آن خلاصی نیست؛ و افسردگی و غمگینی، که جزء وجودش می شود و از او جدا نمی گردد.»

ب. دوری از معنویت:

از جمله عوامل افسردگی که در روایات اسلامی به آن اشاره شده، عامل دوری از معنویت و پیروی از هواهای نفسانی، خشم و شهوت رانی و اموری از این قبیل می باشد. برای مثال از حضرت علی(علیه السلام) نقل شده که می فرمایند:



---

1- (1) . علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 77، ص 116، ح 11.

«من غضب علی من لایقدر ان یضره طال حزنه و عذب نفسه»؛ (1) «هر که به ناحق بر کسی خشم گیرد که توان آسیب رساندن به وی را ندارد، اندوهش دراز گردد و خود را عذاب دهد.»

ج. منفی نگری:

در روایات اسلامی موضوع منفی نگری در محورهایی مانند: تردید نسبت به الطاف خداوند، نارضایتی از خداوند و ناخشنودی از زندگی، نپذیرفتن واقعیت و خیال پردازی، برآورده نشدن انتظارات و نگرش منفی نسبت به اطرافیان و اموری این چنین تجلی پیدا کرده، و عاملی برای پیدایش افسردگی معرفی شده است. امام صادق(علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«ان الله - بعدله و حکمته و علمه - جعل الرَوح و الفرح فی الیقین و الرضا عن الله و جهل الهمّ والحزن فی الشک والسخط»؛ (2) «خداوند براساس عدالت و حکمت و علم خود، آرامش و شادابی را در معرفت یقینی و رضایت (از آنچه به او و به دیگر بندگان عطا کرده) قرارداده است و اندوهگینی و افسردگی را در شک و تردید و عدم رضایت قرار داده است.»



---

1- (1) ابن شیبه، تحف العقول، ص 99

2- (2) . محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 3، ترجمه سیدرضا شیخی، ش 3783.

د. ضعف انگیزه و اراده:

در روایات اسلامی، ضعف انگیزه و اراده در موضوعاتی مانند: کوتاهی در انجام فعالیت و عدم دستیابی به موفقیت ها تجلی کرده و به عنوان عاملی برای افسردگی معرفی شده است.

از این روی از حضرت علی(علیه السلام) روایت شده که می فرماید:

«من قصر فی العمل ابتلی بالهمّ»؛ (1)«هر کس در انجام تکالیف و فعالیت های خود کوتاهی کند به غم و اندوه و افسردگی مبتلا می شود.»

ه- . آرزوهای دور و دراز (طول امل):

در منابع اسلامی داشتن آرزوهای طولانی و در قبال آن ها خیال پردازی را مایه ی افسردگی می داند و از امیرالمومنین(علیه السلام) نقل شده است: «ایاک و الاغترار بالامل... فعظم الحزن و زاد الشغل و اشتدت التعب ... و زدتَ به فی الهم و الحزن»؛ (2) «از اینکه آرزوهای دور و دراز داشته باشی و فریب آن ها را بخوری برحذر باش! که تو را ناراحت و اندوهناک می سازد و به تدریج اندوهت بزرگ می شود و فکر تو را مشغول می سازد و ناراحتی ات را افزایش می دهد.»

بررسی های تجربی در «رابطه ی بین اعتقادات مذهبی و افسردگی»:

طبق آمار میان میزان افسردگی و عقاید مذهبی همبستگی منفی وجود دارد. (3) نتایج یک مطالعه با نمونه برداری تصادفی در گروه های مشابه نشان داد که همبستگی مثبتی بین خواندن نماز و بهبود افسردگی و اضطراب و افزایش اعتماد به نفس وجود دارد. در این زمینه «ازالی»، «هاسانچ»، «آمینا» و «سابرامانیام» در مطالعه ی میان 130 بیمار مبتلا به اضطراب، و 100 بیمار مبتلا به افسردگی، در دو گروه متمایز با شرایط فرهنگی مذهبی قوی و ضعیف به این نتیجه رسیدند



---

1- (1) . نهج البلاغه، حکمت 127
2- (2) . بحارالانوار، ج 73، ص 112، ح 109
3- (3) . اسلام و بهداشت روان(1)، ص 27 و 28.

که: «گروه دارای اعتقادات مذهبی، بعد از شش ماه روان درمانی، بهبود بیشتری یافتند.» (1)

تحقیق میدانی در مورد این «ارتباط» به صورت مکرر صورت گرفته که بخشی از آن ها در کتاب «اسلام و بهداشت روان» آمده است.

نتیجه گیری:

قرآن کریم نسبت به انسان و حالات روحی او آگاهی کامل داشته و زمینه های منجر به افسردگی را بیان و راه درمان آن را تجویز کرده است. در این نوشتار، اول به بررسی علل مطرح شده در مکاتب مختلف روان شناسی در مورد افسردگی پرداخته شد و در مرحله ی بعد پاسخ های قرآنی آن داده شد؛ همچنین موضوع را در آیینه ی روایات بررسی کردیم و در نهایت نمونه ای از بررسی های صورت گرفته در مورد «ارتباط دین و افسردگی» ارایه گردید.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

1. مجله معرفت، ش 84، ص 48، مقاله افسردگی، دکتر علی نقی فقیهی و جمشید مطهری.

2. اسلام و بهداشت روان(1)، مجموعه مقالات.

ص:34

---

1- (1) . همان.

پرسش:

آیا توکل مستلزم تنبلی و سستی نیست؟

پاسخ:

برای پاسخ لازم است در ابتداء و به بیان معنای لغوی و اصطلاحی توکل بپردازیم:

«توکل» در لغت به معنای واگذار کردن کار خویش به دیگری است. این کلمه مصدر از باب تفعل و از ماده ی «وکل» می باشد. که به دو معنای ولایت پذیری «توکلت لفلان» به معنای «تولیتُ» و اعتماد کردن به دیگری «توکلت علیه» یعنی «اعتمدتُه» به کار رفته است. (1)

صاحب نظران در معنای اصطلاحی آن می گویند: توکل به خداوند یعنی: واگذاری امور به حق و نیز وکیل، به معنای حفیظ و نگه دارنده و سرپرستی می باشد. (2)

این مفهوم در منطق قرآن به معنای اعتماد کردن بر خدا و او را ولی و وکیل خود قرار دادن است و بر اثر آن، از حجم مشکلات و انبوه موانع نهراسیدن، که این یکی از نشانه های ایمان است و از عوامل پیروزی و موفقیت در مبارزه ها به شمار می آید. (3)



---

1- (1) . لسان العرب، ابن منظور، ج 11، ص 736 و 743
2- (2) . تفسیر التبیان، شیخ طوسی، ج 3، ص 32 و 52
3- (3) . تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج 15، ص 541، دار الکتب الاسلامیه، تهران.

به عبارت دیگر، مفهوم «توکل» در آموزه های قرآن این نیست که انسان دست از تلاش و کوشش بردارد و به گوشه ی انزوا بخزد و بگوید: تکیه گاه من فقط خداست، بلکه مفهوم «توکل» این است که هر گاه انسان نهایت تلاش و کوشش خود را به کار بست و نتوانست مشکل را حل کند و موانع را از سر راه خود کنار بزند؛ وحشتی به خود راه ندهد و با اتکاء به لطف پروردگار و استمداد از ذات پاک و قدرت بی پایان او ایستادگی به خرج دهد و به جهاد و کوشش پیگیر خود ادامه دهد؛ حتی در جایی هم که توانایی دارد، خود را بی نیاز از لطف خدا نداند چرا که تمام قدرت ها از جانب اوست. (1)

علاوه بر آن، «توکل» نوعی تقویت اراده و نیرو بخشی است. دین مقدس با پیش بینی آن، انسان را از ناامیدی و انزوا و کناره گیری از فعالیت، نجات داده و توکل را وسیله ای برای تقویت انگیزه و روشن شدن امید در درون انسان قرار داده است.

توکّل در آیینه ی آیات قرآن:

در آیات متعددی، از «توکل» سخن به میان آمده است که با بررسی برخی از آن موارد، نکات تازه ای به دست می آید.

الف. خداوند متعال در سوره ی آل عمران آیه ی 159 می فرماید:

«... فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ»؛ «و هنگامی که تصمیم گرفتی، پس بر خدا توکّل کن؛ چرا که خدا توکّل کنندگان را دوست می دارد.»



---

1- (1) . همان، ج 8، ص 367.

نکته ها:

1. همان طور که آیه تصریح دارد خداوند، پیامبر را بعد از مشورت با اصحاب و مصمم شدن بر انجام آن، مأمور به توکل بر خود می کند. به عبارت دیگر در انجام هر کار مخصوصاً کارهای مهم بعد از انجام مقدمات، مانند مشورت کردن و مصمم شدن بر رأی خاص و... برای پیشبرد کار لازم است بر خداوند توکل شود، تا در بین راه سستی و بی میلی دامن گیر انسان نشود؛ یعنی خداوند با تشریع توکل خواسته است در امور مهم راه ورود دو دلی و احتمال عدم موفقیت را که خود وسیله ای برای سستی در انجام عمل است ببندد، نه آنکه اصل فعالیت را از انسان بگیرد.

2. نکته ی دیگری، خداوند با این بیان می خواهد روح توحید در افعال را نیز در مخاطب زنده کند. و به او بفهماند که هر چند مشورت کرده و تصمیم قاطع نیز گرفته، هیچ گاه خداوند را در انجام عمل فراموش نکند.

3. از این آیه استفاده می شود، از جمله اموری که باعث جلب محبت خداوند می شود، توکل است. (ان الله یحب المتوکلین)

ب. در سوره ی نمل آیه ی 79 آمده است:

«فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ»

«پس برخدا توکّل کن؛ [چرا] که تو برحق آشکاری هستی.»

این آیه و آیات قبل در بیان مسئله ی حق ستیزی کافران، و عدم توجه به بیانات پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) می باشد.

ص:37

خداوند، پیامبر(صلی الله علیه و آله) را از این که به خاطر دشمنی کفار سست شود، باز می دارد و می فرماید: از آن جا که تو بر حق هستی و فعالیت تو حق است نباید از دشمنی کفار سستی به خود راه دهی، بلکه در همین مسیر تلاش کن و پیشرفت کارها را به خدا واگذار!

نکته ها:

1. توکل بر خداوند تنها در مسیر حق، دارای معنا و ثمر بخش است. این معنا از تعلیل «انک علی الحق» استنباط می شود.

2. توکل بر خداوند، رها کننده ی انسان از تنگنای توطئه های دشمنان است. (1)

این برداشت با توجه به سیاق آیات، بیان کننده ی ارتباط این آیه و آیات قبل به ویژه آیه ی «و لاتکن فی ضیق مما یمکرون... فتوکل علی الله...» می باشد.

3. این آیه بیانگر آن است که تمام انسان ها حتی پیامبر(صلی الله علیه و آله) در ایفای وظایف خود، مامور به توکل بر خداوند هستند.

در مورد توکل آیات دیگری نیز وجود دارد که برای آگاهی بیشتر می توانید به آنها مراجعه کنید. (2)

تحقیقات علمی در رابطه با توکل:

در مورد «رابطه ی میان توکل و امیدواری» تحقیقاتی انجام داده اند که در اینجا به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:



---

1- (1) . تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، ج 13، ص 398
2- (2) . آیات: 81/ نساء و 61 / انفال و 123 / هود و 58 / فرقان و 217 / شعراء ...

آقای بوالهری و همکاران او (1379) با به کارگیری آزمون خود ساخته توکل، 408 نفر (234 نفر مرد و 174 زن) از دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه های علوم پزشکی تهران را که در مقاطع مختلف تحصیلی مشغول به تحصیل بودند به صورت تصادفی انتخاب کردند و با استفاده از پرسشنامه نشانگان استرس - که در سه بُعد «نشانگان جسمانی»، «نشانگان روانی» و «نشانگان شناختی» ساخته شده بود - مورد بررسی قرار دادند. پژوهشگران دریافتند که بین نشانگان روانی ( P

جمع بندی:

از آنچه گذشت به دست می آید که «توکل» بر خدا، موجب سستی در کار نمی شود، بلکه تنها پیامد آن استواری در حرکت و به دست آوردن نیروی مضاعف در مسیر حرکت است.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

1. توکل، روحانی نژاد.

2. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، نشر معارف.

3. تفسیر نمونه، حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی، ذیل آیات مربوطه.

## فصل دوم: قرآن و فرا روان شناسی

### اشاره

پرسش:

مقصود از فرا روانشناسی در قرآن چیست؟

پاسخ:

برای روشن شدن مطلب لازم است به پرسش های زیر پاسخ دهیم:

1. منظور از فرا روان شناسی چیست؟

2. آیا در قرآن به تمامی علوم اشاره شده است؟!

3. قرآن به چه شکلی به مسئله ی فرا روان شناسی پرداخته است؟

پاسخ سوال اول:

دانش «فرا روان شناسی» عبارت است از: کسب اطلاع (و بدست آوردن معرفت و آگاهی) از چیز یا رویدادی بدون دخالت حواس عادی بشر. (1)

مثل: سحر، چشم زخم، تله پاتی و هیپنوتیزم و...

پاسخ سوال دوم:

برخی بر این باورند که چون قرآن کتاب الهی و معجزه ی جاوید پیامبر(صلی الله علیه و آله) است باید به تمام موارد - علوم - اشاره نماید و حال آنکه چنین نیست. به عبارتی



---

1- (1) . جهان غیب و غیب جهان، بهاء الدین خرمشاهی.

قرآن کتاب هدایت انسان است و ضرورتی ندارد تمام مسائل علوم تجربی را با طول و تفصیل بیان کرده باشد. (1) ولی در بیش از هزار آیه به مسائل علمی در راستای هدایت، اشاره کرده است.

پاسخ سوال سوم:

با توجه به تعریف فرا روان شناسی در آیات فراوانی - براساس برخی تفاسیر - بدان اشاره شده که فهرست برخی از آنها عبارتند از:

1. سحر و جادو بقره / 102.

2. چشم زخم یوسف / 67.

3. روح اسراء / 85.

4. خواب صافات / 102 - 107 و یوسف / 12.

5. اخبار غیبی آل عمران / 5 و بقره / 255.

6. امدادهای غیبی آل عمران / 123.

7. معجزات الهی مریم / 29 و 30.

جمع بندی و نتیجه:

دانش فرا روان شناسی از جمله دانش هایی است که بشر به صرف داشتن دانش تجربی، نمی تواند به ابعاد مختلف آن پی ببرد. از این رو لازم است با توجه به اشارات قرآن به علم فرا روان شناسی و تجربه علمی و عملی دانشمندان، این علم را توسعه داد و قرآن کریم را یکی از منابع تحقیق برای این علم دانست.



---

1- (1) . ر.ک: درآمدی بر تفسیرعلمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، ص 161.

پرسش:

آیا چشم زخم از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است؟

پاسخ:

مقدمه:

تاثیر چشم و نیروهای مرموز آن از دیر زمان مورد توجه بشر بوده است. شاید نتوان تاریخ دقیقی برای شروع این عقائد یافت اما آنچه مسلَم است انسان ها در اثر تجربیات روزمرّه و برخی نقل های تاریخی و دینی به آن اعتقاد پیدا کرده بودند، هر چند که در این بین خرافاتی نیز راه یافته است که نیازمند اصلاح و پالایش است.

تعریف چشم زخم:

چشم زخم، نیروی مرموزی است که در چشم برخی افراد وجود دارد که ممکن است با یک نگاه مخصوص، طرف مقابل را بیمار یا هلاک کند. (1)

چشم زخم از منظر قرآن کریم:

به نظر می رسد در قرآن، آیه ای که به صراحت از «چشم زخم» سخن گفته باشد وجود ندارد اما آیاتی وجود دارد که در مورد «چشم زخم» به آن استناد شده است، از جمله:



---

1- (1) . تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج 24، ص 424.

1. قرآن کریم در سوره ی قلم آیه ی 51 می فرماید:

«وَإِن یَکَادُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَیُزْلِقُونَکَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّکْرَ وَیَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ»؛ «و مسلماً نزدیک بود کسانی که کفر ورزیدند هنگامی که آگاه کننده ( قرآن) را شنیدند با چشمانشان تو را بلغزانند و می گویند: «قطعاً او دیوانه است.»

شأن نزول:

مفسران برای آیه ی فوق دو شأن نزول ذکر کرده اند:

الف. برخی مفسران در شان نزول این آیه نقل کرده اند که در مورد گفتار برخی مخالفان ولایت علی(علیه السلام) در روز غدیر خُم بوده است که به پیامبر(صلی الله علیه و آله) - در هنگامی که دست علی(علیه السلام) را برای امامت بالا برد - نگاه کردند و گفتند: به چشمان او نگاه کنید مثل چشم دیوانگان می چرخد. در آن هنگام جبرئیل آیه ی فوق را نازل کرد.

ب. بعضی مفسران نقل کرده اند که در قبیله ی بنی اسد افرادی بودند که قدرت چشم زخم داشتند و برخی از آنها می خواستند پیامبر(صلی الله علیه و آله) را چشم زخم بزنند که آیه ی فوق به این مناسبت نازل شد. (1)

بررسی:

با توجه به سیاق و لحن آیه که می فرماید: «نزدیک است که کافران با چشم، تو را بلغزانند» می توان از میان اقوال، این قول را پذیرفت که: «این آیه کنایه از نگاه های بسیار غضب آلود است مثل اینکه می گوییم فلان کس آنچنان بد به من نگاه کرد که گویی می خواست مرا با نگاهش بخورد یا بکشد» (2)



---

1- (1) . تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج 5، ص 215 (روایت اول را از کافی و دومی را از مجمع البیان نقل می کند)
2- (2) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج 24، ص 429.

و آیه در مقام بیان نوعی نگاه خشم آلود، و چشم غرّه رفتن است به طوری که طرف مقابل را بترساند و از جای خود بلغزاند و از میدان بِدَر کند.

2. در سوره یوسف آیه ی 67 آمده است:

«وَقَالَ يَا بَنِيَّ لاَ تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ...» (1)

در آیه شریفه آمده که حضرت یعقوب(علیه السلام) از فرزندش می خواهد که از یک در وارد نشوند، بلکه از چند در وارد شوند، علت این امر چیست؟

گروهی از مفسّران گفته اند: علت این بوده که برادران یوسف از جمال کافی بهره مند بودند (اگر چه یوسف نبودند ولی برادران او بودند) و هم قامت های رشید داشتند، و پدر نگران بود که جمعیت یازده نفری که قیافه های آنان نشان می داد از یک کشور به مصر آمده اند، توجه مردم را به خود جلب کنند، او نمی خواست از این راه چشم زخمی به آنها برسد.

بخشی از این چشم زخم، حق است و از نظر علمی نیز بوسیلۀ سیاله مغناطیسی مخصوصی که از چشم بیرون می پرد، قابل توجیه می باشد، هر چند عوام الناس آنرا با مقدار زیادی از خرافات آمیخته اند. (2)

چشم زخم از منظر عقل و علم:

اثر عمیق چشم در دیگران که موجب هلاکت یا بیماری شود از نظر عقلی محال نیست. چه اینکه بسیاری از دانشمندان معتقدند در بعضی از چشم ها،



---

1- (1) . و گفت: «ای پسران من، از یک در وارد نشوید، و از درهای مختلف وارد شوید؛ و هیچ چیزی را که از طرف خدا (حتمی شده) است از شما دفع نمی کنم
2- (2) . تفسیر نمونه، ج 13، ص 29.

نیروی مغناطیسی خاصی نهفته شده که کارایی زیادی دارد حتی با تمرین و ممارست، می توان آن را پرورش داد. خواب مغناطیسی از طریق همین نیروی مغناطیسی چشم هاست.

در دنیایی که «اشعه ی لیزر» که با شعاعی نامرئی، می تواند کاری کند که از برخی سلاح های مخرب ساخته نیست؛ پذیرش وجود نیرویی در بعضی از چشم ها، که از طریق امواج مخصوص در طرفِ مقابل اثر بگذارد چیز عجیبی نخواهد بود.

و بسیاری نقل کرده اند که افرادی دارای این نیروی مرموز چشم بوده اند (1) بنابراین، چشم زخم از نظر عقل و علم ممکن است.

چشم زخم از دیدگاه روایات:

در نهج البلاغه می خوانیم: «العین حق و الرقی حق» (2)

«چشم زخم حق است و توسل به دعا برای دفع آن نیز حق است»

در برخی روایات از امام صادق(علیه السلام) نقل شده که برای جلوگیری از چشم زخم (توسط خود انسان) یا چشم خوردن سه مرتبه بگویند: «ما شاء الله لاقوۀ الا بالله العلی العظیم». (3) و در برخی روایات دیگر نقل شده که ذکر خدا را بگوید کافی است. (4)



---

1- (1) . تفسیر نمونه، ج 24، ص 426
2- (2) . نهج البلاغه، حکمت 546
3- (3) . ر.ک: مکارم الاخلاق، طبرسی(ره)، ص 445 و بحارالانوار، ج 63، ص 26
4- (4) . بحارالانوار، ج 63، ص 25.

جمع بندی و نتیجه گیری:

در قرآن کریم به صراحت از «چشم زخم» سخنی به میان نیامده است، ولی در روایات اشاراتی به این نیروی مرموز چشم شده است، و از نظر عقل و علم نیز مانعی جهت پذیرش «چشم زخم» نداریم اما باید توجه داشت که این مطالب به معنای پذیرفتن همه ی خرافاتی که در این زمینه رایج است، نمی باشد.

به عبارتی انسان نمی تواند کسی را متهم به داشتن «چشم زخم» (چشم شوری) کند؛ و از طرف دیگر برای نجات از «چشم زخم» نمی توان هر راه حل خرافی را پذیرفت و دنبال کرد.

معرفی منابع جهت مطالعه در زمینه ی فرا روان شناسی:

1. تناقض نما یا غیب نمون، محمدامین احمدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، 1378.

2. عجایب حس ششم، غلامرضا اربابی، گروه فرهنگی اربابی، چاپ صنوبر تهران.

3. روح و دانش جدید، آیزنک: براود، واتسن، مترجم محمدرضا غفاری، چاپ دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

4. شگفتی های هیپنوتیزم، ب. جیبسون والتر، ترجمه رضا رحمانیان، چاپ صنوبر.

5. تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد اول، جوادی آملی، مرکز نشر اسراء.

6. جهان غیب و غیب جهان، بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات کیهان.

7. عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (باورهای دینی و امدادهای غیبی)، علی تقی زاده اکبری، مرکز تحقیقات اسلامی.

8. دریافت های حس ششم در فوق طبیعت، چلبی شاکر و بشار البیطار محمد، مترجمان، احمد بانپور و م.حیدریان.

9. اصالت روح از نظر قرآن، آیت الله جعفر سبحانی، چاپخانه علمیه قم.

10. پژوهشی در سحر و جادوگری از نظر اسلام، محمد سالاری، موسسه انتشارات مشهور.

11. هیپنوتیزم علمی نوین، شروت ریچارد، ترجمه رضا جمالیان، موسسه اطلاعات.

12. اعجاز (معجزه) از نظر عقل و قرآن، آیت الله سید محمدحسین طباطبایی، نشر فاخته.

13. معجزه در قلمرو عقل و دین، محمدحسن قدردان قراملکی، بوستان کتاب قم.

14. علوم غیبی و اسرار، موریس مترلینگ، ترجمه ذبیح الله منصوری، انتشارات صفار تهران.

15. فوق طبیعت، لیال واتسن، ترجمه ی شهریار بحرانی و احمد ارژمند، چاپخانه سپهر تهران.

پرسش:

آیا سحر از نظر قرآن واقعیت دارد یا خرافه است؟

پاسخ:

لازم است نخست مفهوم سحر و آیات آن را بررسی کنیم:

الف. سحر در لغت:

1. خدعه و نیرنگ مانند: شعبده بازی.

2. هر چه که عوامل نامرئی و مرموز دارد.

3. جلب شیطان ها از راه های خاص و کمک گرفتن از آنها.

4. تغییر ماهیت اشیاء و شکل اشخاص به صورت خیالی.

تذکر: از نظر لغوی سحر شامل شعبده و تردستی نیز می شود. (1)

ب. سحر در اصطلاح:

1. نوعی اعمال خارق العاده که آثاری از خود در وجود انسان ها به جای می گذارد و گاهی یک نوع چشم بندی و تردستی است و گاه تنها جنبه ی روانی و خیالی دارد. (2)



---

1- (1) . ر.ک: قاموس اللغه و مفردات راغب، ماده ی «سحر»
2- (2) . تفسیر نمونه، ج 1، ص 377.

2. سحر بر حسب متعارف، امر خارق العاده ای را گویند که از راه تصرف در مشاعر ادراکی انسان، تحقق پیدا می کند؛ بنابراین با قطع نظر از ادراکات انسانی، تحقق نفسی و واقعی نخواهد داشت. مانند: انواع چشم بندی و تسخیر اشخاص، ایجادِ حبّ و بغض و جدایی انداختن میان زن و شوهر و عقد الرجال که عموماً به تصرف در ادراک مربوط می باشند. (1)

ج. اقسام سحر:

1. علامه طباطبایی امور خارق العاده را چنین تقسیم بندی می کند:

الف. بسیاری از این امور، طبیعی و بوسیله ی تمرین حاصل می شود. مانند: خوردن سمّ، بلند کردن اشیاء سنگین و... و گاهی این امور طبیعی، مخفی است. مانند: کسانی که بدن خود را به مایعی آغشته می کنند و داخل آتش می شوند و نمی سوزند.

ب. برخی از این امور خارق العاده، مستند به امور طبیعی نبوده بلکه به خاطر قوت اراده ی صاحب آنها حاصل می شود. اراده تابع علم است و هنگامی که علم جازم و ایمان به تاثیر داشته باشد اثر آن ظاهر می شود. مانند: کسانی که احضار ارواح می کنند در واقع آنها روح را در مشاعر شخص حاضر می کنند؛ یعنی در خیال و حواس آنها حاضر می شود نه در خارج، و گرنه همه آن را می دیدند.

ج. کار صاحبان اراده ی قوی و افرادی که ریاضت می کشند بنابراین اگر از جن و روح خبر گیرند و کمک جویند؛ «کهانت» نامیده می شود. و اگر بوسیله ی ورد، نوشتجات و... باشد؛ «سحر» نامیده می شود. (2)



---

1- (1) . اعجاز قرآن، علامه طباطبایی، ص 17 - 116

2- (2) . ر. ک: المیزان، ج 1، ص 242.

2. تقسیم سحر در روایت:

در روایات اسلامی نیز سحر را به چند گونه تقسیم کرده اند:

حکایت شده که شخصی از امام صادق(علیه السلام) در مورد سحر پرسش کرد حضرت در پاسخ فرمودند:

«سحر اقسامی دارد برخی اقسام آن به منزله ی طبّ است. همانگونه که پزشکان برای هر دردی دوایی دارند، ساحران نیز برای هر سلامتی، ناراحتی، و برای هر معنایی، حیله ای دارند؛ و نوع دیگر سحر چیزی است که در ارتباط با اولیای شیطان است پس نزدیک ترین نوع سحر به صواب (واقع) آن است که به منزله ی طب است که ساحر مردی را مبتلا می کند به اینکه از زنان دوری کند و پزشکی آن مرد را معالجه می کند و دفع سحر می کند.» (1)

3. تفسیر نمونه اقسام سحر را چنین بر می شمارد:

الف. گاهی صرفاً جنبه ی نیرنگ، خدعه، چشم بندی و تردستی دارد؛

ب. گاهی از عوامل تلقینی در آن استفاده می شود؛

ج. گاهی در آن از خواص ناشناخته ی فیزیکی و شیمایی بعض اجسام و مواد استفاده می شود؛

د. گاهی از طریق کمک گرفتن از شیاطین است. (2)

حقیقت سحر:

سحر آثار روانی مثل ایجاد محبت یا دشمنی، ناراحتی یا خوشحالی دارد؛ اما آثار واقعی خارجی ندارد. مثل: زنده کردن مردگان یا تغییر ماهیت و حقیقت چیزی. (3)



---

1- (1) . بحارالانوار، ج 63، ص 21 و میزان الحکمه، ج 4، ص 410
2- (2) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج 13، ص 240

3- (3) . بحارالانوار، ج 63، ص 39.

سحر از دیدگاه علوم جدید:

در گذشته ساحران با استفاده از برخی علوم برنامه های خود را عملی می ساختند که امروزه علم از آن پرده برداشته است.

اول: استفاده از خواص ناشناخته ی فیزیکی و شیمیایی اجسام که در داستان ساحران زمان موسی(علیه السلام) آمده که آنها با استفاده از خواص فیزیکی و شیمیایی مانند جیوه و ترکیبات آن توانستند چیزهایی به شکل مار بسازند و به حرکت درآورند. (1)

دوم: استفاده از خواب مغناطیسی، هیپنوتیزم و مانیه تیزم و تله پاتی و... لازم به ذکر است این علوم در شمار علومی است که می تواند در بسیاری از شئون زندگی مورد بهره برداری صحیح قرار گیرد، ولی ساحران از آن سوء استفاده می کردند و برای اغفال و فریب مردم، آنها را به کار می گرفتند. (2)

سحر از منظر قرآن کریم:

قرآن کریم حدود 60 بار واژه ی «سحر» و مشتقات آن را به کار برده است که می توان این آیات را به سه دسته تقسیم نمود:

1. آیاتی که می فرماید: مخالفان به انبیای الهی تهمت می زدند و آنان را ساحر می خواندند، مانند: یونس / 76، هود / 7، طه / 71، شعراء / 49.



---

1- (1) . نمونه، ج 13، ص 237

2- (2) . تفسیر نمونه، ج1، ص 2 - 381.

2. آیاتی که در مورد مقابله ی حضرت موسی(علیه السلام) با ساحران زمان خویش است که قرآن این داستان را به طور مفصل بیان کرده است. اعراف / 108 تا 123، طه / 57 تا 73، شعراء / 36 تا 46، یونس / 75 به بعد، قصص / 36 به بعد.

3. آیاتی که در مورد سحر هاروت و ماروت در شهر بابل سخن می گوید. (1)

تحلیل اجمالی چند آیه در مورد سحر

سوره طه / 66: «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّها تَسْعَی» (2)

سوره اعراف / 116: «قَالَ أَلْقُوا فَلَمّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُو بِسِحْرٍ عَظِيمٍ» (3)

بسیاری از مفسران نوشته اند: ساحران زمان موسی(علیه السلام) موادی همچون جیوه درون طناب ها و عصاها قرار داده بودند که با تابش آفتاب و گرم شدن این ماده ی فوق العاده فرّار، حرکات مختلف و سریعی به آنها دست می داد. (4)

این مارنماها مسلماً جان نداشتند ولی با تلقین هایی که ساحران به مردم کرده بودند و صحنه ی خاصی که در آنجا بوجود آمده بود، این چنین در چشم مردم مجسم می شد که این موجودات جان گرفته اند و مشغول حرکتند. بنابراین تعبیر



---

1- (1) . بقره / 102
2- (2) . (موسی) گفت: «بلکه (شما) بیفکنید.» و ناگهان ریسمان هایشان و عصاهای آنان بر اثر سحرشان در خیال او (چنان) می نمود، که آنها در جنب وجوشند!
3- (3) . [موسی] گفت: «بیفکنید!» و هنگامی که (ساحران وسایل خود را) افکندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را هراسان کردند و سحری بزرگ (پدید) آوردند!

4- (4) . تفسير نمونه، ج 13، ص 237.

«سحروا اعین الناس» یعنی «چشم مردم را سحر کردند» نیز اشاره به همین معنا است و همچنین تعبیر «یخیل الیه» یعنی «در نظر موسی چنین منعکس شد» نیز ممکن است اشاره به همین معنا باشد. (1)

آیت الله معرفت می نویسند:

در فرازی از آیات آمده، «یخیّل الیه - سحروا عین الناس» که دلالت دارد که سحر دارای هیچ حقیقت و واقعیتی نمی باشد چرا که این ریسمان ها چنانچه به واسطه ی سحر به مار حقیقی تبدیل می شدند، خدای متعال در آیه ی شریفه نمی فرمود: «سحروا اعین الناس» بلکه می فرمود: «فلمّا القوا صارت حیّات» (2)

از تحلیل این دو آیه ی شریفه چنین به دست می آید که «سحر»، به خودی خود، دارای هیچ واقعیتی نبوده فقط در ناحیه ی خیال انسان می تواند تاثیراتی بگذارد.

نتیجه گیری:

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی سحر و نیز اقسام آن می توان چنین نتیجه گرفت: سحر در برخی اقسام آن فقط خیالی است که اعجاب بیننده را بر می انگیزد مانند: شعبده بازی؛ و در برخی اقسام دیگر، اثرات روانی دارد مانند: ایجاد محبّت و دشمنی به وسیله امور مخفی از قبیل سخن چینی و وسوسه و... اما اینکه سحر دارای اثرات خارجی و واقعی همچون تغییر ماهیت و حقیقت مانند تبدیل انسان به میمون یا سوسک باشد، ناممکن می باشد.



---

1- (1) . تفسیر نمونه، ج 13، ص 237

2- (2) . شبهات و ردود، آیت الله معرفت، ص 203 به نقل از مجمع البیان، ج 4، ص 461.

منابع:


1. تفسیر نمونه، ج 1، ص 377 به بعد - و ج 13، ص 240.

2. المیزان، ج 1، ص 72 به بعد و ص 242.

3. السحر و الحسد، محمد متولی الشغراوی، موسسه اخبار الیوم، بی تا، بی جا.

4. السحر فی القرآن الکریم، عبدالمنعم الهاشمی، دار ابن حزم، بیروت، 1411 ق.

5. احکام السحر و السحره فی القرآن و السنّه، امام فخررازی، شرح فریال علوان، دارالفکر لبنانی.

6. السحر و السحره فی ضوء الحدیث النبوی، دکتر سعد المرصفی، منشورات فرات السلاسل، کویت 1409 ق.

7. اعجاز القرآن فی علاج السحر و الحسد رسّ الشیطان، محمد محمود عبدالله، مکتبه زهران، بی تا، بی جا.

8. العلاج الربانی.

9. شبهات و ردود، آیت الله معرفت.

## فصل سوم: قرآن و زیست شناسی

### اشاره

ص:59

پرسش:

قرآن و نظریه تکامل (داروینیسم)؛

قرآن در مورد تئوری تکامل - داروینیسم - چه نظری دارد؟ آیا آنرا نفی می کند یا اثبات؟

پاسخ:

قبل از پاسخ به عنوان مقدمه به معرفی «تکامل انواع» و نظر مقابل آن می پردازیم تا زمینه برای پاسخ آماده شود.

تعریف ها:

الف. تکامل انواع (ترانسفورمیسم): انواع موجودات زنده در ابتدا به شکل کنونی نبوده اند، بلکه پس از آنکه نخستین سلول های موجود زنده پیدا شد، به تدریج تکامل یافتند و از نوعی به نوع دیگر تغییر شکل دادند و انواع موجودات را بوجود آوردند که کامل ترین حلقه ی آن انسان است.

ب. ثبات انواع (فیکسیسم): انواع جانداران هر کدام جداگانه از آغاز به همین شکل کنونی ظاهر گشتند و هیچ نوع، به نوع دیگر تبدیل نشده است و طبعاً انسان هم دارای خلقت مستقلی بوده است. (1)

ص:61

---

1- (1) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، د. محمدعلی رضایی اصفهانی، ج 2، ص 276 - 249. انتشارات کتاب مبین، چاپ چهارم، 1383.

تاریخچه:

اولین کسی که این نظریه را با روش علمی تشریح کرد، دانشمند معروف فرانسه، «لامارک» (1) بود. ولی جهان علم در آن زمان نتوانست آنرا هضم کند اما هنگامی که پس از او «چارلز داروین» (2) دانشمند انگلیسی آنرا مطرح کرد به خاطر تغییر شرایط پذیرفته شد و به همین خاطر وی به عنوان پایه گذار «تحول انواع» معرفی گردید. (3)

اصول چهارگانه ی داروینیسم:

1. تنازع بقا: هر موجودی با صدها عامل نابود کننده روبروست، ولی می خواهد عوامل باقی ماندن خود را تحصیل کند از این رو همواره میان موجودات عالم، کشمکش است.

2. انتخاب اصلح: در میدان مبارزه، پیروزی با کسی است که قوی تر و مجهزتر است.

3. قانون وراثت: هر اختلافی در پدر و مادر رخ دهد به عینه به فرزندان انتقال می یابد و در طول زمان به صورت یک تغییر کلی و نوعی درمی آید.

4. سازش با محیط: در صورتی که محیط تغییر کند جانور متناسب با آن تغییر کرده، و به مرور زمان اعضایی که نیاز دارد به وجود می آورد و اعضایی را که نیاز ندارد از دست می دهد.



---

1- (1) . (1744 - 1829 م)
2- (2) . (1809 - 1882 م)
3- (3) . ر. ک: داروینیسم یا تکامل انواع، استاد جعفر سبحانی، انتشارات توحید، ص 15 - 17.

* او شجره ی انسان را به میمون رسانده و آن هم به «سمور» می رسد که قدر مشترک (واسطه) میان آن دو نیز، همان «پریمات ها» هستند. (1)

داروینیسم در عصر حاضر یا فرضیه ی موتاسیون:

فرضیه ی «تکامل انواع» همراه با انواع موافقت ها و مخالفت ها، گذشته ی پر فراز و نشیبی دارد.

«تحول انواع» هنوز در زیست شناسی مطرح است و دانشمندان می کوشند از راه «جهش» یا «موتاسیون» آنرا اثبات کنند.

البته بر خلاف نظر داروین موتاسیون تدریجی نیست، بلکه دفعی و ناگهانی است و چون در ژن ها رخ می دهد قابل انتقال به نسل دیگر است؛ (2)

قرآن کریم و نظریه ی تکامل:

قرآن کریم به عنوان یگانه کتاب آسمانی موجود -که به اعتقاد همه ی دانشمندان اسلامی از هر گونه تحریف مصون مانده است - در آیات متعددی، از خلقت انسان سخن به میان آورده و از همین رو پژوهش هایی که پیرامون نظریه ی تکامل صورت گرفته بیشتر به بررسی مساله خلقت انسان از دیدگاه قرآن معطوف گردیده است. (3)

ما در ابتدا دیدگاه های مختلف را در این باره بیان کرده و سپس به سراغ آیاتی می رویم که بر اثبات یا نفی نظریه تکامل به آنها استناد جسته اند.



---

1- (1) . ر.ک: همان، ص 57، 63

2- (2) . ر.ک: همان، ص 120 و 121

3- (3) . تکامل زیستی و آیات آفرینش، ابراهیم کلانتری، ص 42 و 43، ناشر: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، 1382.

دیدگاه دانشمندان:

1. رد نظریه ی تکامل و تمسک به ظاهر برخی از آیات خلقت: (1)

ظاهر برخی آیات، دلالت بر خلقت مستقیم انسان از خاک دارد (2) که با تئوری تکامل در تعارض است. البته این قبیل دانشمندان تعارض را وقتی مسلم می دانند که این نظریه از تئوری بودن خارج و به قانون تبدیل شود، و برای آن موقع نیز راه را باز گذاشته اند. آنها می گویند: ظواهر به گونه ای نیست که قابل تاویل نباشد (3) ] و آنها آیات را به وسیله آیات دیگر، که تا حدی تکامل انواع را می رسانند تفسیر می کنند [. این نظریه پر طرفدارترین نظریه در بین دانشمندان اسلامی می باشد.

حتی برخی گفته اند: آیات در این زمینه صراحت دارند و اگر هم این نظریه اثبات شود آفرینش انسان - به خاطر وحی - از این قاعده مستثنی خواهد بود. (4)

2. پذیرش نظریه ی تکامل و تطبیق آن بر برخی از آیات:

برخی افراد (5) نظریه ی تکامل را پذیرفته و آن را موافق قرآن دانسته اند، و آیات مخالف را تاویل کرده اند.



---

1- (1) . نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مسیح مهاجری، ص 54
2- (2) . «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُم مِن تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنتُم بَشَرٌ تَنتَشِرُونَ» روم / 20
3- (3) . همان، ص 56 و 59
4- (4) . همان، ص 60 و 66
5- (5) . خلقت انسان، یدالله سحابی، ص 188، به نقل از نظریه تکامل از دیدگاه قرآن.

نظریه تکامل در آیینه آیات:

آیات قرآن را در رابطه با ردّ یا اثبات این نظریه به سه دسته می توان تقسیم کرد:

الف: آیاتی که در اثبات نظریه تکامل مورد استناد واقع شده اند:

1. آیاتی که خلقت همه چیز را از آب می داند. (1)

2. آیاتی که خلقت را به سه مرحله تقسیم می کند: (2)

2 - 1. بعد از خلقت و قبل از شکل گیری انسان؛

2 - 2. بعد از شکل گیری انسان و قبل از انتخاب آدم؛

2 - 3. انتخاب آدم از بین انسان ها و بعد، امر کردن فرشتگان به سجده ی بر آدم. (3)

3. آیاتی که به مرحله ی اول آفرینش انسان اشاره می کند:

3 - 1. آفرینش انسان از خاک؛ (4)

3 - 2. آفرینش انسان از آب؛ (5)

3 - 3. آفرینش انسان از نطفه. (6)

4. آیاتی که به مرحله ی دوم آفرینش انسان اشاره دارد (بعد از شکل گیری و قبل از انتخاب آدم.) (7)



---

1- (1) . انبیاء / 30، نور / 45
2- (2) . اعراف / 11، حجر / 26 - 29
3- (3) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، همان، ص 256 - 261
4- (4) . انعام / 2، ص / 71، سجده / 8، مومنون / 12، صافات / 11، حجر / 29

5- (5) . فرقان / 54، سجده / 8 - 9
6- (6) . دهر / 2
7- (7) . بقره / 213.

5. آیاتی که به مرحله ی سوم آفرینش انسان اشاره دارد. (انتخاب آدم از بین انسان ها.) (1)

ب: آیاتی که در رابطه با اثبات نظریه «ثبات انواع» مورد استناد واقع شده است:

1. آنها که خلقت همه ی انسان ها را از نفس واحد می دانند؛ (2)

2. آنها که خلقت آدم(علیه السلام) را از خاک می دانند. (3)

ج: آیاتی که قابل انطباق با هر دو نظریه «تکامل انواع» و «ثبات انواع» است: (4)

جمع بندی و بررسی نظریه تکامل و قرآن:

آیات نامبرده در راستای استدلال بر نظریه های یاد شده، مورد رد و اثبات شدید صاحب نظران قرار گرفته است که مجال ذکر آنها نیست. در این باره لازم است به چند نکته توجه داشت:

1. این نظریه هر چند هنوز اثبات نشده است ولی مورد قبول اکثر جوامع علمی (علوم تجربی) قرار گرفته و نظریه ی «ثبات انواع» تنها به صورت یک احتمال در کنار آن مطرح است و از طرف دیگر آیات قرآن هم قابل انطباق بر هر دو نظریه است، و هم به گونه ای است که طرفدار یک تئوری می تواند با آوردن احتمالات متعدد آیات، استدلال دیگری را ابطال کند.



---

1- (1) . آل عمران / 33 (همان، ص 262 - 269)
2- (2) . انعام / 98
3- (3) . آل عمران / 59
4- (4) . نک: نحل / 4، کهف / 37، انفطار / 87، علق / 21 (همان، ص 275 - 276)

2. به صورت قطعی نمی توان گفت که قرآن در این زمینه چه نظری دارد، بله برای هر کدام می توان شواهدی اقامه نمود، و محققین مختلف هم ممکن است در روند تحقیقات خود به یک سمت متمایل شوند ولی بهتر آن است که تا اثبات یا رد قطعی این نظریه، برداشت از آیات به صورت احتمالی بیان شود.

3. در صورت اثبات این نظریه، آیات به گونه ای نیست که با آن تضاد داشته باشند. (1)

یادآوری:

از آنجا که مادی گراها خواسته اند از این نظریه به نفع خود سوءاستفاده کنند و آنرا دلیلی بر عدم نیاز طبیعت به خدا قلمداد کنند، یادآور می شویم: نه «تحول انواع» مخالفتی با اصول خداشناسی دارد و نه «ثبات انواع» از دلایل خداشناسی است بلکه هر دو طرف نسبت به اثبات خدا یکسان است. زیرا آنچه اثبات خدا بر آن تکیه دارد برهان نظم است خواه این نظم به صورت «ثبات انواع» باشد یا «تکامل انواع». (2)

برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه فرمایید:

1. تکامل زیستی و آیات آفرینش، ابراهیم کلانتری، ناشر موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، 1382.

2. تکامل در قرآن، علی مشکینی اردبیلی، ترجمه: ق. حسین نژاد، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



---

1- (1) . برگرفته از پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، همان، ص 276
2- (2) . دارونیسم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، ص 18 و 19، انتشارات توحید.

3. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مسیح مهاجر، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1363، دارونیسم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، انتشارات توحید.

4. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، د. محمدعلی رضایی اصفهانی، ج 2، انتشارات کتاب مبین، چاپ چهارم، 1383.

5. خلقت انسان در قرآن، استاد محمدتقی مصباح یزدی.

6. آفرینش و انسان، محمدتقی جعفری.

7. خلقت انسان، یدالله سحابی.

8. قرآن، طبیعت و تکامل، مهدی بازرگان.

9. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج 11، ذیل آیات مذکور.

ص:68

پرسش:

آخرین نظرات دانشمندان در مورد نظریه تکامل چیست؟

پاسخ:

در این مورد ترجمه خلاصه بیانیه پانصد نفر از دانشمندان علوم تجربی تقدیم می شود:

بالغ بر 500 اندیشمند دارای مدرک دکترا، بیانیه ای را امضاء کردند که بیانگر تردیدشان نسبت به فرضیه تکامل داروین می باشد.

در این بیانه آمده است: «ما در لحاظ کردن پیچیدگی حیات موجودات زنده، ادعای قابلیت جهش اتفاقی و انتخاب طبیعی را، فاقد قطعیت می دانیم. بررسی دقیق مدارک و اسناد در رابطه با فرضیه داروین بایست مد نظر قرار گیرد.»

فهرست 514 امضاء کننده، مشتمل بر دانشمندان ایالات متحده و آکادمی ملی علوم روسیه می باشد. عمدهٔ امضاء کنندگان عبارتند از: 154 زیست شناس، 76 شیمی دان و 63 فیزیکدان.

امضاء کنندگان بیانیهٔ مذکور، رسالهٔ دکترای خود را در علوم زیست شناسی، فیزیک، شیمی، ریاضی، طب، کامپیوتر و رشته های وابسته ارایه کرده اند.

اکثر آنها اساتید یا پژوهشگرانی در دانشگاههای معتبر می باشند از قبیل: MIT ،

دانشگاه کمبریج، Ucberkely ، Smithsonian ، UCLA ، پرفیتون، دانشگاه پنسیلوانیا، دانشگاه ایالت اوهایو، دانشگاه جورجیا و دانشگاه واشنگتن.

مؤسسهٔ دیسکاوری ( Discovery Institute) اولین بار فهرست اختلاف عقیده با داروینیسم را در سال 2001 چاپ کرد. در آن زمان ادعا شده بود که «در حقیقت هر دانشمندی در جهان عقیده بر صحت فرضیه داروین دارد.»

طرفداران فرضیه داروین (داروینیست ها) همچنان ادعا می کنند که هیچ دانشمند مطرحی در فرضیه داروین شک ندارد و در اینجا فهرستی وجود دارد که 500 دانشمند مایلند که تردید خود را در رابطه با فرضیهٔ داروین، به صورت متفق القول اعلام نمایند تلاش داروینیست ها برای سرکوب مخالفت و مباحثه با استفاده از مراجع قضایی، رسانه ها و انجمن های آکادمیک، در حقیقت باعث برانگیختن مخالفت بیشتر و تشویق دانشمندان بیشتری می شود که درخواست افزوده شدن به فهرست مخالفین را داشته باشند.

در واقع این فهرست رو به رشد دانشمندان مخالف بود که مؤسسه ما را تشویق کرد که وب سایتی را با آدرس www.disse ntfrom darwin.org ارایه کند که پاسخی برای افراد جویای سوال باشد و نیز محلی برای دسترسی به فهرست، چه توسط عامه مردم و چه توسط دانشمندانی که تقاضای افزوده شدن نامشان به فهرست را دارند. (1)

ص:70

---

1- (1) . ترجمه و تلخیص دکتر مجتبی توکلی، تنظیم سرکار خانم سحر شُمیل شوشتری. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اهواز، دانشکده توانبخشی. متن انگلیسی در صفحات پیوست آخر کتاب موجود می باشد.

پرسش:

آفرینش حوا چگونه بوده است؟

پاسخ:

از جمله مسایلی که آیات زیادی از قرآن کریم را به خود اختصاص داده موضوع خلقت است. قرآن کریم با صراحت در آیات متعددی [(1)] می فرماید: «زنان را از همان جنس مردان و از سرشت مردان آفریدیم.»

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه [(2)] ذیل آیه ی «خَلَقَکُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثم جعل مِنْهَا زَوْجَهَا» [(3)]می نویسد: آفرینش همه ی انسان ها از نفس واحد اشاره به مساله ی آفرینش آدم(علیه السلام) جدّ نخستین ما است که این همه افراد بشر با تنوع خلقت، خلق و خوی متفاوت و استعدادها و ذوق های مختلف، همه به یک ریشه باز می گردد که آن آدم(علیه السلام) است. تعبیر به - ثم جعل مِنْهَا زَوْجَهَا - در واقع اشاره به این است که خدا آدم را آفرید سپس همسرش را از گل ] و حقیقت [ او خلق کرد.

ص:71

---

1- (1) . نساء / 1، روم / 21، نحل / 72
2- (2) . تفسیر نمونه، جلد 19، ص 380
3- (3) . (همان) کسی که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را آفرید. (زمر / 6)

لازم به یادآوری است که در برخی احادیث آمده (1) است که آفرینش همسر آدم، از باقیمانده ی گل او صورت گرفته است. اما روایتی که می گوید: حوا از آخرین دنده ی چپ آدم(علیه السلام) آفریده شده، سخنی بی اساس است که از بعضی روایات اسرائیلی (تحریف شده) گرفته شده و هماهنگ با مطلبی است که در فصل دوم سفر تکوین (2) تورات تحریف یافته ی کنونی آمده است. و از این گذشته بر خلاف مشاهده و حس می باشد. زیرا طبق این روایت، یک دنده ی آدم برداشته و از آن حوا را آفریده اند، و از این رو مردان یک دنده در طرف چپ کمتر دارند. در حالی که ما می دانیم هیچ تفاوتی میان تعداد دنده های مردان و زنان وجود ندارد و این تفاوت افسانه ای بیش نیست. (3)

شخصی از امام باقر(علیه السلام) پرسید: خداوند حوّا را چگونه آفرید؟ امام در پاسخ فرمودند: مردم در این مورد چه می گویند: گفتم: می گویند خداوند حوّا را از یکی از دنده های آدم آفرید. (امام) فرمودند: آنها دروغ می گویند، آیا خداوند ناتوان است که حوا را از غیر دنده ی آدم(علیه السلام) بیافریند. گفتم فدایت گردم ای پسر رسول خدا پس خداوند حوا را از چه آفرید: «امام فرمودند: پدرم از پدرانش نقل کرد که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند متعال مقداری گل را گرفت و آن را با دست قدرتش درهم آمیخت و از آن گِل، آدم(علیه السلام) را آفرید، سپس از آن گِل مقداری اضافه آمد، خداوند از آن گل اضافی حوّا را آفرید. (4)

ص:72

---

1- (1) . تفسیر نمونه، ج 3، ص 245 - 246، به نقل از تفسیر عیاشی
2- (2) . فصل دوم، سفر تکوین، آیه 21، خط 28 و 29، خواب سنگینی بر آدم مستولی گردانید و خداوند یکی از دنده های چپ آدم را گرفت و به جای آن گوشت پر کرد
3- (3) . تفسیر نمونه، ج 19، ص 380
4- (4) . نورالثقلین، ج 1، ص 420.

شاید تعبیر گل آدم کنایی باشد و مقصود حقیقت آدم و وجود او باشد که حواء از آن آفریده شده است.

بعضی ها از آیه ی «خَلَقَکُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (1) استفاده کرده اند که مقصود از (خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا) خلقت حوّا از جنس آدم (جنس بشر) است؛ یعنی حوّا انسانی بود مثل خود آدم و این معنا با توجه به آیات دیگر قابل اثبات است که می فرماید:

«وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْکُنُوا إِلَیْهَا»؛ (2)«و از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان ها آرامش یابید.»

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَاجاً»؛ (3)«و خدا برای شما از (جنس) خودتان همسرانی قرار داد.»

نتیجه:

حوا از گل آدم آفریده شده است. ولی شاید مقصود از «گل»، حقیقت وجود آدم باشد که یعنی می توان گفت: جنس آدم و حوا یکی است.



---

1- (1) . نساء / 1

2- (2) . روم / 21

3- (3) . نحل / 72.

پرسش:

آیا اشاره به «آمیزش و لقاح» ابرها و گیاهان، اعجاز علمی قرآن است؟

پاسخ:

تاریخچه:

هر چند بشر از دیرباز می دانسته که در برخی گیاهان - مانند: خرما. - اگر گرده های نر را به گیاه ماده برسانند؛ محصول بدست می آید؛ ولی این اطلاعات محدود به چند گیاه خاص بود، تا اینکه لینه (1) (1778 - 1707م) طبیعی دان سوئدی، قانون «زوجیت عمومی در گیاهان» را کشف کرد.

در مورد باران نیز باید گفت: بشر اطلاعاتی از کیفیت نزول آن نداشت تا اینکه در سال های اخیر با پیشرفت در رشته هایی چون هواشناسی، به مسئله ی تلقیح ابرها پی بردند. و حتی فعلاً بحث از باران مصنوعی است. در اینجا بود که دانشمندان متوجه نقش عجیب بادها در زایا شدن ابرها شدند. (2)

ص:75

---

1- (1) . Carl von linne.

2- (2) . برگرفته از: «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»، ج 2، ص 291 - 286. دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین، چاپ اول، 1380.

بررسی آیات:

آیه ی 22 سوره ی حجر، در این موضوع، نقش محوری دارد، که خداوند می فرماید:

«وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ السَّماءِ مَاءً...»

«و بادها را باردار کننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم.»

در مورد این آیه سه نظر وجود دارد:

الف: منظور، لقاح گیاهان است:

برخی نویسندگان (1) ضمن تقسیم عوامل لقاح در گیاهان به رئیسی (مثل حشرات) و غیر رئیسی (مثل آب، انسان و ...) نقش بادها را در این زمینه مهم ارزیابی کرده و می گویند: «علم کشف کرده که مهمترین گیاهان خشکی و آبی، بوسیله ی باد تلقیح می شوند، از این رو قرآن از میان عوامل لقاح، باد را ذکر کرده است.»

ب: منظور، لقاح ابرهاست: (2)

برخی دانشمندان بر این باورند که حتی وجود بخار آب در هوا و اشباع هوا و یا حتی تقطیر آن در سطوح بالایی جوّ، برای ریزش باران کافی نیست؛ زیرا ممکن است با وجود اشباع، تقطیر نشود و یا اینکه قطرات آنقدر ریز باشند که معلق بمانند و نبارند؛ بلکه شرط سومی نیز ضرورت دارد که آن، «بارورشدن» یا «عمل لقاح» است.



---

1- (1) . احمد سلیمان ، القرآن و الطب، دار العودهٔ البیروت، ص 24 - 26
2- (2) . مرحوم طبرسی از مفسرین گرانقدر شیعه از اولین کسانی است که لقاح را به معنی آبستنی ابرها دانسته است. مجمع البیان، ج 3، ص 334، مطبعهٔ العرفان، بیروت.

به این ترتیب باد، ذرات نامرئی نمک را از دریا با خود می آورد تا به همراه قطرات ریز آب، نطفه های جذب کننده و آماس کننده را تشکیل دهد و سرانجام با تلاطم و تصادم بادها به هم بپیوندند، رفته رفته درشت شده و سقوط کنند.

همچنین توده های ابر، در اثر اصطکاک با عوارض زمین و اجسام معلق در باد، دارای بارهای الکتریکی مخالف می شوند که تخلیه ی آن - رعد و برق - باعث یونیزه شدن هوا و تشکیل ازن می گردد که به پیوستن و درست شدن باران کمک فراوان می نماید. (1)

ج: منظور، لقاح ابرها و گیاهان است:

برخی دیگر از دانشمندان و صاحب نظران انحصار آیه در یکی از دو معنای فوق را رد می کنند. و می گویند: اگر چه قسمت دوم آیه بوسیله «فاء» که یکی از موارد کاربردش نتیجه گیری است به قسمت اول ربط داده شده است - بادها را زایا کننده فرستادیم، «پس» نازل کردیم ... - ولی منظور آن فقط لقاح ابرها نیست بلکه قسمت اول آیه، یک فرمول کلی را ارائه می دهد چه در گیاهان و چه در ابرها؛ و قسمت دوم (از آسمان آبی نازل کردیم) یکی از موارد و نمونه های آن است. (2)



---

1- (1) . باد و باران در قرآن، مهندس مهدی بازرگان، ص 59 و 126، (با تلخیص)

2- (2) . موارد مشابه دیگری نیز در قرآن وجود دارد، مثلاً: در حالی که تنها فایده نزول باران، روییدن گیاهان نیست؛ می فرماید: «فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ»: «پس بوسیله ی آن آب را نازل کردیم «پس» بوسیله ی آن بیرون آوردیم از زمین تمام ثمرات را». ر.ک: زنده ی جاوید و اعجاز جاویدان، مهندس محمدعلی سادات، ص 35 - 36.

نتیجه گیری:

1. قسمت اول آیه قاعده ی کلی و قسمت دوم یک نمونه و مصداق از آن است. پس آیه می تواند هم لقاح در گیاهان و هم ابرها را شامل شود.

2. آیه ی فوق می تواند چیزی فراتر از ابر و گیاه را شامل شود. که ممکن است در آینده، علم از آن پرده برداری کند.

3. اشاره ی علمی قرآن به پدیده ی «لقاح در ابرها»، می تواند «اعجاز علمی» به شمار آید، چرا که این مسئله تا سال های اخیر برای بشر مشخص نشده بود.

ولی در مورد گیاهان، از آنجا که بشر از گرده افشانی گیاهان - هر چند محدود - اطلاع داشته است با یک درجه تنزّل جزء «شگفتی های علمی قرآن» به حساب می آید نه «اعجاز علمی».

معرفی کتاب:

برای مطالعه بیشتر به منابع ذکر شده در پاورقی و همچنین منابع زیر مراجعه فرمایید:

1. تفسیر نمونه، ج 11، ص 61.

2. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج 2، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین.

3. قرآن و پدیده های طبیعت از دید دانش امروز، د. یحیی نظیری، ناشر سحاب کتاب، چاپ اول، 1358.

4. قرآن و اسرار آفرینش، استاد جعفر سبحانی، انتشارات توحید، 1362.

ص:78

پرسش:

آیا از نظر قرآن در آسمانها موجود زنده وجود دارد؟

پاسخ:

اگر چه علوم روز هنور به طور قطعی در مورد وجود موجودات زنده در آسمان، خبر نداده است ولی قرآن در این باره با نوعی رازگویی در 15 قرن پیش، پنجره ی جدیدی را به روی دانشمندان گشوده است.

با بررسی در آیات به نظر می رسد قرآن کریم بر بودن موجودات زنده در آسمان اشاراتی دارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

1. خداوند در آیه ی 29 سوره ی شوری می فرماید:

«وَمِنْ آیَاتِهِ خَلْقُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِیهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَی جَمْعِهِمْ إِذَا یَشَاءُ قَدِیرٌ»

«و از آیات اوست آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده؛ و او هر گاه بخواهد بر جمع آنها تواناست.»

برخی صاحب نظران می نویسند: «دابۀ» از نظر لغوی، مشتق از «دب» و به معنای راه رفتن و حرکت کردن است و آن شامل حشرات و پرندگان و انسان ها می شود. (1)



---

1- (1) . کهکشان ها در قرآن، لطفعلی سمیعی، ص 104، انتشارات انصاری، 1381. به نقل از: قاموس قرآن و المیزان و نمونه.

علامه طباطبایی(ره) در مورد دلالت آیه می فرماید: ظاهر آیه این است که در آسمان موجوداتی از جنبندگان (دواب) مثل روی زمین وجود دارد، و اگر کسی بگوید: منظور از جنبندگان آسمان ملائکه هستند مردود است؛ زیرا «دواب» بر ملائکه اطلاق نمی شود. (1)

هر چند طبق آیه ی 30 سوره ی انبیاء، هر موجود زنده ای از آب آفریده شده است (2) ولی همانگونه که در روی زمین شرایط حیات موجودات زنده متفاوت است و گروهی آبزی، گروهی خاک زی و جمعی نیز هوازی هستند با مقیاس وسیع تری شرایط حیات در کرات دیگر براساس ساختمان مختلف جانداران متفاوت است و نباید انتظار داشت، موجودات دیگر همان سازمان وجودی ما را داشته باشند. (3)

از حضرت علی(علیه السلام) در این زمینه نقل شده است، که می فرمایند:

«این ستارگانی که در آسمان است، شهرهایی همچون شهرهای زمین هستند که هر شهری با شهر دیگر با ستونی از نور مرتبط است.» (4)

از این روایت می توان چنین برداشت کرد که: همانگونه که در شهرهای زمین انسان ها زندگی می کنند، در آسمان ها نیز موجودات هوشمندی شبیه انسان زندگی می کنند.

ص:80

---

1- (1) . برگرفته از المیزان، علامه طباطبایی، ج 18، ص 58
2- (2) . وجعلنا من الماء کل شی حی
3- (3) . برگرفته از : دانش عصر فضا، حسین نوری، ص 170، انتشارات جهان
4- (4) . سفینه البحار، ج 2، ص 574؛ مادهٔ نجم؛ از علی بن ابراهیم نقل شده است.

در ادامه ی، آیه می فرماید: «او بر جمع کردن آنها هنگامی که بخواهد قادر است.» برخی صاحب نظران بر این باورند که: احتمال دارد منظور از جمع «جمع در آخرت» باشد و ممکن است «جمع در دنیا» باشد ولی احتمال دوم قوی تر است. چرا که اگر منظور آخرت بود تناسب داشت آنرا با تاکید بیان کند نه اینکه با مشیت - اذا یشاء - همراهش نماید.

بنابراین می فرماید: هنگامی که خداوند بخواهد ساکنین زمین و آسمان با همدیگر ملاقات می کنند. (1)

2. آیه ی دیگری که به این مطلب دلالت دارد آیه ی 15 سوره ی رعد است؛ که می فرماید:

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِی السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَظِلاَلُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»؛ «تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند - از روی اطاعت یا اکراه - و همچنین سایه هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می کنند.»

واژه ی «مَن» در عربی برای صاحبان عقل به کار می رود، پس مقصود موجودات دارای شعور مثل انسان و فرشتگان هستند که در آسمان ها و زمین برای خدا سجده می کنند و از آنجایی که ملائکه و جن، سایه ندارند پس مقصود از «کسانی که در آسمان ها و زمین هستند» بشر و مخلوقاتی شبیه بشر هستند که سجده از روی اطاعت، مربوط به مومنین، و سجده از روی اکراه، مربوط به کافرین است (البته سجده در اینجا به معنای خضوع است.) (2)



---

1- (1) . الاعجاز العلمی فی القرآن، د. لبیب بیضون، ص 69، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1424 ه- ، 2003 م

2- (2) . برگرفته از: الاعجاز العلمی فی القرآن، د. لبیب بیضون، موسسۀ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1424 ه- ، 2003 م، چاپ اول.

آنچه تاکنون گفتیم در جهت اثبات وجود موجودات زنده در کرات دیگر بود که امروزه اصطلاحاً «تئوری پردازی از دیدگاه قرآن» نامیده می شود و در صورتی که علوم تجربی نیز به همین نتیجه برسند اعجاز علمی آن اثبات می شود.

اما از آنجا که در تفسیر آیات و احادیث باید جنبه های مختلف را در نظر گرفت و با دید وسیع تری به آیات نگاه کرد تا به واقع نزدیک تر شویم؛ در پایان احتمال دیگری را در مورد آیه ی اول - 29 / شوری - مطرح می کنیم که با معنای ذکر شده متفاوت است.

بررسی:

«واژه سماء و سموات در قرآن، به چند معنا به کار رفته است؛ از قبیل جهت بالا، کرات آسمانی، جو زمین...

تفسیر آیه فوق به وجود موجود زنده در کرات دیگر، وقتی صحیح است که ثابت شود واژه ی «سموات» در این آیه، به معنای کرات آسمانی است؛ در حالی که ممکن است منظور «جو اطراف زمین» باشد.

و منظور از «دابّۀ» موجودات ذره بینی مثل باکتری ها و یا موجودات درشت مثل پرندگان باشد.

حال اگر معنای دوم - جو زمین -را بپذیریم آیه در قسمت موجودات درشت، یک واقعیت خارجی را بیان می کند، که یکی از نشانه های الهی است؛ و در قسمت موجودات ریز، نوعی رازگویی علمی است که علوم جدید بدان دست یافته است. (1)



---

1- (1) . برگرفته از «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج 1، ص 200 - 201.

بنابراین به طور قطع نمی توان نظریه ی «وجود موجودات زنده در کرات دیگر» را به قرآن نسبت داد هر چند طبق تفسیر اوّل احتمال آن وجود دارد.

معرفی کتاب برای مطالعه بیشتر:

1. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، ج 1، انتشارات کتاب مبین، (چاپ دوم / 1381)، ص 195 - 206.

2. قطراتی از دریای قرآن، بهمن نیک بین، نشر نیریز، چاپ اول، 1376.

3. اثبات آسمانی بودن قرآن مجید، شهاب فهیم، ناشر موحدین، 1380.

4. قرآن و علوم روز،عبدالغنی الخطیب، ترجمه: دکتر اسد الله مبشری، (چاپ اول، 1362)، موسسه مطبوعاتی عطایی.

5. الاعجاز القرآن و التقدم العلمی، محمد عللوه، ناشر، دار الاشراق، 1997 م.

6. من دلائل الاعجاز العلمی، فی القرآن الکریم و السنۀ النبویۀ، دکتر موسی الخطیب، مؤسسۀ الخلیج ] المجعول [

ص:83

پرسش:

در قرآن به چند حیوان اشاره شده است؟

پاسخ:

خداوند متعال نعمت های فراوانی به انسان عرضه داشته است، از جمله، حیوانات را مسخّر بشر نمود تا از گوشت و پوست و محصولات آن استفاده کنند و نیازهای خویش را برآورده نمایند. و از طرفی در آفرینش موجودات زنده نشانه های بی شماری از قدرت و عظمت و حکمت پروردگار نهفته است از این رو می فرماید:

«أَفَلاَ یَنظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ» (1)

«و آیا به شتر نظر نمی کنند که چگونه آفریده شده؟ !»

خداوند موجودات مختلف اعم از حیوان و گیاه و ... را در اختیار انسان قرارداد تا از وجود آنها پی به وجود قدرت خدا ببرد و بعد از استفاده ی او را شکرگزاری کند.

قرآن کریم از 39 نوع حیوان و حشره با تعابیر متعدّد (حدود 63 تعبیر) به صورت اسم صریح یا کنایه نام می برد که عبارتند از (2) چهارپایان، شتر، پشه، قاطر،

ص:85

---

1- (1) . غاشیه / 17

2- (2) . ممکن است برخی از تعابیر شامل بعضی دیگر نیز بشود مثل انعام (چهارپایان) شامل گوسفند، گاو، شتر و اسب نیز می شود و شاید به عبارت بهتر چیزی ورای این حیوانات نباشد؛ اما به خاطر اهمیتی که خود این گونه ها و دسته های حیوانی داشت آنها را جداگانه ذکر نمودیم.

گاو، اژدها، اسب، ملخ، جانوران شکاری، الاغ، گورخر، ماهی، مار، خوک، جنبندگان (زمین)، موریانه، مگس، حیوانات رام، حیوانات سم دار، حیوانات درنده، سلوی (1)، گوسفند، قورباغه، پرنده، گوساله، عنکبوت، کلاغ، پروانه، فیل بوزینه، شیر، سگ، شپش، بز، میش، زنبور عسل، مورچه، هدهد.

اینک نظر شما را به فهرست مفصلی که در این راستا ارایه می شود، جلب می کنیم: (2)

(3)



---

1- (1) . پرنده ای که خداوند برای بنی اسرائیل در هنگام سرگردانیشان در بیابان فرو فرستاد، تا از آن تغذیه نمایند، که پر گوشت و شبیه کبوتر است. (ر.ک: تفسیر نمونه / ج 1، ذیل آیه ی 57 سورۀ بقره)
2- (2) . برای ارائه ی فهرست از کتاب «نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن» نیز بهره بردیم. (جلیل ابوالحب، ترجمه ی تقی متقی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، 1380)
3- (3) . شتر یا گاوی که در مکه قربانی می کنند و برای همین کار آنرا چاق می کنند/ معجم الوسیط، ابراهیم مصطفی، احمد حسن الزیات، حامد عبدالقادر، محمدعلی النجار، ج 1، ص 44.

(3) (2) (1)

ص:87

---

1- (1) . شتری که دندان پیشین درآورده و قوی و مناسب برای باربری است (الرائد، حیران مسعود، ترجمه انزابی نژاد، ج 1، ص 389، انتشارات آستان قدس رضوی، (چاپ سوم، 1380)

2- (2) . ترجمه آیت الله مکارم آنرا کنایه از کشتی هایی گرفته که در دریا حرکت می کنند

3- (3) . شتر بزرگ: معجم الوسیط، ابراهیم مصطفی - احمد حسن الزیات - حامد عبدالقادر محمد علی النجار، ج1، ص 136، معجم اللغهٔ العربیهٔ

(1) (2) (3) (4)

ص:88

---

1- (1) . که برای این کار تربیت شده اند مثل سگ، باز، یوزپلنگ
2- (2) . جمع جوادات به معنای اسبان سریع السیر تندرو (تفسیر نمونه، ج 19، ص 291) این کلمه در قرآن صفت الصافنات آمده است
3- (3) . ترجمه ی آیت الله مکارم شیرازی، «الْحامِلاَتِ وِقْراً» را کنایه از ابرهایی می داند که باران با خود حمل می کنند
4- (4) . ر.ک: ترجمه ی آیت الله مکارم.

(1)

ص:89

---

1- (1) . هر حیوانی که بر زمین راه رود. غالباً به چهارپایی که بر آن سوار شوند یا بارکشند، اطلاق می شود. چارپا (تفسیر نمونه دابهٔ را اعم از موجودات ذره بینی، پرندگان، ماهی ها و حیوانات غول پیکیری که ده ها تُن وزن دارند، می داند.) تفسیر نمونه، ج20، ص 461.

(1) (2) (3)

ص:90

---

1- (1) . مرغی است مانند بلدرچین و کوچک تر از آن - قرآن کریم، ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی، ص 171 ذیل آیه 160 / اعراف و همچنین پاورقی همان صفحه

2- (2) . لحم طریّ: گوشت تازه (قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم ذیل آیه مربوطه)

3- (3) . این کلمه در قرآن به همراه الجیاد آمده است.

(3) (2) (1)

ص:91

---

1- (1) . معجم الوسیط، همان، ج 1، ص 639
2- (2) . قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی
3- (3) .همان.

(2) (1)

ص:92

---

1- (1) . همان

2- (2) . برخی ترجمه ها آنرا یک آفت گیاهی ترجمه کرده اند. (قرآن کریم، ترجمه از آیت الله مکارم شیرازی، ذیل آیه مربوطه.)

توضیحاتی پیرامون اسامی حیوانات در قرآن:

الف. از حیواناتی مانند «ماهی ها»، «پرندگان»، «پستانداران» و «حشرات» در چند جای قرآن به چهار صورت یاد شده است:

1. اسم صریح: مثل بقره (گاو ماده).

2. بصورت وصفی مانند: دابهٔ الارض که منظور «موریانه» است و یا «بُدْن» که منظور شتر و گاو قربانی است.

3. نام حیوان به همراه فرآورده اش مثل نحل (زنبور عسل) و عسل.

4. به ذکر نام فرآورده اکتفاء شده است مثل لؤلؤ و مرجان.

ب: در یک تقسیم بندی دیگر می توان حیواناتی را که در قرآن آمده است به گروه های زیر تقسیم کرد:

1. حیوانات اهلی و کشاورزی مثل: بقره (گاو ماده)، غنم (گوسفند).

2. حیوانات وحشی مثل: ذئب (گرگ).

3. حشرات: مثل نمل (مورچه).

4. پرندگان: مثل هدهد.

5. حیوانات آبزی: مثل: حوت (ماهی).

ص:93

از این حیوانات در 52 سوره و بالغ بر 154 آیه یاد شده، چنانکه برخی سوره ها نیز به نام آنها نام گذاری شده که در این میان، سوره ی بقره بزرگ ترین و سوره ی فیل کوچک ترین سوره ای است که به نام حیوانات می باشد.

ج: در یک تقسیم بندی کلی دیگر، قرآن کریم، حیوانات را به اقسام زیر تقسیم کرده است. (1)

1. من یمشی علی بطنه؛ حیواناتی که بر شکم راه می روند.

2. من یمشی علی رجلین؛ حیواناتی که بر دو پا راه می روند.

3. من یمشی علی اربع؛ حیواناتی که بر چهار پا راه می روند.

[البته به نظر می رسد این تقسیم بندی حداقل شامل حیوانات هوازی نمی شود]

د: در قرآن از ناس- بشر- بنی آدم و... نیز نام برده شده که همگی بر انسان دلالت می کند که اگر با عینک علم زیست شناسی بنگریم آن ها نیز از جمله ی حیوانات می باشد.

یادآوری: نام بردن حیوانات در قرآن به تنهایی دلالت بر اعجاز علمی ندارد ولی می تواند شگفتی علمی یا اشاره علمی باشد.

منابع «قرآن و زیست شناسی» جهت مطالعه بیشتر:

الف. فارسی

1. قرآن و پدیده های طبیعت از دید دانش امروز، د. یحیی نظیری، ناشر سحاب کتاب، چاپ اول، تیر 1358.



---

1- (1) . برگرفته از همان، بخش چشم انداز بحث، ص 11 - 20.

2. قرآن و طبیعت، د. عبدالکریم بی آزار شیرازی، انتشارات زکات علم، چاپ اول، زمستان 1376.

3. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند، کانون انتشارات محمدی، چاپ ششم، شهریور 1358.

4. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، د. محمدعلی رضایی اصفهانی، ج 2، انتشارات کتاب مبین، چاپ اول، 1380.

5. قرآن و علوم روز، سید جواد افتخاریان، انتشارات افتخاریان، چاپ بیستم، 62.

6. نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، لطیف راشدی، ناشر سبحان، چاپ اول، بهار 77.

7. قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، انتشارات توحید، 1362.

ب. عربی

1. رحیق العلم و الایمان، الدکتور احمد فؤاد باشا، ناشر دارالفکر العربی، الطبعهٔ الاولی، 1422 ه- و 2002 م.

2. المعجم الطبیعی للقرآن الکریم، عزیز العلی العزی، انتشارات دارالتقریب بین المذهب الاسلامیهٔ، الطبعهٔ الاولی، 2001 م.

3. وجوه الاعجاز فی آیات التحل لغویاً - علمیاً - طبیاً، د. رضا فضیل بَکر، ناشر دارالاعتصام.

4. الاعجاز العلمی فی الاسلام و القرآن الکریم، محمد کامل عبدالصمد، ناشر الدار المصریهٔ البنانیهٔ، الطبعهٔ الرابعهٔ، 1416 ه- 1996 م.

ص:95

پرسش:

چرا در قرآن از میوه و گیاه یاد شده است؟

پاسخ:

با مراجعه به آیاتی که در آنان از میوه ها و گیاهان یاد شده است می توان به حکمت آن پی برد و به عبارت دیگر خداوند در ادامه ی اکثر آیه، علت آنرا بیان می فرماید.

بطور کلی مواردی چون، یادآوری نعمت های الهی، برانگیختن حس شکرگزاری، دعوت به تفکر و تدبر در نشانه ها و قدرت خداوند و مواردی از این قبیل را می توان از علل ذکر میوه ها و گیاهان در قرآن بر شمرد؛ که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می کنیم: (1)

1. یادآوری نعمت ها: خداوند در آیات متعددی از قرآن در مقام تذکر و یادآوری نعمت ها - که بر بنی اسرائیل ارزانی داشته بود - از «منّ» و «سلوی» (2) یاد



---

1- (1) . برای آگاهی بیشتر به تفسیر آیات مربوطه مراجعه فرمایید

2- (2) . «من»: در لغت به قطرات کوچکی همچون قطرات شبنم است که بر درختان می نشیند و طعم شیرینی دارد. یا به تعبیر دیگر یکنوع صمغ و شیره درختی است با طعم شیرین. و بعضی گفته اند: طعم آن شیرین توأم با ترشی است. (تفسیر نمونه از آیت الله مکارم شیرازی، ج 1، ص 264، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چ 46، 1383 ه- .) «سلوی»: در اصل به معنای آرامش است و برخی از لغت دانان و بسیاری از مفسران آنرا یک نوع پرنده دانسته اند. از تفسیری که برخی مسیحیان بر کتاب مقدس نوشته اند، استفاده می شود که سلوی همان پرنده مخصوص پر گوشتی است که شبیه و اندازه کبوتر است. (قاموس کتاب مقدس (مسترهاکس)، ص 483 به نقل از تفسیر نمونه، همان، ص 264.) (و نیز، ص 263 و 264)

می کند. من و سلوی دو غذای ویژه ی گیاهی و حیوانی است که در دوران چهل سال سرگردانی بنی اسرائیل در بیابان، فرو فرستاده شد و از ارزش غذایی بالایی برخوردار است. و در آیه ی 61 بقره، برتری آن نسبت به غذاهایی چون سبزیجات، خیار، عدس و ... تاکید می کند. (1)

2. دعوت به تعقل و تفکر: در آیه ی 99 سوره ی انعام، پس از ذکر میوه هایی چون انگور، زیتون و انار می فرماید:

«به میوه ها و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه هایی (از عظمت خدا) برای افراد با ایمان است.»

و یا در سوره ی رعد آیه ی چهارم، ضمن یادآوری تنوع گیاهان، در حالی که از یک آب سیراب می شوند و همچنین یادآوری ارزش غذایی مختلف آنان، آنرا دارای نشانه هایی می داند که برای کسانی که تعقل می کنند.

3. یادآوری قیامت: رویش گیاهان نمونه ای بسیار روشن از چگونگی برانگیخته شدن انسان ها در روز قیامت است. این مطلب را در آیه ی 11 سوره ی ق تذکر می دهد و پس از بیان رویش گیاهان و باغ ها می فرماید:

«کَذلِکَ الْخُرُوجُ»؛ «زنده شدن مردگان نیز همین گونه است.»

4. یادآوری ارزش غذایی برخی میوه ها: خداوند در قرآن با بیان اسامی برخی میوه ها به ارزش غذایی آن ها که در علم غذاشناسی نیز اثبات شده، توجه می دهد. مانند خرما، انگور، و حتّی در برخی موارد به آنها سوگند یاد شده است. مثل انجیر و زیتون. (2)



---

1- (1) . «أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِی هُوَ أَدْنَی بِالَّذِی هُوَ خَیْرٌ»؛ «آیا آنچه پایین تر است را به جای آنچه بهتر است انتخاب می کنید؟»
2- (2) . تین / 1.

پرسش:

نام چه میوه و گیاهانی در قرآن آمده است؟

پاسخ:

ص:99

(1)

ص:100

---

1- (1) . مولف، «کافور» را به معنای «حنا» دانسته است و از صفحه 71 تا 73 برای آن به تفصیل استدلال کرده است، ولی مترجم در پاورقی، ص 73، به صورت خلاصه آنرا رد می کند. (ر.ک: همان)

(3) (2) (1)

ص:101

---

1- (1) . مترجم: نویسنده، «طلح» را «اقیاقیا» دانسته نه «موز»، و دلایل آنرا نیز ذکر کرده است. (ر.ک: همان)

2- (2) . ترجمه ی عبدالمحمد آیتی، سروش، تهران، 1367، آنرا به معنای خار گرفته است ولی برخی مترجمان آنرا «کاکتوس» معنا کرده و برخی دیگر آن را اشاره به «جلبک دریایی» می دانند. (ر.ک: همان، ص 113)

3- (3) . طوبی ممکن است بهشت باشد، ممکن است درختی با شکوه در بهشت و ممکن است نام دیگری برای «سدر» باشد. (ر.ک: همان، ص 115).

یادآوری: در کتاب مذکور مواردی از آیات نام برده شده بود که نام میوه یا گیاهی در آن نیافتیم. بنابراین از ذکر آن خودداری کردیم.و در برخی موارد هم عین لفظ میوه یا گیاه در آیه نبود، بلکه از محتوای کلام و تفسیر آیه، گیاه یا میوه بدست می آمد. (مانند: نحل / 65) به همین خاطر این موارد را نیز در فهرست نیاوردیم. (1)



---

1- (1) . در این مجموعه از کتاب «گیاهان در قرآن» - از محمد اقتدار حسین فاروقی، ترجمه ی احمد نمایی، آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1374 نیز استفاده شده است.

## فصل چهارم: قرآن و فیزیک

### اشاره

ص:105

پرسش:

مقصوداز «سجیل» درسوره ی فیل چیست وآیا باانرژی هسته ای ارتباطی دارد؟

آیا می توان ادعا کرد که «سجیل در آیه؛ همان اورانیوم یا انرژی هسته ای بوده که منجر به هلاکت اصحاب فیل شد!؟»

پاسخ:

سوره ی فیل به داستان تاریخی اصحاب فیل در سال میلاد پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) اشاره دارد. درآن سال خداوند، کعبه را از شرّ لشکر عظیم ابرهه نجات داد.

خلاصه ای از داستان اصحاب فیل:

ابرهه، پادشاه یمن، کلیسای زیبا و بزرگی برای عبادت ساخته بود و اعلام کرد که مردم جزیرهٔ العرب به جای عبادت در کعبه، به عبادت در کلیسای یمن بپردازند. اما اعراب به خاطردلبستگی به کعبه، به درخواست ابرهه پاسخ منفی دادند. و در همان زمان کلیسای ابرهه به آتش کشیده شد (1) و ابرهه تصمیم گرفت که خانه ی کعبه را ویران کند، و به دنبال آن لشگر عظیمی که بعضی از سواران‌ش دارای فیل بودند؛ عازم مکه نمود. آنها در نزدیکی مکه شتران مردم را به غارت بردند. از جمله، 200 شتر از عبدالمطلب نیز دزدیدند. ابرهه، فردی را به داخل شهر مکه



---

1- (1) . برخی نوشته اند: مردم به کلیسا بی احترامی کردند

فرستاد و بزرگ آنها را احضار کرد. عبدالمطلب بر او وارد شد و ابرهه به او گفت: اگر شما با ما نجنگید ما با شما نمی جنگیم، من فقط برای تخریب کعبه آمده ام.

عبدالمطلب فرمود: ما توانایی جنگ با شما را نداریم، من صاحب شترانم هستم و خانه ی کعبه نیز برای خود صاحبی دارد و محافظ آن است.

مردم شهر مکه، به اطراف شهر و بالای کوه ها پناهنده شدند و شاهد حمله ی لشکریان ابرهه به مکه بودند. دیدند که ابری سیاه از طرف دریای احمر (سرخ) به طرف مکه در حرکت است، آنها پرندگانی ] پرستو [ بودند که سه سنگ به اندازه ی نخود (2 تا در چنگال و یکی در منقار) به همراه داشتند و آن سنگ ها را بر سر لشگریان ابرهه انداختند و همه ی آنها را متلاشی کردند و آن سال در میان اعراب به «عام الفیل» معروف شد. (1)

سوره ی فیل و ترجمه ی آن:

سوره ی فیل در مکه نازل شده است و دارای 5 آیه است. در این سوره خداوند خطاب به پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ * أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ * وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْراً أَبَابِيلَ * تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِن سِجِّيلٍ * فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ.»

«آیا نظر نکرده ای که پروردگارت با همراهان فیل چه کرد؟ ! آیا نیرنگ آنان را گم گشته قرار نداد؟ ! و پرندگانی دسته دسته بر آنان فرستاد، که سنگ [هایی] از جنس گِل بر آنان افکندند؛ و (سرانجام) آنان را همچون برگ خورده شده قرار داد.»



---

1- (1) . این ماجرای تاریخی به خاطرنقل زیاد آن، از تواتر گذشته است. ر.ک: بحارالانوار، علامه مجلسی، بیروت، داراحیاء تراث العربی، ج 17، ص 13 و مجمع البیان، طبرسی، مکتبه الاسلامیه، تهران، ج 10، ص 542.

واژه شناسی:

واژه ی «سجیل» یک کلمه ی فارسی و معرّب است و به معنای «سنگ گل» آمده است. (1) که نه همانند سنگ سفت و نه مانند گل سست است. (2)

«ابابیل» به معنای «جماعت متفرقه» است و در آیه ی فوق، به عنوان وصف آمده است. یعنی: پرندگان، گروه گروه به سوی لشگر حرکت کردند. (3)

«عصف» به معنای برگ هایی است که بر ساقه ی زراعت است و سپس خشکیده و کوبیده شده است (4) و به تعبیردیگر به معنای «کاه» است.

و تعبیر «ماکول» اشاره به آن است که این کاه در زیر دندان های حیوان بار دیگر کوبیده شده و کاملاً از هم متلاشی شده است.

تاثیر سنگریزه ها از طرق طبیعی یا قدرت الهی

با نگاهی گذرا به سوره ی فیل و داستان تاریخی آن در می یابیم که هلاکت اصحاب فیل از طرق عادی و طبیعی نبوده بلکه قدرت مافوق قدرت طبیعت در آن دخالت داشته است چرا که:

الف. برخاستن و پرواز پرندگان کوچک و همراه آوردن سنگریزه ها و هدف قراردادن افرادی خاص و متلاشی کردن لشکر عظیم و... نشان از آن دارد که



---

1- (1) . لسان العرب، ابن منظور؛ مفردات راغب اصفهانی؛ قاموس قرآن، قرشی؛ مجمع البحرین، ذیل ماده «سجل»
2- (2) . این واژه در قرآن سه بار به کار رفته، یکی درباره ی عذاب قوم لوط (هود / 52) و دیگری درباره ی قوم لوط (حجر / 74) و سوم در مورد اصحاب فیل آمده است
3- (3) . همان، ماده ابابیل. ر.ک: تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، تفسیر سوره فیل
4- (4) . همان.

کسی آن ها را هدایت کرده است و خود به تنهایی و از طرق عادی و طبیعی قادر به چنین کاری نبودند.

ب. این ماجرا نشان می دهد که معجزات و خوارق عادات، لزومی ندارد که به دست پیامبر و امام ظاهر شود؛ بلکه در هر شرایطی که خدا بخواهد و لازم بداند، انجام می گیرد. (1)

ج. نقل داستان اصحاب فیل از طریق وحی الهی و بیان این نکته که هلاکت اصحاب فیل معجزه بوده، دلیل دیگری بر مدعای ماست.

د. بعد از آنکه سوره ی فیل نازل شد؛ به علت مشهور بودن و مشهود بودن معجزه ی الهی در هلاکت آن ها، قریش هیچ گونه اعتراضی در مورد نزول این سوره نکرده اند.

اما اینکه آیا سنگریزه ها می تواند غیر از سنگ های معمولی و دارای مواد هسته ای باشد، باید گفت:

اولاً: فقط خداوند دارای قدرت بی منتهاست و قادر است از یک سنگریزه یا گل معمولی، شخصی یا گروهی را به هلاکت برساند. «و کان الله علی کل شی قدیر.» (2)

ثانیاً: همچنین، خداوند قادر است پرندگان را به مکانی بفرستد تا سنگریزه هایی بردارند که قدرت اتمی داشته باشد، که اگر آزاد شود انفجارعظمیی تولید کند. (3)



---

1- (1) . تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج 27، ص 343
2- (2) . نساء / 133
3- (3) . برخی نیز احتمال داده اند که آن پرندگان، امراض آبله و حصبه را شیوع دادند و اصحاب فیل کشته شدند. ر.ک: تفسیر جزء عم، شیخ محمد عبده، دار و مکتبه الهلال، بیروت، 1985، چ 1، ص 160.

ولی اینها در حد یک احتمال است و هلاکت اصحاب فیل نشان از معجزه الهی دارد.

برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه شود:

1. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج 27، سوره فیل.

2. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج 20، سوره فیل.

3. تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج 10، سوره فیل.

4. تفسیر جزء عم، شیخ محمد عبده، ص 160 - 162.

پرسش:

رستاخیز انرژی ها در قرآن مطرح شده است ؟ رابطهٔ ایجاد آتش از درخت سبز با بحث معاد چگونه است ؟

پاسخ:

اشارهٔ شگفت انگیز خداوند به رستاخیز انرژیها:

خداوند در آیه ی80 سوره ی یس می فرماید:

«الَّذِی جَعَلَ لَکُم مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَاراً فَإِذَا أَنتُم مِنْهُ تُوقِدُونَ» (1)

«(همان) کسی که برای شما از درخت سبز، آتشی قرار داد، و شما در هنگام (نیاز) از آن (آتش) می افروزید.»

در این آیه و آیات قبل و بعد از آن، بحث امکان معاد مطرح است، در شأن نزول آیه آمده است که روزی یکی از منکران معاد استخوانی پوسیده را خدمت پیامبر آورد، و به پیامبر گفت: آیا تو خیال می کنی خداوند این را زنده می کند؟ (2) در پاسخ او آیاتی نازل شد که یکی از آنها آیه ی مورد بحث ماست.

ص:113

---

1- (1) . یس / 80
2- (2) . امین الدین ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی؛ تفسیر مجمع البیان؛ (دارالاحیاء التراث العربی؛ بیروت، 1379 ه- . ق) ج 4، ص 95.

مفسران از آیه ی فوق، تفاسیر گوناگونی ارائه داده اند. از جمله:

1. اکثر مفسران، به قدرت خداوند اشاره کرده اند : که خداوندی که در درخت سبز آتش قرار داده است، قدرت زنده کردن مرده ها را نیز دارد. (1)

2. این آیه نوعی تشبیه و تمثیل است. یعنی، معقولات را به محسوسات تشبیه می نمایند و خداوند در این آیه، زنده کردن مرده ها را به ایجاد آتش از درخت سبز تشبیه کرده است زیرا ایجاد آتش از درخت سبز در بین اعراب صدر اسلام امری رایج بوده است. اعراب در زمانهای گذشته برای درست کردن آتش از دو درخت «مرخ» و «عفار» استفاده می کردند. (2)

3. آیه نوعی رفع استبعاد است ، چون ممکن است کسی بگوید: چگونه چیزی که مرده است زنده شود با اینکه مرگ و زندگی با هم تنافی دارند ؟ و آیه در پاسخ می فرماید : هیچ استبعادی در کار نیست برای اینکه آب وآتش با هم تنافی دارند ولی خداوند از درخت سبز، آتش برای شما قرار داده است. (3)

4. رستاخیز انرژیها : بعضی از مفسران با توجه به علوم روز تفسیر دیگری ذیل این آیه آورده و از آن به رستاخیز انرژیها تعبیر کرده اند و با این تفسیر آن را یکی از اعجازهای علمی قرآن کریم نامیده اند.



---

1- (1) . تفاسیر در ذیل آیه 80 سورهٔ یس، و همچنین تفاسیر موضوعی مثل پیام قرآن ... در بحث منکران معاد

2- (2) . بانوی اصفهانی (امین اصفهانی)، مخزن العرفان، (نهضت زنان مسلمان، تهران، 1361 هجری شمسی) ج 5، ص 77؛ سید محمد حسین همدانی، انوار درخشان در تفسیر قرآن، (کتاب فروشی لطفی، تهران، 1380 هجری قمری ) ج 13، ص 411

3- (3) . سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، (دارالکتب الاسلامیه، تهران، چ سوم، 1397 ه- . ق) ج 17، ص 116.

یکی از کارهای مهم گیاهان مساله کربن گیری از هوا ، و ساختن سلولز نباتی است (سلولز همان جرم درختان است که اجزای عمده ی آن کربن و اکسیژن و ئیدروژن است.

سلولز نباتی، چگونه ساخته می شود ؟ یاخته های درختان و گیاهان گاز کربن را از هوا گرفته و آن را تجزیه می کنند ، اکسیژن آن را آزاد ساخته ، و کربن را در وجود خود نگه می دارد، و آن را با آب ترکیب کرده و چوب درختان را از آن می سازد.

ولی مساله ی مهم این است که هر ترکیب شیمیایی که انجام می یابد؛ یا باید توأم با جذب انرژی خاصی باشد و یا توام با آزاد کردن آن ؛ بنا بر این هنگامی که درختان به عمل کربن گیری مشغولند ، احتیاج به وجود یک انرژی دارند ، و در این حال از گرما و نور آفتاب به عنوان یک انرژی فعال استفاده می کنند . به این ترتیب هنگام تشکیل چوبهای درختان، مقداری از انرژی آفتاب نیز در دل آنها ذخیره می شود و هنگامی که چوبها را می سوزانیم همان انرژی ذخیره شده ی آفتاب، آزاد می گردد، زیرا بار دیگر کربن با اکسیژن هوا ترکیب می شود و گاز کربن را تشکیل می دهد ، و اکسیژن و ئیدروژن ( مقداری آب ) آزاد می گردد.

بدین ترتیب که به رستاخیز انرژیها می رسیم ، و می بینیم نور و حرارتی که در این فضا پراکنده می شود و برگ درختان و چوبهای آنها را نوازش و پرورش می دهد هرگز نابود نشده، بلکه تغییر چهره داده ، و دور از چشم ما در درون ذرّات چوب و شاخه و برگ درختان پنهان شده است ، و هنگامی که شعله ی آتش به چوب خشکیده می رسد، رستاخیز آنها شروع می شود، و تمام آنچه از انرژی آفتاب در درخت پنهان بود در آن لحظه حشر و نشورش ظاهر می گردد،

بی آنکه حتی به اندازه ی روشنایی یک شمع در یک زمان کوتاه از آن کم شده باشد، آری خدایی که می تواند انرژی درخت ها را دوباره بر انگیزد و رستاخیز آنها را بر پا سازد می تواند برای انسان های مرده نیز رستاخیز بر پا کند.

پرسش:

چرا قرآن در اینجا تعبیر به «شجر اخضر» (درخت سبز) کرده است؟ در حالی که آتش افروختن با چوب تر مشکل است، بهتر بود به جای آن «شجر الیابس» (چوب خشک) می فرمود ، تا با آتش سازگار باشد!

در پاسخ می توان گفت: تنها درختان سبزند که می توانند عمل کربن - گیری و ذخیره نور آفتاب را انجام دهند ، درختان خشک اگر صدها سال در معرض تابش آفتاب قرار گیرند؛ ذره ای به ذخیره انرژی حرارتی آنها افزوده نمی شود ، تنها زمانی قادر بر این کار مهم هستند که سبز و زنده باشند .و در این صورت رستاخیز انرژیها بهتر روشن می شود. (1)

اما شاید تعبیر به «شجر اخضر» از جهت بعید بودن ایجاد آتش از درخت سبز نیز باشد چرا که انسان آتش افروختن با درخت سبز را بعید می داند و خداوند می خواهد بفرماید که آنچه را که به نظر شما بعید است او انجام می دهد و در درخت سبز آتش قرار داده است پس او می تواند مرده ها را زنده کند و به آنها دوباره حیات بدهد.



---

1- (1) . آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، (دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1353 - 1366 ه- ش) ج 18، ص 461 - 465.

این تفسیر یکی از شگفتیهای علمی قرآن است که بدون شک در زمان نزول آیه این معنی برای مردم روشن نبوده است. آری آیات قرآن دارای معانی عمیقی است ، که در سطوح مختلف و برای استعدادهای متفاوت بیان شده است . آنها از این آیه چیزی می فهمیدند ، و امروزه چیز بیشتری فهمیده می شود، و شاید آیندگان از اینهم فراتر روند و بیشتر کشف کنند و در عین حال جمع بین این معانی مانعی ندارد و می تواند همه ی موارد صحیح باشد.

معرفی منابع برای مطالعهٔ بیشتر:

1. تفسیر نمونه ؛ ج18؛ ص 461 - 465 ذیل آیه ی 80 ، سوره ی یس.

2. تفسیر من هدی القرآن، سید محمد تقی مدرسی، ج 11، ص 177، ذیل آیهٔ 80 ، سورهٔ یس.

3. ترجمه ی تفسیر المیزان، ج 17 ص 116، ذیل آیهٔ 80 ، سوره ی یس.

4. ترجمه ی تفسیر مجمع البیان، ج 4، ص 95، ذیل آیهٔ 80 ، سوره ی یس.

5. تفسیر طنطاوی (الجواهر )، ذیل آیهٔ 80 ، سوره ی یس ( در این تفسیر از نظر علمی بحث مفصّل کرده است)

6. الکاشف، محمد جواد مغنیه، ج 6 ص 326 ، ذیل آیهٔ 80 ، سوزهٔ یس

7. برای مبحث معاد رجوع شود به تفاسیر موضوعی، مانند: تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی(مدّ ظلّه) ؛ منشور جاوید آیت الله سبحانی(مدّ ظلّه)؛ کتاب معاد شهید مطهری (ره).

8. در مورد مطالب علمی به کتابهای زیست شناسی مبحث (عمل فتوسنتز گیاهان) مراجعه نمایید.

ص:117

## فصل پنجم: قرآن و کیهان شناسی

### اشاره

ص:119

پرسش:

نظر قرآن در مورد فرضیه مهبانگ BIG-BANG چیست ؟

پاسخ:

اندیشه ی چگونگی پیدایش جهان همیشه فکر بشر را به خود مشغول کرده است. قرآن کریم در آیات متعددی به این مسأله اشاراتی دارد. و دانشمندان کیهان شناس نیز در این مورد نظریاتی ابراز کرده اند و حتی بعضی صاحبنظران خواسته اند با انطباق آیات قرآن با برخی از این نظریات علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات کنند که این مطالب قابل نقد و بررسی است.

مفسران و صاحبنظران در این مورد به این آیات توجّه کرده اند:

1. «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّماءِ وَهِیَ دُخَانٌ» (1)

«سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد، و آن دودی بود.»

2. «أَوَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضَ کَانَتَا رَتْقاً فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْ ءٍ حَیٍّ أَفَلاَ یُؤْمِنُونَ» (2)

«آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [ باز هم ] ایمان نمی آورند؟»

ص:121

---

1- (1) . فصلت/ 11
2- (2) . انبیاء/ 30.

واژه شناسی:

1. «دخان» در لغت به معنی چیزی است که به دنبال شعله و لهیب آتش بر می خیزد. (1)

2. «سماء» در لغت به معنی طرف بالا است و در قرآن در معانی و مصادیق متعددی به کار رفته است از جمله: جهت بالا (ابراهیم/ 24) - جوّ زمین (ق /9) - محل کرات بالا (فصلت/ 12)، آسمان معنوی (سجده/ 5) و... (2)

3. «رتق» چیز بهم پیوسته را گویند و «فتق» جدا کردن دو چیز به هم متصل را گویند. (3)

نظریه های علمی درباره پیدایش جهان:

در مورد پیدایش جهان چند دیدگاه عمده، در بین کیهانشناسان جدید وجود دارد که عبارتند از:

الف: نظریه مهبانگ (انفجار بزرگ):

این نظریه از سال 1900 م، پیشنهاد شد و هم اکنون از سوی اکثر اخترشناسان به عنوان بهترین نظریه موجود تلقی می شود. خلاصه ی این نظریه آن است که حدود 20 بیلیون سال پیش تمام ماده و انرژی موجود در جهان، در نقطه ای بسیار کوچک و فشرده متمرکز بوده است. این نقطه کوچک و بی نهایت



---

1- (1) . راغب اصفهانی، مفردات، ماده دخن

2- (2) . ر.ک: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده سمو، و نیز تفسیر نمونه، ج 1، ص 165 به بعد و نیز بحث «هفت آسمان» که بدنبال می آید

3- (3) . راغب اصفهانی، مفردات، ماده رتق، فتق.

چگال و مرکب از ماده - انرژی منفجر شد و به فاصله چند ثانیه پس از انفجار این آتشگوی، ماده - انرژی با سرعتی نزدیک به سرعت نور در همه سو منتشر شد. پس از مدت کمی، احتمالاً چند ثانیه تا چند سال، ماده و انرژی از هم تفکیک شدند. و تمام اجزاء گوناگون جهان امروز از دل این انفجار نخستین بیرون ریخته اند.

هواداران این نظریه ادعا می کنند تمامی کهکشان ها، ستارگان و سیارات هنوز تحت تأثیر شتاب ناشی از انفجار، با سرعت زیادی از همدیگر دور می شوند و این مطلب بوسیله مشاهدات «ادوین هابل» (1919 م) تأیید شد.

«استفن ویلیام هاولینگ» کیهان شناس معروف معاصر پس از تشریح انفجار اوّلیه و مراحل اولیه ی آن تا تشکیل گازهای داغ و سوزان، این نظریه را به دانشمند روسی «ژرژگاموف» نسبت می دهد.

«با گذشت زمان، گازهای ئیدروژن و هلیوم موجود در کهکشان به پاره های ابر مانند تقسیم می شدند که تحت أثر گرانش خود در هم فرو می نشستند... سپس در اثر درجه حرارت بالا، واکنش های هسته ای شروع شد. و ستارگانی مانند خورشید ما تشکیل شدند.

خورشید ستاره ی نسل دوم یا سومی است که حدود پنج هزار میلیون سال قبل از ابر متشکله از گاز چرخانی که محتوی سوپر نوواهای پیشین بوده، بوجود آمده است ...» (1)



---

1- (1) . استفن ویلیام هاوکینگ، تاریخچه زمان، ترجمه دادفرما، ص 145 - 149، سازمان انتشارات کیهان، 1372 ش.

دکتر «اریک اوبلا» مراحل پیدایش جهان را به هشت مرحله تقسیم می کند و می نویسد:

در مرحله ی اوّل (صفر تا 43 - 10 ثانیه) چیزی منفجر و تبدیل به گلوله ی آتشین شد.

در مرحله ی دوم (43 - 10 ثانیه تا 32 - 10 ثانیه) اولین سنگ بناهای ماده مثلا کوارک ها و الکترون ها از برخورد پرتوها با یکدیگر به وجود آمد.

در مرحله ی سوم (از 32 - 10 ثانیه تا 6 - 10 ثانیه) کیهان از مخلوط کوارک ها، لپتونها فوتونها و سایر ذرات دیگر تشکیل شد و خیلی سریع در حال از دست دادن حرارت بودند.

در مرحله ی چهارم (از 10 - 6 ثانیه تا 10 - 3 ثانیه) تقریباً تمام کوارک ها و ضد کوارکها به صورت پرتو ذرّها به انرژی تبدیل می شوند.

در مرحله ی پنجم (از 10 - 3 ثانیه تا100 ثانیه) الکترونها و ضد الکترونها (پوزیترونها) در برخورد با یکدیگر به أشعه تبدیل می شوند.

در مرحله ی ششم (از 100 ثانیه تا 30 دقیقه) در درجه حرارت بسیار بالا، اوّلین هسته های اتمهای سبک و پایدار مثل، هیدروژن و هلیوم ساخته می شوند.

در مرحله ی هفتم (از 30 دقیقه تا یک میلیون سال) گوی آتشین حرارت خود را از دست می دهد (به حدود 3000 درجه می رسد) و هسته اتم ها و الکترونها پیوند می خورد و آن مخلوط ذره ای قابل دیدن می شود.

در مرحله ی هشتم (از یک میلیون سال پس از خلقت تا امروز) از ابرهای هیدروژنی دستگاه های راه شیری، ستارگان و سیارات به وجود می آیند این سیر تحّول را در ایجاد ستارگان امروزه هم می توان هنوز مشاهده کرد.

ص:124

ابرهای گازی که قرار است از آنها ستاره بوجود آید به سوی همدیگر کشیده شده متراکم می شوند سپس به شکل گلوله در می آیند و اگر واکنشهای هسته ای پدید آید یک خورشید جدید متولّد می شود. (1)

ب: نظریه حالت پایدار:

در سال 1940 این نظریه توسط (فردهویل)، اخترفیزیک دان انگلیسی پیشنهاد شد.

خلاصه این نظریه این است که جهان نه تنها از نظر فضایی یکنواخت است (اصل کیهان شناختی) بلکه در طول زمان تغییر ناپذیر نیز هست.

این نظریه به حادثه خاصی نظیر انفجار بزرگ وابسته نیست. در نظریه حالت پایدار ستارگان و کهکشانها ممکن است تغییر کنند اما در هر زمان تصویر کلی جهان با تصویر امروزین آن، تفاوتی ندارد.

بر طبق این نظریه حالت انبساط جهان پذیرفته می شود امّا معتقدند که به تدریج ماده ی جدیدی در بین کهکشان های دور شونده، ظاهر می شود این ماده ی جدید به تدریج اتم های هیدروژن را می سازد و آنها به نوبه ی خود ستارگان جدیدی را شکل می دهد.

تذّکر: خلق پیوسته ماده از فضای خالی اشکالاتی را برای این نظریه پدید آورده است. و این نظریه بعد از کشف تفاوت سن ستارگان، رد شد.

ص:125

---

1- (1) . اریک اوبلاتر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضاوی، ص 51 - 52.

ج. جهان پلاسما:

تعداد کمی از اخترشناسان خلقت جهان را با مدل «هانس آلفون» دانشمند سوئدی می بینند.

خلاصه ی این نظریه آن است که 99% جهان قابل مشاهده (عمدتاً ستارگان) از پلاسما ساخته شده است.

پلاسما گاز یونیده ای است که بارهای الکتریکی آن از هم جدا شده اند. پلاسما، گاهی حالت چهارم ماده خوانده می شود. صاحبان این نظریه معتقد هستند که انفجار بزرگ هیچگاه رخ نداده و جهان آکنده از جریانهای الکتریکی غول آسا و میدانهای عظیم مغناطیسی است. از این دیدگاه جهان ازلی است و به وسیله نیروی برقاطیس اداره می شود. بنابر این جهان آغازی معین و انجامی قابل پیش بینی ندارد. و کهکشانها حدود 100 بیلیون سال پیش شکل گرفته اند.

د: جهان انفجارهای کوچک (کهبانگ):

گروهی دیگر از اخترشناسان، نظریه ی حالت پایدار دیگری را که با رصدهای اخترشناسی انطباق خوبی دارد؛ پیشنهاد می کنند. بر طبق این نظریه جهان بدون آغاز و انجام است. ماده بطور پیوسته در خلال انفجارهای کوچک (کهبانگ ها) و احتمالاً با همکاری اختروشهای اسرار آمیز خلق می شود در این نظریه جدید جهان بتدریج انبساط می یابد و کهکشانها شکل می گیرند. (1)

ص:126

---

1- (1) . ر.ک: ری ویلار و دیگران، کیهان و راه کهکشان، ترجمه سید محمد امین محمدی، ص 34 - 50.

نکات تفسیری و اسرار علمی آیات:

1. در مورد آیه ی اوّل (فصلت/ 11) برخی از مفسران می نویسند:

«جمله (هی دخان - آسمانها در آغاز به صورت دود بود.) نشان می دهد که آغاز آفرینش آسمانها از توده گازهای گسترده و عظیمی بوده و این با آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش کاملاً هماهنگ است. هم اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به صورت توده فشرده ای از گازها و دخان هستند.» (1)

2. در مورد معنای «رتق» و «فتق» (پیوستگی و جدایی) آسمانها و زمین که در آیه دوم (انبیاء /30) آمده، مفسّران سه احتمال را مطرح کرده اند:

الف: به هم پیوستگی آسمان و زمین، اشاره به آغاز خلقت است که طبق نظرات دانشمندان، مجموعه این جهان به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و کواکب و ستاره ها از جمله منظومه ی شمسی و کره ی زمین بوجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است.

برخی روایات اهل بیت(علیه السلام) اشاره به همین تفسیر دارد. (2)

ب: منظور از پیوستگی، یکنواخت بودن مواد جهان است به طوری که همه در هم فرو رفته بود و به صورت ماده واحدی خودنمایی می کرد. امّا با گذشت زمان،



---

1- (1) . تفسیر نمونه، ج 20، ص 228

2- (2) . همان، ج 13، ص 394 و ص 395 و تفسیر نور الثقلین ذیل آیه سی ام انبیاء.

مواد از هم جدا شدند و ترکیبات جدید پیدا کردند و انواع مختلف گیاهان و حیوانات و موجودات دیگر در آسمان و زمین ظاهر شدند. (1)

ج: منظور از به هم پیوستگی آسمان این است که در آغاز بارانی نمی بارید و مقصود از به هم پیوستگی زمین آن است که در آن زمان گیاهی نمی رویید امّا خدا این هر دو را گشود از آسمان باران نازل کرد و از زمین انواع گیاهان را رویاند.

روایات متعددی از اهل بیت(علیه السلام) اشاره به معنای اخیر نیز دارد. (2)

تفسیر سوم (ج) با چشم قابل رؤیت است و با جمله «او لم یرَ الذین کفروا...»؛ «آیا کسانی که کافر شدند ندیدند...» سازگار است و با جمله ذیل آیه « و جعلنا من الماء کل شیء حی » نیز هماهنگی دارد.

ولی تفسیر اوّل و دوم (الف، ب) نیز با معنای وسیع این جمله ها مخالف نیست زیرا گاهی رؤیت به معنی «علم» می آید. و از اینجاست که برخی مفسران معتقدند مانعی ندارد آیه فوق دارای هر سه تفسیر باشد. (3)

3. استاد آیت اللّه معرفت بحث مفصلی در مورد آیه ی 30 سوره ی أنبیاء دارند. و معنای سوم (عدم بارش باران) را مخالف تعبیر آیه و تحقیق می دانند و روایاتی (4) در این زمینه حکایت شده ضعیف دانسته اند.



---

1- (1) . المیزان، ج 14، ص 278 - 279
2- (2) . تفسیر صافی، ج 3، ص 347
3- (3) . ر.ک: نمونه، ج 13، ص 396
4- (4) . الکافی، ج 8، ص 95 و ص 120 و تفسیر قمی، ج 2، ص 70.

و امّا معنای دوم (پیدایش انواع و اقسام موجودات از یک چیز بهم چسبیده) را از قتاده، سعید بن جبیر، عکرمه از ابن عباس، فخر رازی (1) نقل می کند و آن را نظری معروف در عصر قدیم و جدید می داند.

آنگاه معنای دیگری را از ابو مسلم اصفهانی نقل می کند که «فتق» به معنای ایجاد و اظهار است. و این معنا را موافق کلام علی(علیه السلام) در نهج البلاغه (فتق الاجواء... ثم فتق بین السموات العُلی) (2) می دانند.

و همچنین این معنا را موافق آیات 11 - 12 سوره فصلت « ثم استوی الی السماء و هی دخان » معرفی می کنند. که دخان همان ماده ی اوّلیه خلقت آسمانها و زمین است و از آن، آسمان بوجود آمد. و واژه «ائتیا» در آیات سوره ی فصلّت را به معنای امر تکوینی و ایجادی می دانند و از آیه استفاده می کنند که ماده ی آسمانها قبل از وجودشان موجود بوده است و خدا صورت های آنها را ایجاد کرد.

آنگاه متذکّر می شود که در تورات پیدایش موجودات از یک اصل واحد، اشاره شده است. که خدا جوهری را خلق کرد سپس با نظر هیبت به آن نگاه کرد به صورت آب در آمد و سپس آسمانها و زمین را از آنها خلق کرد و آنها را از همدیگر جدا ساخت. (3) و آنگاه از طنطاوی نقل می کند که مضمون این آیات معجزه علمی است. (4)



---

1- (1) . تفسیر کبیر، ج 22، ص 163
2- (2) . نهج البلاغه، خطبه/ 1
3- (3) . ایشان آن عبارت را از تفسیر کبیر فخر رازی، ج 22، ص 162 نقل می کند و می گوید: از اول تورات فعلی حذف کرده اند
4- (4) . الجواهر، ج 10، ص 199.

سپس ایشان مطالبی علمی در مورد پیدایش جهان، از «لاپلاس» و دیگران نقل می کند و نتیجه می گیرد که هدف قرآن، بیان مطالب علمی نبوده اشاراتی به فتق آسمانها داشته است ولی حقیقت آن برای ما روشن نیست هر چند که نظریه های علمی هم با آن موافق است. امّا ما به تطبیق این نظریات با قرآن نمی پردازیم. (1)

4. برخی صاحبنظران تحت عنوان پیدایش نخستین جهان با مطرح کردن آیه ی 11 سوره فصّلت، مطالبی را از دانشمندان مختلف در مورد انفجار اوّلیه نقل می کنند و سپس از قول «ادوارد لوترکپل» می نویسند:

«علم نه تنها حدوث عالم را ثابت می کند بلکه روشن می سازد که دنیا از حالت گازی در یک (لحظه ی معیّنی) در نتیجه ی یک انفجار بزرگ بوجود آمده است و این لحظه تقریباً پنج بیلیون سال پیش بوده و هنوز هم در حال توسعه است.» (2)

5. برخی از نویسندگان معاصر نیز آیات (سوره ی فصّلت/ 11 و انبیاء/ 30) را مطرح می کنند و با توجه به هماهنگی این آیات با اکتشافات دانشمندان آنرا دلیل معجزه بودن قرآن می دانند و می گویند:

«علم هیئت ثابت کرده است که در ابتدای خلقت، کرات آسمانی به صورت گاز به هم چسبیده و متصل بودند و بعدها به مرور زمان بر اثر فشردگی و تراکم



---

1- (1) . ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج 6، ص 129 - 139

2- (2) . ر.ک: مهندس جعفر رضایی فر، قرآن و آخرین پدیده های علمی (اعجازهای علمی قرآن)، انتشارات فوژان، 1375 ش.

شدید گازها تبدیل به جسم شدند. این واقعیت علمی اوّلین بار توسط «لاپلاس» ریاضی دان و منجّم مشهور فرانسوی، در حدود دو قرن پیش اظهار گردید و امروز نجوم جدید با دستاوردهای جدید خود صحت فرضیه علمی لاپلاس را ثابت کرده است.» (1)

سپس از ژرژگاموف نقل می کند که: «زمین و خورشید از گازهای بسیار سوزانی که در چندین میلیارد سال پیش بوده به وجود آمده اند.» (2)

6. دکتر «موریس بوکای» با طرح آیات (سوره ی فصّلت/ 11 و انبیاء/ 30) بحث «روش اساسی ایجاد جهان در نظر قرآن» را مطرح می کند و می گوید قرآن وجود توده ای گازی با بخشچه های ریز را تأیید می کند و یک روند جدایی (فتق) ماده ای ابتدایی یگانه ای که عناصر آن نخست به هم ملصق (رتق) بودند را تذکّر می دهد.

سپس به نظریه ی تکوین عالم در دانش نو می پردازد که: «جهان از جرم گازی با دوران کند تشکیل شد» و سپس چگونگی تشکیل ستارگان و زمین را توضیح می دهد. و قدمت کهکشانها را ده میلیارد سال و قدمت زمین و خورشید را 4/5 میلیارد سال تخمین می زند. سپس می نویسد:

«دانش به ما می آموزد چنانچه به عنوان مثال (و تنها مثال) تکوین خورشید و محصول فرعی آن یعنی زمین را در نظر گیریم، جریان امر توسط تراکم سحابی

ص:131

---

1- (1) . گودرز، نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص 19 17؛ از جواد افتخاریان، قرآن و علوم روز، ص 235، نقل می کند

2- (2) . مطالب شگفت انگیز، ص 18، از سر گذشت زمین، ژرژگاموف، ترجمه دکتر محمود بهزاد، ص 43، نقل می کند.

نخستین و تفکیک آن رخ داده است. این دقیقاً همان است که قرآن به طریق کاملاً صریح با ذکر ماجراهایی که «دود» آسمانی ابتدا یک نوع الصاق، سپس یک نوع انفکاک را بوجود آورده بیان نموده است.» (1)

7. یک پرسش و پاسخ علمی:

پرسش: در سوره فصلت آیات 9 - 11 خلقت زمین را در دو دوره (یوم) مطرح می کند «قل ائنّکم لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین و تجعلون له انداداً ذلک رب العالمین * و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها اقواتها فی اربعهٔ أیام سواء للسائلین ثم استوی الی السماء و هی دخان ....»

«بگو: آیااین شمایید که واقعاً به آن کسی که زمین را در دو هنگام آفرید، کفر می ورزید و برای او همتایانی قرارمی دهید؟ این است پروردگار جهانیان. و در زمین از فراز آن [ لنگرآسا ] کوه ها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد. و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه گیری کرد [که] برای خواهندگان، درست و متناسب با نیازهایشان است. سپس آهنگ [ آفرینش ] آسمان کرد و آن دودی بود.»

و در آیه 11 (مورد بحث ما) آسمانها و مسأله دود را مطرح می سازد. اگر مقصود قرآن آن است که تمام جهان از گاز خلق شده چرا خلقت زمین را قبل از آسمانها مطرح کرده است؟ و حتی با «ثم» (فصلت /11) عطف کرده که ترتیب را

می رساند، در حالی که زمین جزئی از آسمان ها و بصورت طبیعی باید پس از خلقت آسمانها، و در عرض آنها خلق شود.

ص:132

---

1- (1) . دکتر بوکای، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، ص 189 - 201.

پاسخ: «دکترموریس بوکای» با توجّه به این پرسش نکته ای علمی را مطرح کرده که در قرآن کریم، در سوره نازعات 27 - 31 مسأله ی خلقت آسمانها و زمین به صورتی دیگر مطرح شده است.

«ءَأَنتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحَاهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا»

«آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [ او ] آن را بر پا کرده است؟ سقفش را برافراشت و آن را [به اندازه معین] درست کرد و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید و پس از آن زمین را با غلتانیدن گسترد، آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد.»

در این آیات آفرینش آسمانها قبل از زمین ذکر شده و با کلمه «بعدذلک» آمده است. ایشان می نویسد: «دانش، تداخل دو رویداد تکوین یک ستاره (مانند خورشید) و سیاره اش یا یکی از سیاراتش (مانند زمین) را مبرهن می سازد. آیا همین اختلاط در نص قرآن (همانطور که دیده شد) ذکر نشده است؟» (1)

8. عبد الرزاق نوفل نیز با طرح دو آیه 30 سوره انبیاء و 11 سوره ی فصلت مسأله ی ابتدای خلقت را مطرح می کند، که آسمانها و زمین ابتدا یک قطعه ی واحد بود و سپس جدا شد.

و سپس نظریه های علمی را مطرح می کند که می گویند: جهان در ابتدا از ماده ای داغ و سخت تشکیل شده بود. که مناسب ترین لغت برای آن همان



---

1- (1) . مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص 188 - 201.

کلمه ی «دخان» است. که در قرآن به کار رفته است. (1) و این مطلب را از اخبار علمی قرآن می داند که قرن ها بعد علوم جدید به آن پی بردند.

9. احمد محمد سلیمان نیز با طرح آیه ی 30 سوره ی انبیاء می نویسد:

«اینکه قرآن می فرماید آسمان و زمین قطعه ی واحدی بود و سپس از هم جدا شد همان نظریه علمی جدید در مورد منظومه ی شمسی است که می گوید. جهان یک قطعه ای آتشین رها شده در فضابود و سپس تحت تأثیر جاذبه شیء عظیم از اجرام سماوی دیگر قرار گرفت و تکّه تکّه شد و به صورت حلزونی در آمد. و سپس این اجزای کوچک به تدریج سیّارات را به وجود آورد.»

سپس این آیات را نشانه ی علم غیب پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) می داند و از آنها به عنوان اسرار علمی قرآن یاد می کند. (2)

10. سید هبۀ الدین شهرستانی معتقد است که مقصود از کلمه سماء و دخان در آیه « ثم استوی الی السماء و هی دخان». (3) همان جوّ زمین (اتمسفر) است که آن را با نام «کره بخار» اطراف زمین می خواند.

ایشان در ابتدا معانی کلمه «سماء» را بر می شمارد. و آن را در عرف و لغت به معنای (شیء علوی) «هر چه بالای زمین» است می داند. که شارع نیز در

استعمال الفاظ و اسامی تابع عرف بوده است و سپس می گوید در مقالات دینی لفظ سماء به یکی از سه معنا می آید:



---

1- (1) . ر.ک: عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص 162 - 163، بیروت، 1404 ق، دارالکتاب العربی
2- (2) . احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص 53 - 54 با تلخیص، دار االعوده، بیروت، الطبعۀ الخامسۀ 1981 م
3- (3) . فصلت/ 11.

اول: عین هوای عالی و فضای خالی.

دوم: جسم عظیم کروی محیط بر زمین ما (که اکثر موارد استعمال در شرع ناظر به این معناست).

سوم: عین کرات علوی و اراضی سیاره.

آنگاه می گوید: «وقتی که اطلاق لفظ «سماء» بر هر موجود علوی جایز و شایع شد چرا جایز نباشد که آسمان زمین ما عبارت باشد از کره بخاری که محیط بر هوای زمین ما است.»

سپس ایشان ده دسته دلیل شرعی (آیات و روایات) می آورد تا ثابت کند که مقصود از آسمان همین کره ی بخار است. دسته دوم از دلایل ایشان همین آیه 11 سوره فصلت و روایاتی است که می فرماید آسمانها از دود آفریده شده است. و دود (دخان) را در آیه «ثُمَّ اسْتَوَی إِلَی السَّماءِ وَهِیَ دُخَانٌ» (1) به معنای همان بخار مصطلح می داند و در پایان نتیجه می گیرد که:

«آنچه از مجموع اخبار مسطوره استفاده می کنیم مقصود از دود همان بخار است منتها چون بخار و دود هر دو از یک منشاء هستند و از آنجا که در عرف و در ابتدای نظر شبیه همند اسم دخان بر بخار اطلاق شده است.

[پس] نتیجه همانا کلیه اخبار مزبوره ناطق است بر اینکه تمامی آسمانهای هفتگانه که محیط بر زمین های هفت گانه است از بخار آفریده شده است.» (2)



---

1- (1) . فصلت/ 11
2- (2) . سید هبهٔ الدین شهرستانی، اسلام و هیئت، ص 131 - 145 - با تلخیص، مطبعهٔ الغری فی النجف، 1356 ق.

11. برخی صاحبنظران معاصر نیز با طرح آیه 30 سوره ی انبیاء می نویسند این آیه خبر می دهد که آسمانها چیز واحدی بود و سپس جدا شد و این یکی از معجزات قرآن است که علم جدید آن را تأیید می کند. (1)

و نیز با طرح آیات 9 - 11 سوره فصلت آن را دلیل بر پیدایش خلق از «دخان» می داند. (2)

12. محمد کامل عبد الصمد نیز آیات 11 - 12 سوره فصلت را دلیل اعجاز علمی قرآن می داند. زیرا خبر از دخان بودن آسمانها در ابتدا داده است. (3)

13. سلیم الجابی نیز با طرح نظریه انفجار بزرگ، پس از بررسی لغوی و تفسیری آیه 30 سوره انبیاء به این نتیجه می رسد که آیه ی فوق و نظریه انفجار بزرگ با هم منطبق هستند و حتی خطاب آیه « أو لم یرَ الذین کفروا...» به کفار بصورت عام و اروپائیان بصورت خاص است که وحی الهی 14 قرن قبل یک نظریه جدید آنها را بیان کرده است. (4)

بررسی:

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

1. سخنان مرحوم سید هبهٔ الدین شهرستانی از چند جهت قابل نقد است:

اوّل: ایشان کلمه ی «سماء» را به سه معناآورده است در حالی که اشاره کردیم که این لغت در موارد و مصادیق بیشتری در قرآن استعمال شده است.



---

1- (1) . ر.ک: محمد سامی محمد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، دار المحبهٔ، دمشق، بی تا
2- (2) . همان، ص 34
3- (3) . ر.ک: محمد کامل عبد الصمد، الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، ص 47
4- (4) . ر.ک: سلیم الجابی، النظریهٔ القرآنیهٔ الکونیه حول خلق العالم، ص 106 - 111.

دوم: ایشان کلمه ی «سماء» در آیه ی فصلت/ 11 را به معنای جوّ زمین معنا کرده اند در حالی که از سیاق آیات 9 - 12 سوره فصلت بر می آید که مقصود از «سماء» آسمانها و کرات غیر زمین است چرا که در ابتدای خلقت زمین را مطرح می کند. «خلق الارض فی یومین» (1) و سپس خلقت آسمان را در حالی که دود است مطرح می کند «ثم استوی الی السماء و هی دخان» (2) و آنگاه در آیه ی بعد توضیح می دهد که هفت آسمان خلق گشت (3) که یکی از آنها آسمان دنیا بود که ستارگان را در آن قرار داد. «فقضهنَّ سبع سموات فی یومین و اوحی فی کل سماء امرها و زینا السماء الدنیا بمصابیح و حفظاً». پس مقصود از سماء (بر طبق ظاهر آیات) جوّ زمین نیست.

سوم: ایشان کلمه ی «دخان» را که به معنای «دود» است به معنای «کره بخار اطراف زمین» معنا می کند که در آیه ی (فصلت/ 11) هیچ قرینه ای نداریم

تا از معنای لغوی (آنچه به دنبال شعله آتش بر می خیزد) (4) دست برداریم. و یک معنای مجازی (بخار) را بر آیه تحمیل کنیم و صرف شباهت عرفی کفایت نمی کند.

البته ممکن است در روایات کلمه ی دخان بر بخار اطلاق شده باشد (همانگونه که ایشان روایات متعددی آورده اند) ولی اوّلاً این روایات از لحاظ سندی جای بحث دارد چرا که از تفاسیری همچون «تفسیر قمی» نقل شده است. و ثانیاً



---

1- (1) . فصلت/ 9
2- (2) . فصلت/ 11
3- (3) . در مورد آسمانهای هفت گانه و مقصود قرآن از آنها به صورت جداگانه بحث کرده ایم
4- (4) . ر.ک: مفردات راغب، ماده دخن.

ممکن است مراد از بخار آب و دود در این موارد همان ذرّات بنیادین تشکیل دهنده ی اشیاء (مثل هیدروژن - اکسیژن و...) باشد. که برای تقریب به ذهن با تعابیری همچون بخار آب آورده شده است.

2. ظاهر آیات قرآن در مورد آغاز خلقت که از «دخان» شروع شده است. با نظریه مشهور خلقت جهان یعنی نظریه مهبانگ تا حدود زیادی همخوانی دارد و در نقاطی با هم مشترک است.

یعنی از ظاهر قرآن و علم بر می آید که جهان در ابتدا از گازهای داغ تشکیل شده است امّا آیات قرآن در مورد عناصر دیگر نظریه مهبانگ (مثل انفجار اولیّه) مطلب صریحی ندارد.

3. با توجه به تعدّد نظریه ها در مورد آغاز خلقت و عدم اثبات قطعی آنها، در حال حاضر نمی توان هیچکدام را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد.

4. اگر روزی نظریه ی مهبانگ به صورت قطعی اثبات شود این مطلب اعجاز علمی قرآن را اثبات می کند. چرا که نوعی رازگویی علمی قرآن کریم است.

امّا این مطلب به صورت کنونی آن، بیش از یک هماهنگی شگفت انگیز ظاهر قرآن و علم نیست.

پرسش:

حرکت های خورشید از منظر قرآن و هیئت بطلمیوسی و کپرنیکی.

آیه ی مبارکه «وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا» نمایانگر حرکت انتقالی خورشید است، زیرا ماده جری و جریان، بسادگی قابل انطباق با حرکت وصفی و دَوَرانی نیست، و این در حالی است که برای خورشید جز حرکت وضعی به اثبات نرسیده است.

نیز، ظاهر این آیه ی کریمه با کیهان شناسی بطلیموسی مطابقت دارد که معتقد است خورشید در حال حرکت است و زمین مرکز منظومه شمسی بوده و ثابت مانده است.

لطفاً پاسخ خودرا مستدل ومطابق با کشفیات نوین کیهان شناسی ارائه فرمایید.

پاسخ:

خورشید و حرکات آن:

خورشید یکی از نشانه های الهی است که خداوند در قرآن به آن قسم یاد کرده است. (1) و در آیات متعدّدی از خورشید و حرکت های آن یاد کرده است آیاتی که در این مورد به آنها استناد شده عبارتند از:



---

1- (1) . و الشمس/ 1، «و الشمس و ضحیها...».

1. «وَآیَةٌ لَّهُمُ الَّیْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ» (1)

«و نشانه ای [ دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن بر می کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می روند و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است. تقدیر آن عزیز دانا این است.»

2. «لاَ الشَّمْسُ یَنْبَغِی لَهَا أَن تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَلاَ اللَّیْلُ سَابِقُ النَّهَارِوَکُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ» (2)

«نه خورشید را سزد که به ما رسد، و نه شب به روز پیشی جوید و هر کدام در سپهری شناورند.»

3. «وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ» (3)

«و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است. هر کدام از این دو در مداری [ معین] شناورند.»

4. «وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی لاَِجَلٍ مُسَمّیً» (4)

«و خورشید و ماه را رام گردانید؛ هر کدام برای مدّتی معیّن به سیر خود ادامه می دهند.»

5. «وَسَخَّرَ لَکُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَیْنِ» (5)

«و خداوند خورشید و ماه را در حالی که هر دو در حال حرکت هستند به نفع شما مقهور و مسخّر گردانید.»



---

1- (1) . یس/ 37 - 38
2- (2) . یس/ 40
3- (3) . انبیاء/ 33
4- (4) . رعد/ 2 -فاطر/ 13 -زمر/ 5. همین آیه در سوره لقمان/ 29 به این صورت آمده است « کلٌّ یجری الی أجلٍ مسمّی»

5- (5) . ابراهيم/ 33.

نکات تفسیری

1. آیات فوق برای معرفی نشانه های حق و یادآوری به مردم است تا ایمان آورند و یا ایمان آنان تقویت گردد. و بنابراین آیات سوره ی یس با کلمه «و آیهٔ لهم ...» شروع می شود و آیه 2 سوره رعد با جمله «لَعَلَّكُم بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» «امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید» پایان می یابد.

2. «لام» در کلمه «لمستقر» ممکن است به چند معنا باشد:

الف: لام به معنای «الی» (خورشید به سوی قرارگاه خود روان است) (1)

ب: لام به معنای «فی» (خورشید در قرارگاه خود روان است) (2)

ج: لام برای غایت «تا» باشد (خورشید تا قرارگاه خود روان است) (3)

د: لام به معنای تأکید باشد (خورشید روان است مر قرارگاه خود را)

3. آیه ی فوق به نحو دیگری نیز قرائت شده است: «و الشمس تجری لا مستقر لها» یعنی روان است و قرارگاه ندارد.» (4)

4. کلمه مستقر در «لمستقر» ممکن است مصدر میمی، یا اسم زمان و یا اسم مکان باشد. پس معنا آن است که «خورشید به طرف قرار گرفتن خود حرکت

ص:141

---

1- (1) . ر.ک: تفسیر المیزان، ج 17، ص 79، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت - 1417 ق

2- (2) . سید هبهٔ الدین شهرستانی، اسلام و هیئت، ص 184 و تفسیر نمونه، ج 18، ص 382

3- (3) . ر.ک: تفسیر المیزان، ج 17، ص 89، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت - 1417 ق

4- (4) . ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 8، ص 272 (ده جلدی)، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت 1415 ق. این قرائت از امام سجاد(علیه السلام) و امام باقر(علیه السلام) و امام صادق(علیه السلام) و

نیز ابن عباس، ابن مسعود و عکرمه و عطاء نقل شده است و مرحوم طبرسی در توجیه آن می گوید: ظاهر این قرائت عموم است امّا معنای آن خاص است یعنی تا وقتی آسمانها همانطور بر پاست خورشید محل استقرار ندارد امّا هنگامی که آسمان ها در هم فرو ریخت خورشید نیز مستقر می شود.

می کند و یا تا آنجا که قرار گیرد حرکت می کند یعنی تا سر آمدن اجل آن و یا زمان استقرار و یا محل استقرارش حرکت می کند.» (1)

با این احتمال (سر آمدن اجل یا زمان استقرار) بوسیله آیه «کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمّیً» (2) تأیید می شود. زیرا «لاجل مسمی» به جای «لمستقرٍ لها» به کار رفته است.

مگر آنکه ادعا شود که آیه ی «وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا» (3)می خواهد در مورد خورشید به مطلب تازه ای اشاره کند که در آیات دیگر (فاطر/ 13 - رعد/ 2 - زمر/ 5) اشاره نشده بود. یعنی خورشید و ماه هر دو زمان استقرار و پایان زمانی حرکت دارند و علاوه بر آن خورشید پایان مکانی نیز دارد.

5. ابن کثیر نیز در تفسیر خود در مورد «لمستقر لها» دو احتمال را مطرح می کند:

اوّل اینکه مقصود مستقر مکانی باشد. یعنی تحت عرش الهی که نزدیک زمین است.

دوم آنکه مقصود انتهای سیر خورشید در قیامت است. (4)

6. فُلک در لغت به معنای کشتی و فَلک به معنای مجرای کواکب است که به خاطر شباهت آن با کشتی (در شناور بودن) فلک نامیده شده است. (5)



---

1- (1) . ر.ک: المیزان، ج 17، ص 89، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت - 1417 ق
2- (2) . فاطر/ 13 -رعد/ 2 -زمر/ 5
3- (3) . یس/ 38
4- (4) . ر.ک: مختصر ابن کثیر، 3/ 162 و نیز دکتر السید الجمیلی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص 32
5- (5) . راغب اصفهانی، مفردات، ماده فلک.

برخی مفسران می نویسند:

«کلمه فلک در لغت به معنی بر آمدن پستان دختران و شکل دورانی به خود گرفتن است سپس به قطعات مدوّر زمین و یا اشیاء مدور دیگر نیز اطلاق شده و از همین رو به مسیر دورانی کواکب نیز اطلاق می شود.» (1)

سید هبهٔ الدین شهرستانی با ذکر 14 دلیل اثبات می کند که کلمه «فلک» در اسلام به معنای مدار نجوم و مجرای کواکب است. (2)

7. یسبحون از ماده «سباحت» در اصل به معنای حرکت سریع در آب و هوا است. (3)

8. دائبین از ریشه «دأب» به معنی «ادامه دادن به سیر» است. و بمعنی عادت مستمره هم می آید. (4)

البته صاحب تفسیر نمونه می گوید: دائب از ریشه دئوب به معنی استمرار چیزی در انجام یک برنامه به صورت یک حالت و سنت است ... ولی در معنی دائب حرکت در مکان نیفتاده است. بنابراین نورافشانی و أثر تربیتی، خورشید را مدلول دائب می کند. (5)

امّا به نظر می رسد با توجّه به سخن راغب اصفهانی ایشان به یکی از معانی دائب (ادامه دادن به سیر) توجه نکرده است هر چند که تفسیر نمونه هیچ منبع لغوی را نیز در این مورد معرفی نکرده است.



---

1- (1) . تفسیر نمونه، ج 18، ص 387
2- (2) . اسلام و هیئت، ص 19 به بعد
3- (3) . مفردات راغب، ماده ی سبح
4- (4) . مفردات راغب، ماده ی دئب
5- (5) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج 10، ص 350 و 357.

تاریخچه:

خورشید ستاره ای است که هر انسانی می تواند هر روز آن را ببیند و حرکت کاذب روزانه آن (از طرف مشرق به مغرب) (1) همیشه توجّه انسان را به خود جلب کرده است.

انسان ها تا قرن ها تصوّر می کردند خورشید به دور زمین می چرخد و هیئت پیچیده بطلمیوسی نیز بر همین اساس پایه گذاری شده بود. که زمین مرکز جهان است. (2) حکیم مزبور کره زمین را ساکن و مرکز کلیه کرات پنداشته بود او می گفت:

«سه چهارم از سطح زمین را آب فرا گرفته و کره ی هوا به مجموع خاک و آب احاطه کرده و کره ی هوا را کره ی آتش در میان گرفته است و آتش را کره ی قمر در آغوش دارد. (فلک قمر را جز خود ماه ستاره ای نیست) و پس از فلک قمر افلاک عطارد و زهره و شمس و مریخ و مشتری و زحل به ترتیب هر فلک بعدی محیط بر فلک قبلی است و هر یک را فقط یک ستاره است که هم بنام آن نامیده می شود.

و پس از فلک زحل کره ی هشتم یا فلک ثوابت است که جمیع کواکب ثابته مانند میخ بر پیکر آن کوبیده است. و پس از فلک هشتم کره ی نهم یا فلک



---

1- (1) . حرکت روزانه خورشید از مشرق به مغرب در حقیقت کاذب است و حقیقی نیست، چون در أثر حرکت زمین از مغرب به مشرق برای انسان خطای دید حاصل می شود. و گمان می کند که خورشید حرکت می کند

2- (2) . در تاریخ حکماء آمده است که چند دانشمند یونانی به نام بطلمیوس خوانده می شدند که عبارتند از: بطلمیوس غریب، بطلمیوس دلس و بطلمیوس قلوذی که این سومی همان است که هیئت بطلمیوسی به نام اوست و 140 سال قبل میلاد می زیسته است. ر.ک: اسلام و هیئت، گفتار سوم (کج) و ص 5. (محمد نژد در فرهنگ دانستنیها، ج 1، ص 752، بطلمیوس را از دانشمندان قرن دوم میلادی می داند.)

اطلس است که تمام افلاک هشتگانه به ترتیبی که ذکر شد. در شکم آن جا دارد. (مثل پیازی که لایه لایه بر همدیگر هستند) فلک مزبور خالی از ستاره و دارای قطر نامحدود است... و در یک شبانه روز با کلیه ی افلاکی که در جوف آن است به گرد زمین می چرخد.» (1)

هیئت بطلمیوسی هفده قرن بر فکر بشر حکومت کرد و پس از آن کوپرنیک (1544 م) هیئت جدید (هیئت کوپرنیکی) را ارائه داد که بر اساس آن زمین به دور خورشید می چرخید. ولی شکل چرخش را دایره ای می دانست که پس از او کپلر (1650 م) شکل بیضوی گردش زمین بدور خورشید را کشف کرد. و سپس عقیده این دو نفر توسط گالیله ایتالیایی مستقر و مدلّل گردید (2) و از آن پس نظام منظومه ی شمسی به صورت نوین پایه گذاری شد که سیارات به دور خورشید می چرخد (عطارد - زهره - زمین - مریخ - مشتری - زحل - اورانوس - نپتون - پلوتون).

ولی هنوز عقیده اخترشناسان (حتّی کوپرنیک، کپلر و گالیله) بر آن بود که خورشید ثابت ایستاده است. (3) و حتّی در ادعانامه ای که علیه گالیله در دادگاه

قرائت شد او را متهم به اعتقاد به سکون خورشید (خلاف گفته کتاب مقدّس که خورشید را متحرّک می دانست) (4) کردند و او حاضر نشد حرکت خورشید را بپذیرد. (5)



---

1- (1) . اسلام و هیئت، ص 5 - 7
2- (2) . ر.ک: همان، ص 9 - 10
3- (3) . مطالب شگفت انگیز قرآن، ص 24 و نیز احمد امین، راه تکامل، ج 5، ص 9 و نیز شهرستانی، اسلام و هیئت، ص 179 ایشان پس از نقل کلام کوپرنیک در اینکه خورشید را مرکز و ساکن می داند توجیه می کند که او خورشید را نسبت به زمین (داخل منظومه شمسی) ساکن می دانست نه نسبت به خارج آن.
4- (4) . کتاب مقدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزمور 19 / 5 و «[ خورشید ] مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند.»
5- (5) . ر.ک: آرتور کوستلر، خوابگردها، ترجمه منوچهر روحانی، ص 590

امّا در اعصار جدید روشن شد که خورشید دارای چند حرکت است:

اوّل حرکت وضعی که هر 25/5 روز یک بار به دور خود می چرخد.

دوم حرکت انتقالی از جنوب آسمان به سوی شمال آن که هر ثانیه 19/5 کیلومتر همراه با منظومه شمسی حرکت می کند.

و سوم حرکتی انتقالی که با سرعت 225 کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان می گردد. که در این حرکت نیز منظومه شمسی را بهمراه خود می برد. (1)

البته برای خورشید حرکت های دیگری نیز گفته شده که در نکات علمی اشاره می کنیم.

اسرار علمی:

در مورد آیات مربوط به حرکت خورشید مفسران قرآن دو گروه شده اند:

اوّل: مفسران قدیمی: مفسران قرآن کریم از دیر زمان در پی فهم آیات مربوط به حرکت خورشید بودند ولی از طرفی نظریه هیئت بطلمیوسی بر جهانیان سایه

افکنده بود و از طرف دیگر ظاهر آیات قرآن (در مورد حرکت خورشید و زمین در مدار خاص خودشان) هیئت بطلمیوسی را بر نمی تافت و از این رو برخی مفسران در پی آن شدند تا با توجیه خلاف ظاهری آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسی و حرکت کاذب روزانه خورشید سازگار کنند.



---

1- (1) . شهرستانی، اسلام و هیئت، ص 180 و استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 26 و جهان های دور، ص 293 و تاریخ علوم، ص 347 و دنیای ستارگان، ص 146 و مرزهای نجوم، ص 246.

طبری (310 ق) در تفسیرش حرکت خورشید را همان حرکت روزانه و محل استقرار خورشید را دورترین منازل، در غروب می داند. (1)

طبرسی مفسّر گرانقدر شیعه (م 548 ق) می گوید: «در مورد استقرار خورشید سه قول است:

اوّل: اینکه خورشید جریان می یابد تا دنیا به پایان برسد. بنابراین دیدگاه، خورشید محل استقرار ندارد.

دوم: اینکه خورشید برای زمان معینی جریان دارد و از آنجا تجاوز نمی کند.

سوم: اینکه خورشید در منازل خود در زمستان و تابستان حرکت می کند و از آنها تجاوز نمی نماید.

پس همان ارتفاع و هبوط خورشید محل استقرار اوست.» (2)

شهرستانی در مورد آیه: «کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ» (3)می نویسد:

«هر یک در فلکی شنا می کنند» و مکرر گفتیم که ظاهر این آیه با هیئت قدیم راست نمی آمد زیرا بنابر آن هیئت حرکت کوکب در جسم فلک ممتنع

است و از این جهت قدما ظاهر آیه را حمل بر مجاز کرده سباحت را هم به معنی مطلق حرکت گرفته و گفته اند مقصود این است که: هر ستاره ای با فلک خود بالتبع حرکت می کند.»

این در حالی است که در آیه واژه ی «فی» (در) می باشد یعنی خورشید در فلک و مدار شناور است.



---

1- (1) . تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، ج 23، ص 5 - 6 (چاپ دار المعرفهٔ بیروت)
2- (2) . مجمع البیان، ج 8، ص 424 و 425 ذیل آیه 38 /یس (چاپ دار احیاء الثراث العربی) بیروت 1379 ق
3- (3) . یس/ 40.

و نیز در مورد آیه ی «وَالشَّمْسُ تَجْرِی» (1)می نویسد: «متقدمین بدین آیه احتجاج کرده حرکتی را که از طلوع و غروب آفتاب مشاهده می شود متعلق به جرم خورشید دانسته اند. ولی در معنای کلمه «مستقر» دچار اضطراب و اختلاف عقیده شده اند.»

... برخی گفته اند آفتاب سیر می کند تا به مستقر خود که برج حمل است برسد. (که لازمه ی آن سکون خورشید در برج حمل است و این معنا باطل است.)

... و برخی گفته اند شمس حرکت می کند در فلک خود. (که از نظر هیئت قدیم باطل است) (2)

عجیب این است که صاحب تفسیر نمونه نیز در تفسیرآیه «وَکُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ» (3) احتمال می دهد که مقصود همین حرکت خورشید بر حسب حسّ ما یا حرکت ظاهری [کاذب و خطای دید] باشد و آن احتمال را در کنار احتمالات

دیگر می آورد و ردّ نمی کند (4) در حالی که این آیات در مقام شمارش آیات خداست و حرکت کاذب نمی تواند آیه و نشانه ی الهی باشد. (5)

ص:148

---

1- (1) . یس/ 38

2- (2) . اسلام و هیئت، ص 183 - 185 با تلخیص

3- (3) . یس/ 40.

4- (4) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج 18، ص 386 - 389

5- (5) . این سخن از ایشان عجیب است چون قرآن کریم هنگامی که می خواهد سخن از حرکت کاذب (طلوع و غروب با توجه به خطای دید بیننده) بگوید می فرماید: « و تری الشمس اذا طلعت تزاور عن کهفهم » (کهف/ 17) و آفتاب را می بینی که چون بر آید از غارشان. در این آیه جمله با «تری» شروع می شود یعنی شما می بینید و گمان می کنید خورشید طلوع می کند. امّا هنگامی که در مقام بیان حقیقت امر حرکت خورشید است می فرماید: « الشمس تجری ...کل فی فلک ...» و چیزی که دلالت بر حرکت کاذب باشد نمی آورد.

دوم: مفسران و صاحبنظران جدید:

پس از آنکه در هیئت جدید، حرکت زمین به دور خورشید و سپس حرکت های چندگانه ی خورشید به اثبات رسید آیات مربوط به حرکت خورشید معنای جدیدی پیدا کرد و متخصّصان، صاحبنظران و مفسّران قرآن در این مورد اظهار نظرهای متفاوتی کردند و برداشتهای زیبایی از آیات فوق بعمل آوردند، که بدان ها اشاره می کنیم:

الف: حرکت انتقالی خورشید در درون کهکشان راه شیری (حرکت طولی)

مفسّر معاصر آیهٔ اللّه مکارم شیرازی پس از اشاره به تفسیرهای «تجری، یس/ 38» می نویسد:

«آخرین و جدیدترین تفسیر برای آیه فوق همان است که اخیراً دانشمندان کشف کرده اند و آن حرکت خورشید با مجموعه منظومه شمسی در وسط کهکشان ما به سوی یک سمت معیّن و ستاره دور دستی که آن را ستاره

«وِگا» نامیده اند، می باشد.» (1) و در جای دیگر «جریان» را اشاره به حرکت طولی می داند. (2)

تذّکر: در این معنا باید «لام» در «لمستقر لها» را به معنای «الی» بدانیم یعنی: «خورشید به سوی قرارگاه خود جریان دارد.» همانگونه که برخی از نویسندگان عرب بدان تصریح کرده اند. (3)



---

1- (1) . تفسیر نمونه، ج 18، ص 382
2- (2) . همان، ص 388
3- (3) . ر.ک: احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص 35

یکی از صاحبنظران پس از اینکه حرکت خورشید از جنوب به سوی شمال آسمان را 19/5 کیلومتر در ثانیه می داند در ادامه به آیه ی 2 سوره ی رعد و 33 سوره ی ابراهیم در مورد حرکت خورشید استناد می جوید. (1)

یکی دیگ-ر از نویسندگ-ان معاص-ر در م-ورد کلمه «مستقر» در آیه «تجری لمستقر لها» می نویسد:

«این حرکت به سوی قرارگاه شاید همان حرکت خورشید به سوی ستاره وِگا باشد که علم نجوم امروز بدان پی برده است» و سپس آن را معجزه ی علمی قرآن می داند. (2)

علامه طباطبایی(ره) پس از آنکه جریان شمس را همان حرکت خورشید می داند، می فرماید:

«امّا از نظر علمی تا آنجا که ابحاث علمی حکم می کند قضیه درست بر عکس (حس) است یعنی خورشید دور زمین نمی گردد بلکه زمین بدور خورشید

می گردد و نیز اثبات می کند که خورشید یا سیاراتی که پیرامون آن هستند به سوی ستاره (نسر ثابت) حرکت انتقالی دارند...» (3)

سید هبهٔ الدین شهرستانی حرکت خورشید را به طرف ستاره ای بر ران راست «جایی» معرفی می کند و در جای دیگر آن را به طرف مجموعه نجوم (هرکیل) می داند. (4) و کلمه ی «تجری» را اشاره به حرکت انتقالی خورشید می داند. (5)



---

1- (1) . استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 26 و 25 - 36

2- (2) . گودرز، نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص 25 - 26.

3- (3) . المیزان، ج 17، ص 89

4- (4) . اسلام و هیئت، ص 181

5- (5) . همان

طنطاوی در تفسیر الجواهر نیز پس از ذکر مقدمه ای در انواع حرکات آیه ی فوق را بر حرکت خورشید و مجموعه ی همراه او به دور یک ستاره (کوکب) حمل می کند و سپس مطالبی طولانی در مورد حرکت هواپیماها، اتومبیل ها و... می دهد که ربطی به تفسیر آیه ندارد. (1)

و در همین مورد کتاب «زنده جاوید و اعجاز قرآن» نوشته ی مهندس محمد علی سادات، (2) و نیز قرآن و آخرین پدیده های علمی، مهندس جعفر رضایی فِر، (3) و نیز «القرآن الکریم و العلم الحدیث»، دکتر منصور محمد حسب النبی، (4) مطالب مشابهی دارند.

ب: حرکت انتقالی خورشید همراه با کهکشان: (حرکت دورانی).

آیت اللّه مکارم شیرازی: در مورد آیه «وَکُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ» (5) «و هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند.» دو احتمال می دهند:

یکی حرکت خورشید به حسب حس ما یا حرکت ظاهری [حرکت کاذب روزانه خورشید که در اثر حرکت زمین به خطا دیده می شود و عرف مردم این حرکت را به خورشید نسبت می دهند.] (6)



---

1- (1) . طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیرالقرآن، ج 9، ص 172 - 172، دارالفکر ،بی تا
2- (2) . زنده جاویدو اعجاز قرآن، ص 28 - 30
3- (3) . قرآن و آخرین پدیده های علمی، ص 131
4- (4) . القرآن الکریم و العلم الحدیث، ص 264.
5- (5) . یس/ 40
6- (6) . به پاورقی صفحات قبل مراجعه کنید که در مورد حرکت صادق و کاذب خورشید مطالبی بیان کردیم

دوم: منظور از شناور بودن خورشید در فلک خود حرکت آن همراه با منظومه ی شمسی و همراه با کهکشان که ما در آن قرار داریم می باشد چه اینکه امروزه ثابت شده است که منظومه شمسی ما جزیی از کهکشان عظیمی است که به دور خود در حال گردش است.

و در پایان این آیه «فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ» را اشاره به حرکت دورانی خورشید می داند که بر خلاف هیئت بطلمیوسی حاکم در زمان نزول قرآن سخن گفته و بدین ترتیب معجزه علمی دیگری از قرآن به ثبوت رسانیده است. (1)

یکی از صاحبنظران نیز پس از آنکه حرکت دورانی خورشید را هر 200 میلیون سال یک بار با سرعت 225 کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان

می داند به آیه ی 2 سوره ی رعد و 33 سوره ابراهیم برای اثبات حرکت خورشید استناد می جوید. (2)

دکتر موریس بوکای با استناد به آیه 33 سوره ی انبیاء و 40 سوره ی یس «کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ» نتیجه می گیرد که قرآن تصریح کرده که خورشید روی مداری حرکت می کند. در حالی که این مطلب بر خلاف هیئت بطلمیوسی رایج در عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) بود.

او می گوید «با اینکه نظر بطلمیوس در زمان پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) هم مورد گرایش بود این نظریه در هیچ جای قرآن به چشم نمی خورد.»



---

1- (1) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج 18، ص 386 - 389.
2- (2) . ر.ک: استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 26 و 35 - 36

و سپس با اشاره به ترجمه های غلط قرآن به زبان فرانسه که فلک را به معنای مغشوش (کره آسمانی - میله آهنی) آورده اند (چون نمی توانستند حرکت دورانی خورشید را تصور کنند) می گوید اوّلین ترجمه قرآن که به زبان فرانسوی کلمه «فلک» را «مدار» ترجمه کرد ترجمه «حمید الله» دانشمند پاکستانی بود. (1)

سید هبۀ الدین شهرستانی در مورد حرکت خورشید و منظومه ی شمسی (از قول برخی) نقل می کند که:

خورشید با همه ی اتباع خود به دور روشن ترین ستاره ای که در ثریا است می چرخد و نام آن ستاره بزبان فرنگی «الکبوتی» و بزبان عربی «عقد الثریا» است.

برخی دیگر از نویسندگان (2) همین حرکت دورانی را به آیات قرآن (یس/ 40) نسبت داده اند:

استاد مصباح یزدی نیز با طرح آیه فوق (یس/ 40) می نویسند:

«قرآن، فلک را چون دریایی می داند که اجرام در آن حرکت دارند و شناورند، پیداست که منظور فضایی است که این اجرام در آن حرکت می کنند و مدار حرکتشان را در آن فضا، تعیین می کنند. نه آنچنان که قدماء می گفتند: فلک حرکت می کند و آنها در فلک ثابتند.

قرآن از ابتدا «فرضیه ی فلکیات» قدیم را مردود می دانسته است ... پس از این آیه می توان نتیجه گرفت که اجرام علوی، همه در حرکتند و این مطلبی است که علم نجوم جدید اثبات می کند.» (3)



---

1- (1) . مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، تألیف دکتر بوکای، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، ص 215 و 216.
2- (2) . عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص 178 به بعد
3- (3) . معارف قرآن، ص 252

تذّکر: به نظر می رسد ظاهر آیه همین معنای دوم (حرکت خورشید در یک مدار است) که با توجه به جمله «کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ» تأیید می کند.

ج: حرکت وضعی خورشید به دور خود:

در تفسیر نمونه آمده است: «بعضی دیگر آن (تجری - یس/ 38) را اشاره به حرکت وضعی کره آفتاب دانسته اند زیرا مطالعات دانشمندان به طور قطع ثابت کرده که خورشید به دور خود گردش می کند» (1)

و سپس در پاورقی توضیح می دهند که بر طبق تفسیر «لام» در «لمستقرٍ لها» به معنای «فی» (در) است. (2)

تذکر: در این صورت معنا اینگونه می شود: «خورشید در قرارگاه خود جریان دارد.» [و به دور خود می چرخد].

احمد محمد سلیمان نیز در کتاب القرآن و العلم می گوید کلمه ی لام در عربی 13 معنی دارد و سپس توضیح می دهد که اگر لام به معنای «فی» باشد حرکت وضعی خورشید را می رساند و اگر به معنای «الی» باشد حرکت انتقالی خورشید را می رساند و سپس می گوید این معجزه ی بلاغی قرآن است که یک کلمه «لمستقر لها» دو معجزه علمی را با هم می رساند. (3)

سید هبهٔ الدین شهرستانی نیز از علامه مرعشی شهرستانی (سید محمد حسین) و غیر او نقل می کند که احتمال داده اند. کلمه ی «مستقر» بمعنی محل استقرار و حرف لام به معنی «فی» و مقصود حرکت وضعی آفتاب باشد. (4)

ص:154

---

1- (1) . تفسیر نمونه، ج 18، ص 382

2- (2) . تفسیر نمونه، ج 18، ص 382.

3- (3) . احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص 35 - 36

4- (4) . ر.ک: اسلام و هیئت، ص 186

یکی از صاحبنظران نیز پس از آنکه حرکت وضعی خورشید را 25/5 روز یک مرتبه به دور خود معرفی می کند به آیه ی 2 سوره رعد و 33 سوره ابراهیم در مورد اثبات حرکت خورشید استناد می جوید. (1)

و برخی دیگر از نویسندگان مثل؛ محمد علی سادات، آیه ی 38 و 40 سوره ی یس را دلیل حرکت وضعی خورشید گرفته اند. (2)

یکی دیگر از صاحبنظران نیز با ذکر اینکه ممکن است لام در کلمه «لمستقر» به معنای «فی» یا «تأکید» باشد آن را اشاره به حرکت وضعی خورشید می داند. (3)

د: ادامه ی حیات خورشید تا زمان معیّن:

یکی از صاحبنظران در مورد آیه ی «کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمّیً» (4) «هر یک از خورشید و ماه تا زمان معینی به گردش خود ادامه می دهند» می نویسند:

«ظاهر مقصود از اینکه خورشید و ماه تا زمانی معیّنی به گردش خود ادامه می دهند این است که زمانی فراخواهد رسید که این چراغ های آسمانی خاموش گردد و آن روز قیامت است.» (5)

همین معنا را سید هبهٔ الدین شهرستانی در مورد آیه ی «وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا» (6)می پذیرد و می گوید: مقصود از جریان حرکت انتقالی آفتاب است در



---

1- (1) . ر.ک: استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 26 و 35 - 36
2- (2) . ر.ک: زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص 28 - 30.
3- (3) . مصطفی زمانی، پیشگویی های علمی قرآن، ص 34
4- (4) . رعد/ 2
5- (5) . استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 35
6- (6) . یس/ 38.

اعماق فضا و مراد از «مستقر» زمان استقرار است نه مکان استقرار و معنا چنین می شود: آفتاب حرکت می کند تا هنگامی که باید قرار گیرد. یعنی روز قیامت.

تذکر: در این صورت «مستقر» را در آیه اسم زمان معنا کرده اند.

فیزیکدانان جدید می نویسند: «خورشید می تواند تا 10 میلیارد سال بدرخشد و از این عمر طولانی پنج میلیارد سال آن گذشته است. بنابراین اکنون خورشید در نیمه راه زندگی خود قرار دارد.» (1)

ه-: حرکات درونی خورشید:

به نظر می رسد کلمه ی «تجری» در آیه ی «وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا» (2)معنای دیگری را نیز داشته باشد یعنی بین کلمه «تحرک» و «تجری» تفاوتی هست و آن اینکه کلمه «تحرک» فقط حرکت را می رساند مثل حرکت اتومبیلی که به جلو یا عقب می رود. ولی زیر و رو نمی شود. امّا کلمه ی «تجری» در مورد مایعات مثل آب به کار می رود که در هنگام حرکت علاوه بر جلو رفتن، زیر و رو هم می شود و بر سر هم می خورد.

امروزه دانشمندان کشف کرده اند که خورشید علاوه بر حرکت وضعی، انتقالی طولی، انتقالی دورانی دارای حرکتی دیگر هم هست زیرا درون خورشید دائماً



---

1- (1) . ر.ک: دکتر اریک اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضاوی، ص 20 - 21 او می نویسد: خورشید در ثانیه 564 میلیون تن هیدروژن به عنوان سوخت مصرف می کند که از این مقدار 560 تن هلیوم بوجود می آید 4 میلیون تن مواد باقیمانده (که فقط 7% سوخت مصرفی می باشد) تبدیل به انرژی می شود که در نهایت به صورت نور و گرما انتشار می یابد
2- (2) . یس/ 38.

انفجارات هسته ای صورت می گیرد تا انرژی نورانی و گرما تولید کند و

روشنی بخش ما باشد (1) و همین انفجارات باعث زیر و رو شدن مواد مذاب داخل خورشید شده و گاه تا کیلومترها به بیرون پرتاب می شود. (2)

به عبارت دیگر خورشید علاوه بر حرکت، مثل آب جریان دارد و دائماً زیر و رو می شود. و این لطافت تعبیر قرآنی غیر از طریق وحی نمی تواند صادر شده باشد و از این رو ممکن است اعجاز علمی قرآن را برساند.

تذکّر: ممکن است گفته شود با توجّه به کاربرد واژه ی «تجری» در قرآن که در مورد حرکت ماه و خورشید هر دو به کار رفته است (فاطر/ 13 - زمر/ 5 - لقمان/ 29) «وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمّیً» در حالی که ماه از مواد مذاب تشکیل نشده است پس همیشه واژه ی تجری به معنای مذاب بودن متعلّق جریان (مثل آب و خورشید) نیست. بلکه این تعبیر کنایه است که در این موارد فضا را مثل یک اقیانوسی در نظر گرفته است که ماه و خورشید مثل یک کشتی در آن شناور هستند. پس این واژه دلالت قطعی بر یک معنا



---

1- (1) . ر.ک: فیزیک نوین، ص 20 او می نویسد: «در درجه حرارت 15 میلیون سانتیگراد و فشار اتمسفری 200 میلیارد اتمسفر به بیان خیلی ساده هسته های اتمهای هیدروژن به هسته های هلیوم تبدیل می شود...بنابراین در این میان مقداری جرم از دست می رود که برابر فرمول (انشتین) به انرژی تبدیل می شود این عمل ذوب هسته ای یا جوشش هسته ای نام دارد

2- (2) . ر.ک: مجله اطلاعات علمی، ش 193، مهر 1374 ش، که در یک گزارش علمی می نویسند: خورشید هر دو ساعت و 40 دقیقه سطح آن با سرعت 6 کیلومتر به داخل و خارج می رود. و قطر آن 10 کیلومتر تغییر می کند و این طپش خورشید است. و در اثر میدانهای مغناطیسی اطراف، لکه ها بوجود می آید و با سرعت 1/600/000 کیلومتر در ساعت از خورشید فوران می کند و دور می شود و به سرعت خاموش می شود.

(شناور بودن یا مذاب بودن) در مورد خورشید ندارد از این رو نمی توان گفت که اعجاز علمی قرآن را ثابت می کند.

تذکر دیگر: برخی از صاحبنظران (دکتر السید الجمیلی) نیز با طرح آیه 36 سوره یس حرکت خورشید و منظومه ی شمسی را 700 کیلومتر در ثانیه دانسته اند. ولی نوع حرکت را مشخص نکرده اند. که دورانی به دور مرکز کهکشان یا مستقیم است. (1)

بررسی:

در مورد انطباق حرکت های خورشید با آیات مورد بحث تذکر چند نکته لازم است:

1. بیان کردیم که سه احتمال در کلمه ی «مستقر» (یس/ 38) وجود دارد (مصدر میمی - اسم مکان - اسم زمان) و نیز بیان شد که چند احتمال در معنای لام «لمستقر» وجود دارد (بمعنی الی - فی - غایۀ) و نیز بیان کردیم، در مورد کلمه ی «جریان» چهار احتمال وجود دارد (حرکت انتقالی طولی - حرکت وضعی - ادامه حیات زمانی - حرکت درونی خورشید).

در اثر ضرب این احتمالات در یک دیگر عدد 36 حاصل می شود (2) یعنی 36 احتمال در معنای آیه متصوّر است و ممکن است در واقع همه ی این احتمالات مراد آیه باشد.



---

1- (1) . ر.ک: دکتر السید الجمیلی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص 31
2- (2) . 4 36 * 3 9 * 3

پس این احتمال هم وجود دارد که جریان (حرکت) دیگری هم برای خورشید وجود داشته باشد که کشف نشده و آن هم مراد باشد. از این رو نمی توان به طور قطعی گفت که مقصود آیه یکی از این احتمالات است و احتمالات (شناخته شده یا کشف نشده) دیگر را نفی کرد.

البته همانطور که بیان کردیم ظاهر آیه (یس/ 37 - 40) همان معنای دوم (حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت) است. که با واژه (یسبحون) در ذیل آیه تأیید می شود.

2. حرکت انتقالی خورشید به طرف یک مکان نامعلوم را می توان از کلمه «لمستقر» استفاده کرد. امّا تعیین این مکان (ستاره وگا - جایی یا هرکیل یا...) و یا تحمیل آن بر آیه ی قرآن صحیح بنظر نمی رسد زیرا این مکان به طور قطعی مشخص نیست. و بنابراین نمی توان مکان های حدسی را به قرآن نسبت داد.

3. اشارات صریح قرآن به حرکت خورشید (هر کدام از معانی حرکت و جریان را که در نظر بگیریم) از مطالب علمی قرآن و نوعی رازگویی است. زیرا قرآن کریم در زمانی سخن از مدار (فلک) خورشید و جریان و حرکت واقعی آن گفت که هیئت بطلمیوسی فقط همین حرکت کاذب را به رسمیت می شناخت و این مطلب عظمت علمی قرآن و آورنده آن (پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) را نشان می دهد.

4. آیا این اشارات علمی قرآن اعجاز علمی آن را اثبات می کند؟

در این مورد می توان تفصیل قائل شد؛ یعنی بگوییم بخشی از این حرکت ها قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بود (1) و از این رو اخبار قرآن در این مورد



---

1- (1) . کتاب مقدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزمور نوزدهم/ 5.

اعجاز علمی نیست. امّا آن بخشی که توسط کتاب مقدس گزارش نشده بود و توسط قرآن بر خلاف هیئت بطلمیوسی بیان شد اعجاز علمی قرآن است.

قسم اوّل یعنی بخشی که کتاب مقدس خبر داد، همان جمله ای است که «می گوید: و [خورشید] مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند.» (1)

از این جمله فقط حرکت انتقالی دورانی خورشید استفاده می شود چون پهلوانان در میادین بطرف جلو و بصورت دورانی می دوند. (2)

امّا حرکت های دیگر مثل حرکت انتقالی طولی و حرکت وضعی و حرکت زمانی و حرکت درونی خورشید از ابتکارات قرآن است. و اعجاز علمی آن را ثابت می کند.



---

1- (1) . همان

2- (2) . هر چند ممکن است که ارباب کلیسا در قرون وسطی از این جمله حرکت کاذب روزانه خورشید را برداشت می کردند ولی این جمله به خودی خود حرکت انتقالی دورانی را نتیجه می دهد.

## فصل ششم: قرآن و زمین شناسی

### اشاره

ص:161

پرسش:

مقصود از اینکه کوه ها همچون میخ هستند، چیست ؟

پاسخ:

قرآن مجید در سوره های متعددی درباره ی آفرینش کوه ها سخن گفته و راز خلقت و اسرار وجود آن ها را با تعبیرات گوناگونی بیان کرده است. از بین رازها و حکمت های آفرینش کوه ها بیشتر روی استقرار و آرامشی که در پرتو کوه ها نصیب ساکنان زمین شده است تکیه کرده و وجود آنها را مانع از پدید آمدن حرکات ناموزن و اضطراب و نوسان معرفی می نماید و در سوره های گوناگون با عبارات متعدّد (1) می فرماید:

«وَأَلْقی فِی الأَرْضِ رَوَاسِیَ أَن تَمِیدَ بِکُمْ»؛

«و در زمین کوه های استواری افکند، ] مبادا [ که شما را بلرزاند.»

و گاهی این حقیقت را به عبارت دیگر بیان می کند و می فرماید:

«وَالْجِبَالَ أَوْتَاداً»؛ (2)

«کوه ها را میخ های زمین آفریدیم.»

ص:163

---

1- (1) . نحل / 15،انبیاء / 31 و لقمان / 10
2- (2) . نباء / 7.

بررسی واژه های آیات:

واژه ی «جبال»، جمع «جبل» به معنای کوه است. (1) - (2)

واژه ی «اوتاد»: جمع «وَتَدْ» به معنای میخ است.

واژه ی «رواسی»، جمع «راسیه» به معنای ثابت و محکم است. (3) تاکید بر کلمه ی «رواسی» به معنای ثابت و پابرجا، اشاره ی لطیفی است که کوه ها هم خودشان ثابتند و هم مایه ی ثبات پوسته ی زمین و زندگی انسان ها می باشند. (4) واژه ی «تمید» از «مید»، به معنای میل و اضطراب است. یعنی، در زمین کوه های ثابت و محکم افکند تا شما را میل ندهد و این سو و آن سو نیندازد و مضطرب نکند. (5)

عوامل لرزش و اضطراب زمین:

حال این سوال مطرح می شود که منشاء این اضطراب و نوسان و لرزش چیست؟ که وجود کوه ها از بروز آن جلوگیری می نماید:

1. کره ی زمین دارای 14 تا 16 حرکت مختلف است (6) که بعضی مربوط به داخل کره ی زمین و اکثراً نسبت به کرات دیگر انجام می شود. در اینجا به ذکر حرکات عمده ی آن می پردازیم:



---

1- (1) . از ثلاثی مجرد این ریشه 8 اسم مفرد و 33 جمع بر روی هم 41 بار در 33 سوره طی 39 آیه در قرآن کریم آمده است. جمع آن «جبال» و «اَجبال» و «اَجبُل» است. ر.ک: دائره الفرائد در فرهنگ قرآن، دکتر محمدباقر محقق، ج 5، ص 27، که تنها «جبال» در قرآن به کار رفته است

2- (2) . ر.ک: قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ماده ی «جبل»

3- (3) . همان، ماده ی «رواسی»

4- (4) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج 11، ص 53

5- (5) . ر.ک: قاموس قرآن، همان

6- (6) . ر.ک: قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص 112 و اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند، ص 106.

الف. حرکت وضعی (دورانی):

زمین در هر 24 ساعت یکبار از مغرب به مشرق دور محور خود می چرخد و شب و روز بوجود می آید، سرعت این حرکت دورانی در مدار استوا، در هر ساعت 1666 کیلومتر و در هر ثانیه 461 متر است که هر چه به قطبین نزدیک شویم از مقدار آن کاسته می شود. (1)

ب. حرکت انتقالی:

زمین با حرکت انتقالی سریع خود، که سرعت آن 170000 کیلومتر در ساعت است به دور خورشید می چرخد. (2)

ج. حرکت هلیسی:

چون منظومه ی شمسی در هر ثانیه 20 کیلومتر در فضا، و به مقصد نامعلومی به دنباله ی ستاره ی «وگا Wega » حرکت می کند، کره ی زمین مجبوراست سرعت حرکات وضعی و انتقالی خود را چنان ترتیب دهد تا از کاروان نامبرده عقب نماند و پیشروی نیز ننماید.

سرعت این حرکت در روز اوّل تیر ماه، ثانیه ای 28900 کیلومتر، و در اوّل دی ماه 30000 کیلومتر است. (3)



---

1- (1) . ر.ک: مجلۀ مکتب اسلام، شماره ی 8، سال 13، شماره ی مسلسل 152، شهریور ماه 1351 مقاله ای با نام اثر کوه ها در آرامش زمین (چرخ لنگر در قرآن)، ص 69
2- (2) . قرآن و طبیعت (راز کوه ها)، بی آزار شیرازی، ص 16
3- (3) . ر.ک: اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند، ص 108 و قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص 112.

به طور مسلّم این نوع حرکت سریع زمین و بالاخص حرکت وضعی آن، در تماس با هوای مجاور آن و در برخورد ملکول های هوا با سطح کره، آنچنان حرارتی تولید می کند که برای مشکل ساختن حیات بر روی زمین کافی است، این مشکل در صورتی پیش می آید که هوای مجاور زمین همراه خود زمین حرکت نکند و بر اثر برخورد زمین با ملکول های هوای ساکن، که همه ی جوانب آن را مانند پوسته ی پیاز فرا گرفته است حرارت شدیدی تولید شود. ولی اگر هوای مجاور زمین پا به پای خود زمین حرکت نماید و هر دو دست به دست هم و به یک سمت در حال حرکت باشند. قطعاً چنین خطری پدید نخواهد آمد. (1)

از این رو وجود کوه ها و پستی و بلندی های زمین، در حرکت «هوای مجاور» همراه زمین، نقش موثری دارند؛ زیرا در پرتو فواصل رشته های کوه ها و پستی و بلندی های آن که قشر جامد زمین را به صورت سرزمین شخم زده در آورده است و هوای مجاوری که با زمین تماس دارد در میان کوه ها حبس می شود و پستی و بلندی های مختلف زمین که حتّی در برخی از نقاط به 8 کیلومتر می رسد هوای چسبیده به زمین را درخود نگاه داشته است و هنگام حرکت زمین هوای داخل فرورفتگی ها و چسبیده به آن، با آن حرکت می کند و هر دو در مسیر واحدی پا به پای یکدیگر به گردش خود ادامه می دهند. و شاید آیه ی:



---

1- (1) . قرآن و اسرار آفرینش، همان، ص 113 و 112 و همچنین ر.ک: تفسیر نمونه ذیل نباء / 7 و مرسلات / 27.

«وَأَلْقی فِی الْأَرْضِ رَوَاسِیَ أَن تَمِیدَ بِکُمْ»؛ (1)«و در زمین کوه های استواری افکند تا شما را از حرکات ناموزون آن حفظ کند.»

اشاره به این راز بزرگ باشد که در سایه ی کوه ها به وجود می آید. (2)

2. ممکن است این حرکات ناموزون که کوه ها مانع از بروز آن است به خاطر جاذبه ی نیرومند ماه باشد که می تواند در پوسته ی زمین جزر و مدی مانند جزر و مد دریا بوجود آورد و همواره در حرکت و اضطراب باشد. ولی کوه ها مانع بروز این نوع حرکات ناموزون، است. زیرا کوه ها در حقیقت در حکم یک زره ی محکم فولادین را دارند که دور تا دور زمین را احاطه کرده و با توجه به ارتباط و پیوندی که از زیر به هم دارند یک شبکه ی نیرومند سرتاسری را تشکیل می دهند. اگر این زره محکم و این شبکه ی نیرومند، کره زمین را نمی پوشاند و پوسته ی روی زمین از یک قشر نرم و لطیفی مانند خاک و شن تشکیل می یافت به آسانی تحت تاثیر جاذبه ی نیرومند ماه واقع می شد و حرکات ناموزونی مانند جزر و مد دریاها در آن بوجود می آورد با این که قشر محکمی پوسته ی زمین را پوشانیده، باز حرکات خفیف جزر و مد در آن پیدا می شود و هر بار حدود 30 سانتی متر پوسته ی زمین به تدریج بالا و پایین می رود. (3)

3. عامل سوم این لرزش ها، مواد مذابی است که هسته ی مرکزی زمین را تشکیل می دهد و در دل زمین مملو از گازهای متراکمی است که با شدّت هر چه



---

1- (1) . نحل / 15

2- (2) . قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص 113

3- (3) . همان، ص 24، به نقل از قرآن و آخرین پیامبر، ص 185 و همچنین ر.ک: تفسیر نمونه، ذیل نباء / 7، رعد / 7، لقمان / 10، ق / 7 و مرسلات / 27.

تمام تر بر آن فشار می آورد. و موجب زلزله های خطرناک یا ضررهای جبران ناپذیر می شود. به عقیده ی گروهی از دانشمندان زلزله نتیجه ی حرارت مواد مذاب و گازهای درونی زمین است که با شدّت خارج می شوند.

در این صحنه ی متلاطم، یگانه عاملی که مانع متلاشی شدن قطعات زمین می گردد، همان کوه هاست. ریشه های کوه های سنگین که در اعماق زمین فرو رفته و قطعات زمین را در بر گرفته اند، آن ها را به هم اتّصال می دهد و بسان میخ ها که قطعات تخته را به هم متّصل می سازند و از انفکاک و جدایی آن جلوگیری می کنند قطعات زمین را از تفرّق و پاشیدگی باز می دارند.

شاید آیه ی «وَالْجِبَالَ أَوْتَاداً» (1)؛ «کوه ها را میخ های زمین قرار دادیم»

اشاره به همین حقیقت باشد که بیان گردید. (2)

امیرمومنان در ستایش و بیان عظمت کاخ آفرینش چنین می فرماید:

«و وتد بالصخور میدان أرضه» (3)؛ «و به وسیله ی کوه ها، اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد.»

و در جای دیگر می فرماید:

«و عدل حرکاتها بالرّاسیات من جلامیدها»؛ (4) «و حرکات زمین را با صخره های عظیم و قله ی کوه های بلند نظم داد.»



---

1- (1) . نباء / 7
2- (2) . قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص 115 و 114 و ر.ک: قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ذیل ماده ی «جبل»
3- (3) . نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه 1
4- (4) . نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه 91.

علامه طباطبایی(ره) می نویسد: اینکه کوه ها را میخ خوانده، شاید از این جهت بوده که پیدایش عمده ی کوه های روی زمین از عمل آتشفشان های تحت الارض است که یک نقطه از زمین را می شکافد و مواد مذاب زمینی از آن فوران می کند و به اطراف آن نقطه می ریزد و به تدریج اطراف آن نقطه بالا می آید تا به صورت میخی که روی زمین کوبیده باشند در آید. و باعث سکون و آرامش فوران آتشفشان زیر زمین گردد و اضطراب و نوسان زمین از بین برود. (1)

در مجمع البیان آمده است که خداوند متعال می توانست با چیزی غیر از کوه ها زمین را در مقابل زلزله حفظ کند، ولی کوه ها برای درک مردم مناسب ترند و توجّه و دقّت آنان را بهتر به خود جلب می کند. (2)

در آیه ی «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَاداً»؛ (3)«آیا زمین را بستر قرار ندادیم؟ قرآن زمین را به گهواره ای تشبیه نموده که قطعات آن بوسیله ی کوه ها - که بسان میخ اند - به هم پیوسته اند و سنگینی آنها باعث اعتدال حرکات آن گردیده است به طوری که در عین حرکت، آرام است؛ و در آیه ی بعدش ] وَالْجِبَالَ أَوْتَاداً (4) [ ضمن تشبیه کوه ها به میخ، به ریشه های آنها اشاره می نماید و این نیز یکی از معجزه علمی قرآن است.

ص:169

---

1- (1) . ر.ک: تفسیر المیزان، ذیل آیه ی 7 سوره ی نباء
2- (2) . مجمع البیان، ج 13، ص 12، به نقل از زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی، ص 94
3- (3) . نباء / 6
4- (4) . نباء / 7.

زیرا تا یک قرن پیش دانشمندان کوه ها را توده های سنگ عظمیی می پنداشتند که مانند تپه های مصنوعی روی زمین ریخته شده اند و اخیراً پی برده اند که قسمت عمده ی هرکوهی، زیر سطح زمین قرار دارد (1) چنانکه «ژرژگاموف» استاد دانشگاه واشنگتن می نویسد:

«نظریه ی سطحی بودن کوه ها در زمین شناسی، یک قرن پیش از نظریه های عمومی بوده و اخیراً به این موضوع پی برده اند که بخشی از هر کوه زیر سطح زمین قرار داد.» (2)

در حالی که قرآن چهارده قرن پیش، پرده از این راز بزرگ برداشته و کوه ها را میخ های زمین معرفی کرده است تا اجزائش در حال حرکت از هم متلاشی نشوند. (3)

اما دلیل دیگر برای اینکه «کوه ها میخ های زمین اند» این است که آن را به صورت مهد (پرورشگاه) کامل درآورده اند فعل «جَعَل» (قراردادن) در آیه اشعار بر این دارد که زمین با میخکوب شدن به وسیله ی تکوین مستمر کوه ها، از اضطراب و زلزله ها و انفجارها به سکون و آرامش درآمده و قسمت های درونی (مواد مذاب) و قشرهای بیرونی و آب و هوا که پیوسته در هم می آمیخت و تغییر مکان می داد به همدیگر نزدیک و متصل شدند، و با فشرده شدن مواد رسوبی که پایه ی نخستین کوه ها می باشند هر قسمت و قطعه ای از طبقات آن، در جای خود قرار گرفت، و سطح زمین را از فشار انفجارهای درونی و زلزله های همیشگی بازداشتند و اگر



---

1- (1) . قرآن و طبیعت (راز کوه ها)، بی آزار شیرازی، ص 18

2- (2) . همان، ص 18، به نقل از سرگذشت زمین، تالیف ژرژگاموف، ص 126 و 127

3- (3) . مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص 36، به نقل از اسلام و هیات، علامه هبهٔ الدین شهرستانی، ص 208.

فشار و به هم پیوستگی کوه ها نبود؛ که مانند ته میخ ها در درون زمین پرچ شده و از بعضی قسمت های زمین سر برآورده، زمین به صورت مهد آسایش و پرورش کنونی در نمی آمد. (1)

بعضی دیگر از فوائد کوه ها عبارتند از:

1. سرچشمه ی نهرها:

قرآن مجید در برخی از آیات هنگام یادآوری آفرینش کوه ها، از وجود نهرها و چشمه های بزرگ که یکی از مظاهر بزرگ خلقت و نشانه ی وجود تدبیر در عالم آفرینش است، سخن می گوید. اما چرا قرآن این دو (کوه ها و نهرها) را در کنار هم ذکر می کند؟ (2) در پاسخ می توان گفت: ریشه ی این نهرهای عظیم، به علت وجود کوه ها است؛ زیرا هوا در ارتفاعات بسیار سرد و برف و باران بسان یخچال های طبیعی در آنجا ذخیره می گردد و در بسیاری از فصول سال بر اثر کاهش حرارت، از برف و یخ پوشیده است، و در فصل گرما، برف و یخ ها به تدریج آب می شوند و به صورت چشمه سارها جاری می گردند و قسمت اعظم این مایه ی زندگی در سایه ی کوه ها تامین می گردد. (3)



---

1- (1) . به نقل از زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی، ص 95 و 94. (با تلخیص)
2- (2) . «وَهُوَ الَّذِی مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِیهَا رَوَاسِیَ وَأَنْهَاراً» رعد / 3
3- (3) . قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص 116 و 115، به نقل از دائره المعارف، فرید وجدی، ج 3، ص 34 و 33.

2. تصفیه ی آب:

کوه ها در تصفیه ی آب ها نقش بسزای دارند، یکی از آن ها را می توان «تصفیه ی شنی» نامید. «تصفیه ی شنی» عبارت است از، عبور آب از لایه های شنی، زیرا لایه های شنی در قسمت پایین، از قلوه سنگ و در قسمت بالا از ماسه های نرم تشکیل می گردد. عبور آب از طبقات مختلف کوه ها سبب می شود که باکتری های آب گرفته شود و آب از مواد خارجی تصفیه گردد.

قرآن مجید به این دو راز بزرگ در ضمن آیه ی کوتاهی اشاره نموده و می فرماید: «و در آن ] کوه های [ استوار ] و [ بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم.» (1) جمله ی «رَواسی شامختٍ» (کوه های بلند) ناظر به راز اول است که کوه ها بر اثر سردی منطقه، از جهت ارتفاع، حکم مخزن آب را دارند و جمله ی «وَاَسقینکُم مآءً فُراتاً»؛ «برای شما آب گوارا فراهم نمودیم» از آنجا که پس از بیان آفرینش کوه ها آمده است، می رساند که کوه ها در گوارا ساختن آب ها که همان تصفیه ی آن از مواد خارجی و باکتری ها، نقش موثری دارند. (2)

3. پناهگاه بودن کوه ها:

قرآن کریم می فرماید: «و از کوه ها برای شما پناهگاه هایی مقرر کرد.» (3)



---

1- (1) . «وَجَعَلْنَا فِیهَا رَوَاسِیَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَیْنَاکُم مَاءً فُرَاتاً» مرسلات / 27

2- (2) . قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، ص 117 و 116، به نقل از اعجاز قرآن از نظر علوم امروز، ص 86

3- (3) . نحل / 81.

جمع بندی:

با جمع بندی مطالب ذکر شده، می توان فواید و اسرار وجود کوه ها را به شرح زیر برشمرد:

1. کوه ها باعث حفظ کره ی زمین و جلوگیری از پراکندگی آن و موجب آرامش زمین می گردد.

2. کوه ها عامل اصلی جلوگیری از سیل و طوفان است، و در برابر بادهای طوفان زا مقاومت شدید دارد و عامل جلوگیری از کویرها و بیابان های خشک و سوزان است.

3. کوه ها از حرکات ویران کننده و لغزش زمین جلوگیری می کنند و سپر زمین در برابر حرکات سرسام آور می شود که همچون زرهی زمین را در بر گرفته اند و این سبب می شود که از لرزش های شدید زمین که بر اثر گازهای درونی اتفاق می افتد تا حد زیادی جلوگیری کنند.

4. کوه ها حرکات پوسته ی زمین را در مقابل جزر و مد ناشی از ماه به حداقل می رسانند.

5. کوه ها عامل اصلی ذخیره ی آبند که با ایجاد درّه به حکم قانون جاذبه، آب را در سراشیبی قرار می دهند و باعث می شوند که درختان و مزارع از آن سیراب شوند و رشد و نمو نمایند.

6. پستی و بلندی با وجود کوه ها، عامل زندگی انسان و حیوان است.

7. کوه ها عامل ایجاد نهرها و نهرها عامل پیدایش طبیعت سرسبز و میوه های رنگارنگ است و همه ی این ها تدبیری است متّصل و متّحد که از وجود مدبّری حکیم حکایت می کند.

ص:173

8. اگر فشار و به هم پیوستگی کوه ها نبود، زمین به صورت فعلی در نمی آمد و در نتیجه از وجود کوه ها بود که تمدّن ها گسترش یافت.

9. کوه ها فشار هوا و وزش بادها را به صورت ملایم در بر دارد. (1)

10. اگر کوه ها نبود در اثر حرکت های انتقالی و وضعی زمین بین هوای «ثابت» سطح زمین و زمین «متحرک» اصطکاک شدیدی پدید می آمد که حیات ناممکن می شد از این رو وجود کوه ها باعث شده است تا هوای ثابت سطح زمین پا به پای زمین حرکت کند و مانع اصطکاک شود.

نکته:

در قرآن، کوه ها به میخ تشبیه شده است و می دانیم که وقتی میخی را به جایی می کوبند قسمت عمده ی آن به داخل فرو می رود و قسمتی از آن بیرون می ماند پس می توان گفت: تمام فوائد و اسراری را که برای کوه ها بیان شد با این تشبیه چنین قابل توجیه است که قسمت بیرونی کوه ها، فواید بیرونی و قسمت درونی کوه ها، فواید درونی را در خود دارند.

نتیجه گیری:

از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت: آیه ی «والجبال اوتادا» (2) یکی از آیات علمی قرآن و نوعی «اعجاز علمی قرآن» است. با این بیان که قبلاً دانشمندان به این نظریه قائل بودند که کوه ها سطحی هستند، ولی الان به این نتیجه رسیده اند



---

1- (1) . ر.ک: زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی، ص 98 و 97
2- (2) . نباء / 7.

که قسمت عمده ی کوه ها زیر سطح زمین قرار دارد و قرآن با یک تشبیه زیبا این مطلب را چهارده قرن پیش بیان نموده است. (1)

منابع جهت مطالعه بیشتر:

1. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، 1397 ق، 20 جلد.

2. تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، 1374 ه- . ش.

3. قرآن و اسرار آفرینش، جعفر سبحانی، قم، چاپ مهر، چاپ دوم، 1354.

4. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، 1375 ه- . ش.

5. دائرهٔ الفرائد در فرهنگ قرآن، دکتر محمدباقر محقق، تهران، انتشارات بعثت، چاپ اول، پائیز 1364.

6. مجله ی مکتب اسلام، شماره 8، سال 13، شماره مسلسل 152، شهریور ماه 1351.

7. قرآن و طبیعت (راز کوه ها)، بی آزار شیرازی، موسسه انتشارات بعثت، چاپ سوم، 1350.

8. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند، تهران، کانون انتشارات محمدی، چاپ ششم، 1358.

9. نهج البلاغه، ترجمه ی محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، قم، انتشارات سبز، چاپ اول، 1380.

10. زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی، تهران، انتشارات امیری، چاپ اول، زمستان 1380.

11. مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، تهران، نشر سبحان، چاپ دوم، پاییز 78.

---

1- (1) . البته از آیه ی مذکور در مورد حرکت زمین نیز استفاده شده است که در جای خود بحث و بررسی دارد و خارج از بحث ماست.

پرسش:

حرکت زمین از منظر قرآن و علم.

چگونگی اعجاز علمی «حرکت زمین» را با توجه به آیه ی 88 سوره ی نمل توضیح دهید؟

پاسخ:

در مورد حرکت زمین به آیات متعدّدی استناد شده است که یکی از آن آیه ی 88 سوره ی نمل می باشد. خداوند در این آیه می فرماید:

«وَتَرَی الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی اتْقَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ إِنَّهُ خَبِیرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ»؛ «و کوه ها را می بینی، درحالی که آنها را ثابت می پنداری، و حال آنکه آنها همچون حرکت ابرها درگذرند؛ [این] ساخته خدایی است که هر چیزی را محکم ساخت؛ در حقیقت او به آنچه انجام می دهید آگاه است.»

در مورد آیه ی فوق چند دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: بسیاری از مفسران (1) معتقدند: آیه ی فوق اشاره به حوادث آستانه ی رستاخیز دارد؛ زیرا در پایان این جهان و آغاز جهان دیگر زلزله ها و



---

1- (1) . ر.ک: تفسیر مجمع البیان، المیزان، گازر، منهج الصادقین، کشف الحقایق، ذیل آیه ی فوق.

انفجارها و دگرگونی های عظیم واقع می شود و کوه ها از هم متلاشی می گردند، این مطلب در برخی از سوره های آخر قرآن به طور صریح آمده است.

دلیل صاحبان این دیدگاه آن است که این آیه در میان آیات رستاخیز قرار گرفته است و از سیاق آیات پی می بریم که این آیه در مورد رستاخیز است. (1)

دیدگاه دوم: بعضی از فلاسفه ی اسلامی آیه را ناظر به «حرکت جوهری» اشیاء دانسته اند و آن را هماهنگ و مؤید نظریه ی معروف «حرکت جوهری» می دانند. (2)

علامه طباطبائی می نویسد: تمامی موجودات با جوهره ی ذاتشان به سوی غایت وجود خود در حرکتند و این همان معنای حشر و رجوع به سوی خدای سبحان است. و این معنا به خاطر اشاره ای که در جمله ی «تحسبها جامدةً؛ تو آنها را جامد می پنداری» وجود دارد مناسب ترین معناست. (3)

و نیز در تفسیر «احسن الحدیث» آمده است ممکن است منظور آیه حرکت جوهری باشد چنانکه صدر المتالهین شیرازی گفته است. (4)

دیدگاه سوم: بعضی از مفسرین و دانشمندان این آیه را در مورد حرکت زمین می دانند؛ و برخی از آنها این آیه را از جمله ی «معجزات علمی (5) قرآن» می شمارند که به نقل کلام آنها می پردازیم:



---

1- (1) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج 15، ص 568 - 567
2- (2) . ر.ک: همان، ص 570
3- (3) . ر.ک: تفسیر المیزان، ذیل آیه ی 88 سوره ی نمل؛ صدرالمتألهین شیرازی و تفسیر احسن الحدیث یکی از اقوال در آیه فوق را حرکت جوهری ذکر می کنند
4- (4) . ر.ک: تفسیر احسن الحدیث، ذیل آیه ی 88 سوره ی نمل
5- (5) . صاحب تفسیر نمونه، تفسیر مخزن العرفان و تفسیر اطیب البیان این آیه را از معجزات علمی قرآن برمی شمارند.

1. تفسیر مخزن العرفان: صاحب تفسیر مذکور می نویسد: بنابر دستاوردهای علمی جدید که، زمین دائم به دور خورشید می چرخد؛ معنای آیه خوب واضح می گردد زیرا آیه مقیّد به قیامت نشده است و به حرکت زمین اشاره دارد؛ زیرا چون کوه ها از اجزای زمین هستند و با زمین حرکت می کنند و چون زمین جسم سنگینی است و به یک سمت حرکت می کند حرکت آن نامحسوس است. در ادامه، این آیه را یکی از معجزات قرآن بر می شمارد و دلیل خود را این چنین بیان می کند: دروقت نزول قرآن اهل هیئت، اتّفاق نظرداشتند که خورشید هر شبانه روز یک بار دور زمین می چرخد. و این آیه خبر می دهد که کوه ها که از اجزای زمینند، حرکت می کنند. (1)

سپس دو جواب از دیدگاه اوّل می دهد:

الف. در قیامت دیگر کوهی باقی نمانده است. که به صور ( شیپور) اسرافیل قبل از قیام ساعت، موقعی که زمین به حرکت در می آید آن کوه ها حرکت کند چنانکه خداوند در سوره ی واقعه می فرماید: «إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجّاً وَبُسَّتِ الجِبَالُ بَسّاً» «در آن وقت کوه ها پراکنده گردیده اند و اثری از آن ها باقی نمانده است.» (2)

ب. ادامه ی آیه «صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی اتْقَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ إِنَّهُ خَبِیرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ»؛ حرکت زمین را تایید می کند. زیرا «اتقان» به معنای استحکام و محکم کاری است نه



---

1- (1) . ر.ک: تفسیر مخزن العرفان، ذیل آیه ی 88 سوره ی نمل
2- (2) . همان.

تخریب و اعدام، و بنابر اینکه آیه در مورد قیامت باشد، با اتقان و محکم کاری سازگار نیست زیرا بنابر توجیه مفسّرین در قیامت کوه ها پراکنده و خراب می شوند تا اینکه با زمین یکی گردند و صحنه ی محشر صاف گردد. (1)

2. تفسیر المیزان: علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان دیدگاه اوّل را بیان می کند و سپس در ادامه می نگارد: دو قول دیگر هم در آیه وجود دارد یکی اینکه آیه را بر حرکت جوهری حمل کرده اند (که در دیدگاه دوم مطرح شد) و دیگر اینکه آیه را بر حرکت انتقالی زمین حمل کرده اند و این معنا از نظر آیه - فی نفسها - معنای خوبی است ولی دو اشکال متوجّه آن است:

الف. بنابراین معنا، آیه ی شریفه از ما قبل و ما بعدش، که مربوط به قیامت است، بریده و بی ارتباط می شود.

ب. با این بریدگی ارتباط جمله «انّه خبیرُ بما تفعلون» به ما قبلش نیز به هم می خورد. (2) ولی با این حال علامه طباطبایی در مقدمه ی کتاب اعجاز قرآن، از آیه ی 88 سوره ی نمل حرکت انتقالی زمین را استفاده می کنند. (3)

3. تفسیر نمونه: صاحب تفسیر نمونه می نویسند: قرائن فراوانی در آیه وجود دارد که تفسیر دیگری را تایید می کند و آن اینکه آیه از قبیل آیات توحید و نشانه های عظمت خداوند در همین دنیاست و به حرکت زمین که برای ما محسوس نیست، اشاره می کند. (4)



---

1- (1) . همان
2- (2) . ر.ک: تفسیر المیزان ذیل آیه ی 88 سوره ی نمل
3- (3) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، چ 4، ج 1، ص 174
4- (4) . تفسیر نمونه، ج 15، ص 568.

مسلّماً حرکت کوه ها بدون حرکت زمین که به آن ها متّصل است معنا ندارد. و بدین ترتیب معنای آیه چنین می شود: «زمین با سرعت حرکت می کند همچون حرکت ابرها» طبق محاسبات دانشمندان امروز، سرعت سیر حرکت زمین به دور خود، نزدیک به 30 کیلومتر در هر دقیقه است، و سیر آن در حرکت انتقالی به دور خورشید، از این هم بیشتر است.

از این رو آیه ی فوق از «معجزات علمی قرآن» است زیرا حرکت زمین توسط «گالیله» ایتالیایی و «کپرنیک» لهستانی در اواخر قرن 16 و اوایل قرن 17 میلادی کشف شد در حالی که قرآن بیش از هزار سال قبل از آن سخن گفته است. (1)

ایشان در ردّ دیدگاه اوّل می نویسند: تشبیه به ابر و حرکت آرام که در ادامه ی آیه هست، متناسب با برقراری نظم جهان و آرامش فعلی آن است و نه حوادث قیامت؛ و از طرفی تعبیر «گمان می کنی کوه ها جامدند» با حوادث قیامت که آشکار است، ناسازگار است. (2)

ایشان در ردّ دیدگاه دوم (حرکت جوهری) می نویسند: تعبیرات آیه با آن سازگار نیست، زیرا تشبیه به حرکت ابرها تناسب با حرکت در مکان (حرکت در ایْن) دارد نه حرکت در جوهر، بنابراین ظاهر آیه فقط یک تفسیر را می پذیرد و آن هم حرکت میکانیکی زمین (به دور خود یا به دور خورشید) است. (3)



---

1- (1) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج 15، ص 570 - 569
2- (2) . ر.ک: همان، ج 15، ص 568 و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج 1، ص 173 و پیام قرآن، استاد مکارم، ج 8، ص 152 و 151
3- (3) . تفسیر نمونه، ج 15، ص 570.

4. تفسیر اطیب البیان: این آیه ی شریفه یکی از معجزات قرآن است که دلیل بر حرکت کره ی زمین است که در عصر نزول قرآن کسی به حرکت زمین قائل نبود. (1)

5. تفسیر احسن الحدیث: تعبیر «تحسبها جامدهٔ» حاکی از آن است که کوه ها فعلاً نیز بی حرکت نیستند، ما آن ها را بی حرکت می بینیم. ایشان سه احتمال دیگر را نیز مطرح کردند، مانند:

الف. منظور از آن ممکن است حرکت جوهری باشد چنانکه صدرالمتألهین شیرازی گفته است.

ب. شاید حرکت وضعی، زمین باشد که کوه ها نیز با آن حرکت می کنند.

ج. احتمال دیگر آن است که پوسته ی زمین بر روی هسته ی مرکزی آن حرکت می کند، چنانکه برخی دانشمندان گفته اند. (2)

6. قاموس قرآن: ممکن است مراد از آیه، حرکت وضعی و انتقالی زمین باشد که در هر دو حرکت کوه ها نیز بالتبع روانند و اگر اشکال شود که کوه ها با حرکت زمین، بسیار سریع حرکت می کنند - در حرکت انتقالی سرعت آن بیش از 29 کیلومتر در ثانیه است - در این صورت چطور به حرکت ابرها تشبیه شده که حرکت ابرها نسبت به آن کند است؟! در پاسخ می گوییم: شاید (وجه شبه) تشبیه در نامحسوس بودن حرکت است نه در سرعت آن؛ زیرا حرکت ابرها اغلب نامحسوس است، ولی می دانیم که حرکت می کنند. در همین کتاب (قاموس قرآن) از چند جهت به دیدگاه اوّل خدشه وارد کرده است. (3)



---

1- (1) . تفسیر اطیب البیان، ذیل آیه ی 88 سوره ی نمل

2- (2) . ر.ک: تفسیر احسن الحدیث، ذیل آیه ی 88 سوره ی نمل

3- (3) . ر.ک: قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ج 1 - 2 (دو جلد در یک مجلد)، ج 2، ذیل ماده ی «جبل».

7. سید هبهٔ الدین شهرستانی: ایشان حرکت زمین را از آیه استفاده می کند و تذّکر می دهد که: مرحوم «علی قلی اعتضاد السلطنهٔ» پسر «فتحعلی شاه» از این آیه، حرکت زمین را استنباط نموده و کسی در این استخراج، بر او پیشی نگرفته است.

ایشان در مورد تشبیه حرکت زمین به ابر، چند نکته را بر می شمارد:

الف. نرمی و همواری در عین سرعت.

ب. اختلاف حرکت ابرها که گاهی به طرف شرق و غرب و ... مثل زمین که حرکت های مختلف دارد.

ج. بدون لرزش بودن هر دو حرکت. (1) - (2)

بررسی:

دیدگاه اوّل براساس تفسیر ترتیبی است که در تفسیر ترتیبی با توجه به حفظ جایگاه آیه و همچنین با استفاده از سیاق آیه، مفسر به تفسیر آیه می پردازد و نظر نهایی را بیان می دارد هر چند مطالبی در ردّ این دیدگاه آمد.

دیدگاه دوم یک دیدگاه فلسفی است و استاد مکارم شیرازی نیز آن را ردّ نمودند.



---

1- (1) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی، ج 1، ص 174 و 173 به نقل از اسلام و هیئت سید هبه الدین شهرستانی، ص 59 - 57

2- (2) . برخی از نویسندگان معاصر نیز از آیه ی فوق حرکت زمین را استفاده کرده اند و می گویند: معلوم است که سرعت ابر اشاره به سرعت زیاد زمین است همانگونه که می گوییم: فلانی مثل باد حرکت می کند. (همان، ص 174 به نقل از کتاب رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، ص 34 و 33) آیت الله حسین نوری نیز همین آیه (نمل / 88) را اشاره به حرکت کوه ها و زمین می داند. (همان، به نقل از دانش عصر فضا، ص 35) همانگونه که مهندس علی سادات همین معنا را پذیرفته است. (همان، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص 24)

در دیدگاه سوم همه به حرکت زمین قائل بودند؛ بعضی حرکت انتقالی و بعضی حرکت وضعی و برخی دیگر به حرکت پوسته ی زمین و برخی هم به حرکت کلی زمین.

به نظر می رسد استفاده ی حرکت انتقالی زمین از آیه ی مورد بحث، مناسبت دارد، زیرا کوه ها را به ابر تشبیه کرده است، و ابر حرکت انتقالی به دور زمین دارد ولی حرکت دورانی (وضعی) به دور خود ندارد؛ پس از این تشبیه قرآنی حرکت وضعی زمین استفاده نمی شود. (1)

نتیجه گیری:

1. با توجه به مطالب گذشته می توان نتیجه گرفت که اجمالاً حرکت زمین مورد پذیرش قرآن می باشد. (2)

2. تعبیرات قرآن و اشارات علمی آن به حرکت زمین، بر خلاف نظر هیئت بطلیموسی می باشد که حاکم بر فضای علمی زمان نزول قرآن بوده است؛ زیرا در هیئت بطلیموسی، زمین را ساکن و مرکز جهان می دانستند؛ اما قرآن از حرکت آن سخن گفته است؛ و این یکی از مطالب علمی حق و صادق قرآن بود که حدود 9 قرن بعد از نزول آنها توسط امثال «کپرنیک» به اثبات رسید. (3)

3. خبر دادن قرآن از حرکت زمین علاوه بر عظمت قرآن یکی از «شگفتی های علمی قرآن» محسوب می شود ولی اعجاز علمی قرآن نیست؛

ص:184

---

1- (1) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج 1، ص 184
2- (2) . همان، ص 185
3- (3) . همان.

زیرا افرادی مثل فیثاغوریس، فلوته خوس، ارشمیدس، استرخوس، ساموسی، کلیانتوس و آسوسی قبل از بطلیموس به حرکت زمین قائل بودند. پس قبل از ظهور اسلام دو دیدگاه در محافل علمی جهان در مورد حرکت و سکون زمین بوده است که دیدگاه حاکم و مشهور، همان سکون زمین یعنی نظریه بطلیموس بود، و دیدگاه مغلوب، همان حرکت زمین بود. (1)

اعجاز علمی وقتی صادق است که قرآن نظریه ای را ابراز کند و کسی نتواند مثل و مانند آن را به صورت عادی بیاورد. در حالی که نظریه ی حرکت زمین قبل از قرآن آورده شده بود، ولی مشهور نبود، هر چند که این مطلب، ضرری به عظمت قرآن نمی زند زیرا قرآن در عصری که دانشمندان، مقهور نظریه ی سکون زمین بطلیموس بودند شجاعانه و با صراحت، بر خلاف آن، سخن گفت و مطالب علمی حق و صادقی را به جهان عرضه کرد که قرن ها بعد به صورت قطعی به اثبات رسید. (2)

برای مطالعه بیشتر می توانید به کتاب های زیر مراجعه کنید:

1. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمدحسین طباطبایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، 1397 ق.

2. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، 1366 ش.



---

1- (1) . همان

2- (2) . همان.

3. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی، بنیاد بعثت، چاپ اول، 1366 ش.

4. مخزن العرفان درعلوم قرآن (مخزن العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی) تهران، نهضت زنان مسلمان، 1361.

5. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی الطوسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1379 ق.

6. جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابو المحاسن الحسین بن الحسن الجرجانی، تهران چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، 1337 ش.

7. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ دوم، 1344.

8. کشف الحقایق عن نکات الایات و الدقائق (کشف الحقایق)، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران،حاج عبدالمجید صادق نوبری، چاپ سوم، 1396 ق.

9. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و همکاران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، 1374 ش.

10. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین، چاپ چهارم، 1384.

11. پیام قرآن، آیت الله مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، 1377.

12. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب اسلامیه، چاپ هفتم، 1375 ه- . ش.

ص:186

## فصل هفتم: قرآن و ریاضیات

### اشاره

ص:187

پرسش:

اعجاز عددی قرآن چیست ؟ تاریخچه و منابع آن را بیان کنید.

پاسخ:

تاریخچه:

برخی از صاحب نظران در چند دهه ی اخیر بعد دیگری برای اعجاز قرآن بیان کرده اند که همان اعجاز عددی قرآن است و بر این باورند که یک نظام ریاضی خاصی بر قرآن حاکم است. هر چند در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن»، رد پای این فکر دیده می شود. (1)

اولین بار شخصی که به طور صریح این ادعا را مطرح کرد، دانشمندی به نام «دکتر رشاد خلیفه» بود. (2)



---

1- (1) . الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، ج 2، ص 313. یکی از موارد اعجاز قرآن این است که ما نمی توانیم حروف مقطعه سوره ها را با هم عوض کنیم، چون حروف مقطعه ی هر سوره، مخصوص همان سوره است. زیرا حروف مقطعه ی اوّل هر سوره، دلالت می کند بر اینکه آن سوره بیشتر حروفش از این حروف مقطعه تشکیل شده است. پس نمی توانیم مثلاً حرف (ق) را به جای حرف (ن) قرار بدهیم

2- (2) . دکتر رشاد خلیفه در مصر متولد شد. تحصیلات خود را تا کارشناسی در دانشکده کشاورزی (عین الشمس) قاهره گذراند و کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه آریزونا (1959 - 1961 م) آمریکا گذراند، سپس دکترای خود را در دانشگاه کالیفرنیا (1962 - 1964 م) در رشته بیوشیمی گیاهی دریافت کرد.

در اینجا به طور «اجمال» و «تفصیل» به سیر تاریخی اعجاز عددی قرآن می پردازیم:

الف. سیر اجمالی نگارش ها در زمینه ی اعجاز عددی:

ب. تفصیل سیر تاریخی اعجاز عددی قرآن: 1. اعجاز حروف مقطعه قرآن:

چندی قبل مجله ی معروف مصری (1) به نام (آخر الساعه) گزارشی درباره ی تحقیقات دانشمندی مصری در مورد تفسیر پاره ای از آیات قرآن مجید به کمک کامپیوتر منتشر ساخت که اعجاب همگان را در نقاط مختلف جهان برانگیخت. این تحقیقات محصول سه سال کوشش پیگیر و کار مداوم دکتر رشاد خلیفه (1962 م) شیمیدان مصری بود.



---

1- (1) . این تحقیقات در سال 1351 در روزنامه های دنیا درج شده است.

2. اعجاز عددی 19:

عبدالرزاق نوفل (1975 م) تحقیقات دکتر رشاد خلیفه را ادامه داد، ایشان به نتیجه ی جالب دیگری رسید - با عنوان اعجاز عدد 19 - ایشان می گوید: چون (بسم الله الرحمن الرحیم) دارای 19 حرف است پس نظام ریاضی خاصی براساس عدد 19 بر قرآن حاکم است.

برای مثال چند نمونه ذکر می کنیم:

الف. تعداد (ق) هایی که در سوره ی (ق) وجود دارد؛ 57 مورد است که یکی از مضرب های عدد 19 می باشد. (3 57 * 19)

ب. عدد کلمات اوّلین آیاتی که بر پیامبر نازل شده، 19 کلمه است. (1)

3. تناسب تکرار واژه ها در قرآن:

عبدالرزاق نوفل بعداً تناسب عددی تکرار واژه ها را در قرآن مطرح نمود ایشان معتقد است که کلماتی که مترادف یا متضاد هستند به تعداد مساوی در قرآن تکرار شده است. مانند:

کلمه ی «دنیا» و «آخرت» هر کدام 115 بار.

واژه ی یوم 365 بار.

کلمه شیطان و ملائکه هر کدام 68 بار.

جهنم 77 و جنات با مشتقات 77 بار.



---

1- (1) . «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّکَ الْأَکْرَمُ الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ» (علق، 5 - 1)

4. اعجاز زوج و فرد:

اعجاز زوج و فرد در قرآن کریم توسط «کورش جم نشان» (1375 ه- ) مطرح شده است. ایشان با توجه به آیه ی سوم سوره ی فجر (1) که خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده می گوید: شاید یک نظام عددی برمبنای زوج و فرد در قرآن کریم وجود داشته باشد.

در نهایت ایشان به این نتیجه رسیده است که جمع اعداد زوج، مساوی با جمع تعداد آیات قرآن، یعنی 6236 می باشد و جمع اعداد فرد، مساوی 6555 است که حاصل جمع شماره ی سوره ها می باشد. بدین ترتیب نمونه دیگری از اعجاز عددی قرآن را ثابت می کند. (2)

5. اعجاز عدد هفت:

اعجاز «عدد هفت» توسط مهندس عبدالدائم الکحیل (2002 م) مطرح شده است. ایشان با استفاده از آیه ی 12 سوره ی طلاق که خداوند می فرماید: «اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ»؛ نتیجه می گیرد که باید بین عدد هفت و تعالیم قرآن ارتباطی باشد، برای مثال می گوید:



---

1- (1) . «وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ»
2- (2) . مجله بینات / بهار 1375، ش 1، ص 99.

ایشان معتقد است که اگر تعداد حروف کلمات هر آیه را کنار هم بگذاریم، یکی از مضرب های عدد هفت می باشد.

یادآوری:

برخی از مطالب اعجاز عددی صحیح و قابل قبول است امّا برخی دیگر سلیقه ای و مطابق با واقع نیست. به عنوان نمونه:

الف. در مورد حروف مقطعه ی (ن) دراول سوره ی (ن و القلم) گفته شده است که تعداد تکرار آن 133 مرتبه است. که براساس این شمارش یکی از مضرب های عدد 19 می باشد (7 133 * 19) در حالی که در شمارش دقیق به این نتیجه می رسیم که حرف «ن» در این سوره 131 مرتبه است.

ب. در مورد تناسب تعداد تکرار کلمات قرآن، معیار دقیقی وجود ندارد چون بعضی کلمات با مشتقات آن حساب شده و بعضی بدون مشتقات، مانند: جهنّم و جنّات.

ج. در مورد اعجاز عدد هفت در شمارش حروف کلمات مخصوصاً شمارش حرف همزه اشکالاتی وجود دارد؛ چون در بعضی موارد همزه به حساب آمده و در بعضی موارد حساب نشده است. این اختلاف ها به خاطر این است که معیار و قانونی برای شمارش وجود ندارد.

نتیجه: با توجّه به آنچه بیان شد اعجاز عددی قرآن در موارد ادعا شده نیاز به بررسی بیشتر دارد؛ از این رو باید گفت: اعجاز عددی قرآن اجمالاً و در برخی از موارد ادعا شده پذیرفته شده است.

معرفی منابع:

1. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج 2، آیه ی اوّل سوره ی آل عمران.

2. قرآن و اسرار آفرینش، (تفسیر سوره ی رعد) استاد جعفر سبحانی، 1362، چاپ امیرالمومنین، انتشارات توحید، قم، ص 15 - 46.

3. تناسب آیات، آیت الله محمدهادی معرفت، ترجمه شیخ عزت الله مولایی نیا همدانی، 1373، چاپ دانش، ناشر بنیاد معارف اسلامی، ص 151 - 162.

4. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، جلد اول، چاپ اوّل، 1380، ناشر کتاب مبین، ص 219 - 232.

5. سلسلهٔ الاعجاز الرقمی، معجزهٔ القرآن فی عصر المعلوماتیه، مهندس عبدالدائم الکحیل، چاپ اول، 2002 م، انتشارات علمیه، دمشق.

6. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی، 1371 چاپ اول، انتشارات مسعود احمدی.

7. اعجاز الرقم 19 فی القرآن الکریم، بسّام نهاد جرّار، چاپ دوم، 1414 ه- 1994، ناشردارالنفائس.

8. عجائب العدد و المعدود فی القرآن الکریم، جمیل دیباچه، چاپ اول 1419 ه- 1999 م، ناشر مجهٔ البیضاء، بیروت.

9. من الاعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم، دکتر ابوزهراء النجدی، تاریخ 1410 ه- ، 1990 م.

10. المنظومات العددیه فی القرآن العظیم، مهندس مصطفی ابوسیف، مهندس احمد عبدالوهاب، 1418 ه- ، 1998 م، ناشر مکتبه وهبه.

ص:194

پرسش:

رابطه حروف مقطعه قرآن با ریاضیات چیست ؟

پاسخ:

برخی از صاحب نظران در چند دهه ی اخیر، ادعا کردند که یک نظام ریاضی خاصی بر قرآن حاکم است. یکی از آن ها «دکتر رشاد خلیفه» شیمیدان مصری بود. او برای تحقیقات خود مدّت ها از رایانه استفاده نمود.

تمام کوشش استاد مزبور برای کشف معانی حروف مقطعه قرآن، مانند (الم - یس - ق و...) صورت گرفته است او با کمک محاسبات پیچیده ای ثابت کرد که رابطه ی نزدیکی میان حروف مزبور با حروف سوره ای که در آغاز آن قرار گرفته است، وجود دارد.

دکتر رشاد خلیفه می نویسد: می دانیم قرآن مجید 114 سوره دارد، که از میان مجموع این سوره ها، 29 سوره در آغاز آنها حروف مقطعه قرار دارد. جالب اینجا است که اگر مکررات آن را حذف کنیم درست نصف حروف 28 گانه الفبای عربی را تشکیل می دهد. (یعنی أ - ح - ر - س - ص - ط - ع - ق - ک - ل - م - ن - ه- - ی) که گاهی آن را حروف نورانی می نامند.

اینک توجه شما را به نتایج جالبی که دکتر رشاد خلیفه رسیده است جلب می کنیم:

ص:195

1. حروف مقطعه یک حرفی: نسبت حرف (ق) در سوره ی (ق) از تمامی سوره های قرآن بدون استثناء بیشتر است و نیز محاسبات نشان داد که حرف (صلی الله علیه و آله) در سوره ی (صلی الله علیه و آله) چنین است، یعنی مقدار آن به تناسب مجموع حروف از هر سوره ی دیگر بیشتر است و نیز حرف (ن) در سوره ی (ن و القلم). (1)

2. حروف مقطعه چند حرفی: اگر چهار حرف (المص) را در آغاز سوره ی اعراف در نظر بگیریم، اگر الف ها و لام ها و میم ها و صادهایی که در این سوره وجود دارد را با هم جمع کنیم و نسبت آن را با حروف این سوره بسنجیم خواهیم دید که از تعداد مجموع آن در هر سوره ی دیگر بیشتر است.

همچنین (المر) در آغاز سوره ی رعد و (کهیعص) در آغاز سوره ی مریم.

3. تاکنون بحث درباره ی حروفی بود که تنها در آغاز یک سوره ی قرآن قرار داشت. اما حروفی که در آغاز چند سوره قرار دارد، مانند: (الر - الم)، شکل دیگری دارد و آن اینکه بر طبق محاسبات کامپیوتر مجموع این سه حرف مثلاً (الف - لام - میم) اگر در مجموع سوره هایی که با الم آغاز شده است حساب شود و نسبت آن با مجموع حروف این سوره ها به دست آید، از میزان هر یک از سوره های دیگر قرآن بیشتر است. (2)



---

1- (1) . تنها استثنایی که در این زمینه وجود دارد سوره ی حجر است که تعداد نسبی حرف (ن) در آن بیشتر است. ولی چون سوره ی حجر دارای (الر) است و بعداً می گوییم که سوره هایی که دارای حروف مقطعه ی واحد هستند، باید در حکم یک سوره باشند، این اشکال رفع می شود
2- (2) . تفسیر نمونه، ج 2، ص 413 - 419.

4. محاسبات کامپیوتری نشان داد که حاصل جمع حروف مقطعه در هر سوره، یکی از مضرب های عدد 19 می باشد برای روشن شدن مطلب به جدول زیر توجه فرمایید. (1)

این جدول تمام حروف مقطعه اوائل سوره های قرآن را نشان می دهد.

ص:197

---

1- (1) . ر.ک: اعجاز عددی قرآن کریم و رد شبهات، محمود احمدی.

نتیجه گیری:

تعداد زیادی از دانشمندان مسلمان نظم ریاضی قرآن را دنبال کرده و به نتایج قابل توجهی رسیده اند، هر چند برخی محاسبات آنها خطا بوده و یا با اعمال سلیقه و ذوق شخصی همراه بوده است.

در مقابل، گروه دیگری از نویسندگان و صاحب نظران قرآنی، این مطالب را نمی پذیرند و برخی محاسبات آنان را خطا می دانند.

از سخنان هر دو طرف استفاده می شود که نظم ریاضی قرآن، به صورت موجبه جزئیه (یعنی در برخی از موارد ادعا شده) مورد پذیرش موافقان و مخالفان اعجاز عددی واقع شده است و این مطلب از شگفتی های علمی قرآن به شمار می آید. اما به صورت موجبه کلیّه (یعنی در همه ی موارد ادعا شده) مورد قبول نیست. (1)

اعجاز عددی و اشکالات آن:

کسانی که اعجاز عددی را قبول ندارند، به مطالب زیر استناد کرده اند:

1. قرآن از طریق قرآن شناخته می شود و در این طریق سخنی از اعجاز عددی نیست.

قسمتی از آیات قرآن که ماهیت قرآن را معرفی می کند عبارتند از:

«ذلِکَ الْکِتَابُ لاَ رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ» (2)



---

1- (1) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج 1، ص 231
2- (2) . بقره / 2.

آن کتاب [با عظمت] هیچ تردیدی در آن نیست. [و] راهنمای پارسایان (خود نگهدار) است.

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدیً لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقَانِ» (1)

ماهِ رمضان (ماهی است) که قرآن در آن فرو فرستاده شد، در حالی که [آن قرآن] راهنمای مردم و نشانه هایی از هدایت و جدا کننده [حق از باطل] است.

«إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی لِلَّتی هِیَ أَقْوَمُ» (2)

در حقیقت این قرآن، بدان (شیوه ای) که آن پایدارتر است، راهنمایی می کند؛

چنانکه ملاحظه می کنید قرآن خود را نور، حکمت، علم، ذکر، هدایت و موعظه... معرفی می کند و همه ی این عناوین در پرتو توجّه به محتوای قرآن و پیروی از رهنمودهای آن میسر می شود نه از طریق دقّت در ساختار لفظی و کشف تناسب و توازن حروف و کلمات این کتاب آسمانی. بنابراین در هیچ جای قرآن حتّی به طور تلویحی نیز به اینگونه کاوش ها دعوت نشده ایم.

یکی از داستان های عبرت انگیز قرآن داستان «اصحاب کهف» است. قرآن بعد از ذکر داستان آنها، اظهار تاسف می کند که چرا مردم به جای اینکه به پیام این قصه توجّه کنند و راه اصحاب کهف را بپیمایند خود را مشغول مطالب حاشیه ای و فرعی قصه نموده اند و بر سر تعداد اصحاب کهف با هم جدال می کنند. (3)



---

1- (1) . بقره / 185
2- (2) . اسراء / 9
3- (3) . کهف / 22.

2. آیا حدیثی از معصومین(علیه السلام) به ما رسیده است که قرآن را کتابی اسرارآمیز، معماگونه و حاوی فرمول های ریاضی و از مقوله ی رمل و جفر معرفی کرده باشد. پاسخ منفی است. هرگز در بیانات امامان معصوم و سیره ی عملی آنها مشاهده نشده است که قرآن را از این منظر بنگرند، و مطالبی هر چند تلویحی در مورد تعداد حروف و کلمات قرآن و روابط ریاضی بین آنها، بیان نموده باشند.

در احادیث نیز قرآن را علم، حکمت و نور خوانده شده است.

3. «رشاد خلیفه» در مورد حروف مقطعه به این نتیجه می رسد که همواره معدل تکرار حروف مقطعه در سوره ای خاص، از معدل تکرار حروف دیگر بیشتر است. چنانکه در سوره ی (ق) حرف (ق) معدلی بالاتر از سایر حروف در این سوره، و سایر سوره های دیگر قرآن دارد؛ و یا حرف (ن) در سوره ی (ن و القلم) بزرگ ترین رقم نسبی را دارد.

اگر آمارها با موارد نقض روبرو نمی شد ما هم با ایشان و سایر پیروان «تئوری نظم ریاضی قرآن» هم عقیده می شدیم اما در اینجا با استثناهای فراوانی روبرو می شویم. برای مثال:

1. تعداد تکرار حروف (ق) در سوره های «الشمس» و «القیامه» و «الفلق»، در حدّی است که معدل تکرار آن از معدل تکرار (ق) (در سوره ی «ق») بیشتر می باشد.

2. در سوره ی «طه» که دو حرف (ط + -ه) وجود دارد با پنج استثناء روبرو می شویم: 1. حج 2. نور 3. فتح 4.مجادله 5. توبه

3. در مورد سوره ی «یس»، نتیجه برعکس است. یعنی یاء و سین کمترین تکرار را به خود اختصاص داده اند.

ص:204

4. در مورد حرف (ن) در سوره ی (ن و القلم) می بینیم تکرار آن در سوره ی «حجر» بیشتر از تکرار آن در سوره ی (ن و القلم) است. (1)

در مورد مضرب های عدد 19 اشکالات فراوانی وجود داردکه ما به چند مورد اشاره می کنیم:

5. حرف مقطعه ی (ن) در اول سوره ی (ن و القلم) 131 مورد است، که در این صورت از مضرب های عدد 19 نمی باشد. در حالی که قائلین به اعجاز عدد 19 می گویند: 133 مورد است. (19 133 * 7)

6. در سوره ی طه مجموع ط +-ه 239 مورد است، نه 342 و 239، یکی از مضرب های عدد 19 نمی باشد.

7. در شمارش حرف (ل) در چهار مورد اشتباه صورت گرفته است:

الف: آیه 21 سوره ی «روم» که در این آیه 7 مورد لام شمارش شده در حالی که 8 مورد می باشد.

ب: آیه ی 58 سوره ی «یونس» که در این آیه 5 مورد لام شمارش شده در حالی که 6 مورد است.

ج: آیه ی 70 سوره ی «هود» که در این آیه 8 مورد لام شمارش شده در حالی که 9 مورد است.

د: آیه ی 41 سوره ی «ابراهیم» که در این آیه 5 مورد لام شمارش شده در حالی که 6 مورد است.



---

1- (1) . مجله کیهان اندیشه، ش 67، ص 62 به بعد.

بنابراین مجموع (ا + ل + م) در سوره ی روم یکی از مضرب های عدد 19 نمی باشد و همچنین مجموع (ا + ل + ر) در سوره های هود، یونس و ابراهیم. (1)

منابع برای مطالعه بیشتر:

1. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 413 - 416.

2. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، جلد اول، چاپ اول، 1380، ناشر کتاب مبین.

3. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی، چاپ اول، 1371، انتشارات مسعود احمدی.



---

1- (1) . اعجاز رقم 19، بسام نماد جرّار، ص 27.

پرسش:

چرا در قرآن کریم زن ومرد هر کدام 24 بار آمده است ؟دلیل علمی یا معنوی دارد؟توضیح دهید؟

پاسخ:

این پرسش در مورد اعجاز تناسب عددی تکرار واژه ها است که اولین بار توسط شخصی به نام «عبدالرزاق نوفل» مطرح شد، و بعدها توسط دانشمندان مسلمان دیگر دنبال شد و به نتایج قابل توجه ای رسیدند.

قائلین به «اعجاز تناسب عددی واژه ها» می گویند :

تناسب و تساوی و هماهنگی در اعداد و ارقام کلمات و موضوعات شبیه و مغایر با هم، در قرآن امری بسیار شگفت انگیز است. هیچ بشری برآوردن کتابی که از نظر «معنا و محتوا»، آن قدر متعالی باشد و در «کلمات و الفاظ» آن نیز رعایت تناسب شده باشد، قادر نیست.

این تناسب شگفت انگیز در شرایطی فراهم شده که قرآن در طول 23 سال در شرایط گوناگون نازل شده و هر بخشی از کلمات آن در حادثه ی خاصی بوده است. و بعد از نزول نیز، از اصلاح و تنظیم بعدی برخوردار نبوده است.

این تساوی و توازن عددی، بدین صورت به وجود نیامده باشد که این کلمات متقابل، در همه جای قرآن در کنار هم ذکر شده و در نتیجه چنین تقابلی حاصل شده باشد. زیرا چنین تقابل و توازنی یک توازن خود به خودی (و فاقد ارزش قابل ذکر) خواهد بود. به عنوان مثال: کلمه «حیّا» مقابل «میتاً» است، در هیچ آیه ای از آیات قرآن به همراه آن ذکر نشده و بلکه در هیچ سوره ای نیز، این دو کلمه با هم

ص:207

جمع نشده اند. با این حال توازن عددی میان دفعات تکرار کلمه در سرتاسر قرآن برقرار است.

برای مثال به نمونه هایی اشاره می کنیم: (1)

1. لفظ «دنیا» و مشتقاتش برابر است با لفظ «آخرت» و مشتقاتش که هر کدام 115 بار تکرار شده است. (2)

2. لفظ «حیات» و مشتقاتش برابر است با لفظ «موت» و مشتقاتش که هر کدام 145 بار تکرار شده است. (3)

3. لفظ «صالحات» و مشتقاتش برابر است با لفظ «سیئات» و مشتقاتش که هر کدام 167 بار تکرار شده است. (4)

4. لفظ «ملائکه» و مشتقاتش برابر است با لفظ «شیاطین» و مشتقاتش که هر کدام 88 بار تکرار شده است. (5)

5. لفظ «هدی» و مشتقاتش برابر است با لفظ «رحمهٔ» و مشتقاتش که هر کدام 79 بار تکرار شده است.



---

1- (1) . ر.ک به الاعجاز العددی للقرآن الکریم، عبدالرزاق نوفل ج 1 و 2 و 3, و معجزهٔ الارقام و الترقیم فی القرآن الکریم، عبدالرزاق نوفل ص 50 تا 54 و الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، محمد السید ارنا ووط ص 135 تا 140. و اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت(علیه السلام) و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام. حجهٔ الاسلام دکتر سید رضا مؤدب ص
2- (2) . الرسالهٔ الشافیه فی الاعجاز، امام البلاغین عبدالقاهر جرجانی، ص 14 تا 17، موسوعهٔ الاعداد فی القرآن الکریم، مهدی سعید رزق کریزم، ص 37 و 38
3- (3) . همان
4- (4) . همان
5- (5) . الاعجاز العلمی الاسلامی للقرآن الکریم، محمد کامل عبدالصمد، ص 8 -376.

6. لفظ «عقل» و مشتقاتش برابر است با لفظ «نور» و مشتقاتش که هر کدام 49 بار تکرار شده است. (1)

7. لفظ «مصیبهٔ» و مشتقاتش برابر است با لفظ «شکر» و مشتقاتش که هر کدام 75 بار تکرار شده است.

8. لفظ «ابلیس» و مشتقاتش برابر است با لفظ «استعاذه» و مشتقاتش که هر کدام 11 بار تکرار شده است.

9. لفظ «برّ» و مشتقاتش برابر است با لفظ «ثواب» و مشتقاتش که هر کدام 20 بار تکرار شده است.

10. لفظ «جهنم» و مشتقاتش برابر است با لفظ «جنات» و مشتقاتش که هر کدام 77 بار تکرار شده است. (2)

11. لفظ «شیخ» و مشتقاتش برابر است با لفظ «طفل» و مشتقاتش که هر کدام 4 بار تکرار شده است.

12. لفظ «نسل» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عقیم» و مشتقاتش که هر کدام 4 بار تکرار شده است.

13. لفظ «یفسد» و مشتقاتش برابر است با لفظ «ینفع» و مشتقاتش که هر کدام 50 بار تکرار شده است. (3)



---

1- (1) . وجوه من الاعجاز القرانی، مصطفی الدباغ، ص 112
2- (2) . المعجزه (النظریهٔ الاولی) مهندس عدنان رفاعی
3- (3) . النظریه الاولی، مهندس عندنان رفاعی، والاعجاز العددی فی القرآن، الدکتور لیب بیضون.

14. لفظ «برهان» و مشتقاتش برابر است با لفظ «بهتان» و مشتقاتش که هر کدام 8 بار تکرار شده است.

15. لفظ «ثیاب» و مشتقاتش برابر است با لفظ «حجاب» و مشتقاتش که هر کدام 8 بار تکرار شده است.

16. لفظ «وهن» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عزم» و مشتقاتش که هر کدام 9 بار تکرار شده است.

17. لفظ «مجنون» و مشتقاتش برابر است با لفظ «سفیه» و مشتقاتش که هر کدام 11 بار تکرار شده است.

18. لفظ «نشر» و مشتقاتش برابر است با لفظ «کتم» و مشتقاتش که هر کدام 21 بار تکرار شده است.

19. لفظ «رذیله» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عفهٔ» و مشتقاتش که هر کدام 4 بار تکرار شده است.

20. لفظ «عورهٔ» و مشتقاتش برابر است با لفظ «اغضض» و مشتقاتش که هر کدام 4 بار تکرار شده است.

21. لفظ «وسطاً» و مشتقاتش برابر است با لفظ «طرفاً» و مشتقاتش که هر کدام 5 بار تکرار شده است.

22. لفظ «سعید» و مشتقاتش برابر است با لفظ «نحس» و مشتقاتش که هر کدام 2 بار تکرار شده است. (1)



---

1- (1) . از شماره 14 تا 21، الموسوعهٔ العلمیه، الاعجاز القرآنی، الدکتور سمیر عبدالحلیم، ص 3-140 و المعجزه (النظریه الاولی) مهندس عندنان رفاعی، ص 28 تا 38.

23. لفظ «فرقان» و مشتقاتش برابر است با لفظ «بنی آدم» و مشتقاتش که هر کدام 7 بار تکرار شده است. (1)

24. لفظ «جحیم» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عقاب» و مشتقاتش که هر کدام 26 بار تکرار شده است.

25. لفظ «حساب» و مشتقاتش برابر است با لفظ «عدل و قسط» و مشتقاتش که هر کدام 29 بار تکرار شده است.

26. لفظ «یوم» به معنای روز با تمام مشتقاتش، 365 مرتبه در قرآن به کار رفته که برابر با تعداد روزهای سال می باشد. (2)

بررسی:

بسیاری از این آمار و ارقام که در تناسب واژگان قرآن از نویسندگان مختلف نقل شده است در مقام محاسبه، درست نیست. و نیازمند نگاه خوشبینانه است. و بر فرض صحت، نیازمند توجیهات و تکلفات فراوانی است که عملاً این تناسب ها را از اعجاز بودن دور می کند. برای مثال:

1. در شمارش کلمه ی «یوم» برای اینکه به عدد 365 برسند (عدد روزهای سال) گفته اند: باید «یوم» را به صورت مفرد در نظر بگیریم. زیرا اگر ایام و یومین را به حساب آوریم، به عدد مطلوب نمی رسیم.



---

1- (1) . وجوه من الاعجاز القرانی، مصطفی الدباغ، ص 112

2- (2) . اعجاز القرآن الکریم، محمدباقر المنصوری، ص 62؛ و زیباترین سخن، محمود احمدی، ص 187.

اما باز هم منظور آنها تأمین نمی شود زیرا یومئذٍ و یومکم و یومهم نیز باید از فهرست خارج شود در حالی که اینها هم مفرد هستند. اگر منظور ایشان از مفرد این است که به «یوم» هیچ حرفی متصل نباشد، در این صورت باید «بالیوم» و «الیوم» و «فالیوم» را نیز از فهرست خارج کرد و در این صورت آمار ما از 365 بسیار کمتر می شود. خلاصه این افراد برای رسیدن به عدد 365 از هیچ اسلوب منقطی پیروی نکرده اند.

2. در مواردی که آمارشان به حد نصاب نمی رسد، به دنبال مشتقات آن واژه ی خاص رفته و می کوشند با اضافه کردن مشتقات نصاب لازم را تهیه کنند. و این سؤال بی جواب می ماند که چرا در بعضی موارد باید مشتقات را به حساب آوریم و در بعضی موارد فقط به آمار مفرد آن واژه بسنده کنیم. و عجیب تر اینکه می گویند: در بعضی واژه ها مثل: جهنم و جنات، در یکی به صورت مفرد و در دیگری به ضم مشتقات باید به مطلوب نایل شد.

3. در مواردی نیز دو واژه ای در مقابل هم قرار می گیرند که اصلاً ربطی به هم ندارند. مثلاً واژه ی «یفسد» و مشتقات را شمارش می کنند و چون با تعداد واژه ی «یُصلح» برابر نیست، سراغ واژه ی «ینفع» می روند. در حالی که برای آشنایان به زبان عربی واضح است که «یفسد» در مقابل «یصلح» می باشد نه «ینفع». یا به جای اینکه «قلتم» را با «قلنا» بسنجند با «اقوال» مقایسه کرده اند: بین «مصیبت» و «شکر» چه ارتباطی هست؟ آیا در برابر مصیبت باید «صبر» نمود و یا «شکر» کرد؟ مگر قرآن نمی فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَی مَا أَصَابَکَ إِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزِمِ الْأُمُورِ» به احتمال قوی، آقایان وقتی دیده اند واژه ی «صبر» و مشتقات آن (103) با تعداد واژه ی مصیبت مساوی نیست، سراغ واژه ی «شکر» رفته اند.

ص:212

مورد پرسش:

در مورد تکرار لفظ زن و مرد در قرآن در برخی منابع آمده است لفظ «رجل» به صورت مفرد، برابر است با لفظ «امراۀ» با مشتقاتش که هر کدام 24 بار تکرار شده است. (1) در اینجا می بینیم لفظ «رجل» را به صورت مفرد در مقابل لفظ «امراۀ» با مشتقاتش قرار داده اند تا نصاب لازم کامل گردد.

در حالی که با مراجعه به «معجم المفهرس» و شمارش کامپیوتری کلمات قرآن می بینیم که ریشه ی «ر ج ل» 73 مرتبه و ریشه ی «مرء» 37 مرتبه تکرار شده است. که در این دفعات لفظ «رجل» به صورت مفرد 16 بار و لفظ «امراء» با تمام مشتقاتش 28 بار تکرار شده است.

و بر فرض که تعداد تکرار لفظ «رجل» به صورت مفرد با تعداد تکرار لفظ «امراۀ» با تمام مشتقاتش یکی باشد، چه دلیلی وجود دارد که یکی را به صورت مفرد حساب کنیم و دیگری را با تمام مشتقاتش؟

بنابراین به نظر می رسد این ادعا در مورد برابری لفظ زن و مرد در قرآن صحیح نیست.

ص:213

---

1- (1) . المعجزه (النظریۀ الاولی) مهندس عدنان رفاعی، و الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، محمد سامی محمدعلی، ص 228.

پرسش:

موافقان و مخالفان اعجاز عددی چه استدلالی دارند؟

پاسخ:

اعجاز قرآن ابعاد گوناگونی دارد، که یکی از این ابعاد، اعجاز عددی قرآن کریم است. تا چند سال اخیر این راز علمی پنهان مانده بود و با ظهور رایانه هایی که دقت بالایی دارند، پرده از «نظم ریاضی قرآن» برداشته شد. در رأس این گروه افرادی همچون رشاد خلیفه و عبدالرزاق نوفل و... هستند.

در مقابل آنان گروه دیگری از نویسندگان وصاحب نظران قرآنی، قرار دارند که این مطالب را نمی پذیرند و برخی محاسبات آنان را خطا آلود می دانند. حتی برخی نویسندگان با شدت هر چه بیشتر قسمتی از این مطالب را توطئه ی بهائیت معرفی می کنند و آن را یک جریانی انحرافی می دانند و در این مورد به ادعای نبوت رشاد خلیفه و کشته شدن او استشهاد می کنند. (1)

در اینجا گزارشی از کتاب ها و نویسندگان دو گروه بیان می کنیم.



---

1- (1) . پژوهش در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، ج 1، ص220.

الف: موافقان اعجاز عددی قرآن:

در این مورد افراد زیادی کتاب نوشته اند که به مهمترین آنها اشاره می کنیم:

1. معجزة القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه:

دکتر رشاد خلیفه در خانواده ای از صوفیان مصر در شهر «طنطه» متولد شد و درسال 1971م درشهر مکه به جرگه ی نائبان مکتب تصوف در آمد. او تحصیلات جدید خود را تا کارشناسی در دانشکده کشاورزی «عین الشمش» قاهره گذراند، و سپس کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه آریزونا (1959-1961م ) آمریکا گذراند و دکترای خود را در دانشگاه کالیفرنیا (1962 - 1964م) در رشته بیوشیمی گیاهی دریافت کرد. (1)

او به مدت سه سال در مورد قرآن با استفاده از رایانه تحقیق کرد و نتیجه ی این تحقیقات را در سال 1351ش به روزنامه های دنیا داد. (2)

2. الاعجاز العددی للقرآن الکریم، عبدالرزاق نوفل:

این کتاب در سه جزء جداگانه چاپ شده است. و تحت عنوان «اعجاز عددی در قرآن کریم» توسط مصطفی حسینی ترجمه شده است. (3)

ایشان تلاش کرده تا نظام ریاضی تکرار واژه ها را در قرآن نشان دهد.

برای مثال:



---

1- (1) . ر.ک: پژوهش در اعجاز علمی قرآن - دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج 1، ص220

2- (2) . همان ص220

3- (3) . پژوهش در اعجاز علمی قرآن, دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج 1، ص 223.

واژه ی دنیا 115 بار و واژه ی آخرت نیز 115 بار آمده است.

واژه ی شیطان و ملائکه هر کدام 68 بار در قرآن آمده است. (1)

3. تفسیر نمونه، آیهٔ الله مکارم شیرازی:

ایشان در جلد دوم تفسیر نمونه ذیل آیه ی اول سوره ی آل عمران بحثی را از دکتر رشاد خلیفه به صورت مبسوط گزارش می کنند. ولی قضاوت در مورد صحت و سقم آن را نیازمند بررسی فراوان می دانند و در پایان قضاوتی نمی کنند.

ایشان پس از ذکر مطالب دکتر رشادخلیفه این نتایج را می گیرند:

الف: رسم الخط اصلی قرآن را حفظ کنید.

ب: این مطالب دلیل دیگری بر عدم تحریف قرآن است.

ج: اشارات پر معنا: در بسیاری از سوره هایی که با حروف مقطعه آغاز می شود، پس از ذکر این حروف اشاره به حقانیت و عظمت قرآن شده است مانند:

«الم. ذلِکَ الْکِتَابُ لاَ رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ» (2)و (3)

4. اعجاز عددی قرآن کریم و رد شبهات، محمود احمدی.

ص:217

---

1- (1) . ر.ک: الاعجاز العددی للقرآن الکریم, الجزء الاول, ص10 به بعد
2- (2) . بقره/2؛ آن کتاب [با عظمت] هیچ تردیدی در آن نیست. [و] راهنمای پارسایان (خود نگهدار) است
3- (3) . تفسیر نمونه ج2, ص419

ایشان کوشش نموده است تا اشکالاتی را که بر اعجاز عددی و محاسبات رشادخلیفه نموده اند جواب دهد.

5. اعجاز ریاضی زوج و فرد در قرآن کریم، کورش جم نشان:

ایشان با توجه به آیه ی سوم سوره ی فجر، که خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده است به فکر افتاده است که شاید یک نظام عددی بر مبنای زوج و فرد در قرآن باشد.

6. معجزهٔ القرآن فی عصر المعلوماتیهٔ، المهندس عبدالدائم الکحیل:

ایشان با استفاده از آیه ی 12 سوره ی طلاق که خداوند می فرماید: «اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» نتیجه می گیرد که باید بین عدد هفت وتعالیم قرآن ارتباطی باشد.

ب: مخالفان اعجاز قرآن عددی قرآن کریم:

در این مورد به چند کتاب ومقاله برخورد کردیم که به آنها اشاره می کنیم:

1. تسعهٔ عشر ملکاً، بیان ان فریقهٔ الاعجاز العددی للقرآن خدعهٔ، حسین ناجی محمد محی الدین:

ایشان به کسانی که عدد 19 را یکی از اسرار قرآن می دانند به شدت حمله می کند و آن را نوعی دروغ بستن به خدا دانسته است. سپس متذکر می شود که عدد 19 از شعارهای بهائیان است که در نظر مسلمانان مرتد و کافر هستند.

2. اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی:

ایشان در مقاله ای مفصل در مجله ی کیهان اندیشه اشکالات متعددی نسبت به برخی از کتاب ها و مقالاتی که اعجاز عددی را پذیرفته اند، مطرح می کند و این جریان را انحرافی دانسته که موجب سرگردانی افراد می شود.

3. پژوهش در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی:

ایشان می نویسند:

نظم ریاضی قرآن یک مطلب شگفت انگیز است. چرا که یک فرد امی و درس ناخوانده در طی 23 سال، کتابی با نظم خاص ریاضی آورده است. اما آیا می توان ادعا کرد که این نظم ریاضی اعجاز قرآن را نیز ثابت کند؟

در اینجا دو اشکال عمده وجود دارد: نخست آنکه، این مطلب از لحاظ صغری قابل خدشه است چرا که نظم ریاضی به صورت موجبه ی کلیه اثبات نشده، و کثرت مطالب اثبات شده طوری نیست که اعجاز را ثابت کند.

و دوم آنکه، از لحاظ کبری قابل خدشه است چرا که قرآن کریم که تحدی و مبارزه طلبی کرده است (که اگر می توانید مثل قرآن را بیاورید) تحدی آن عام نیست وشامل همه ی جنبه های اعجاز قرآن نمی شود و در قرآن نیز اشاره ای به اعجاز عددی آن نشده است.

ایشان اضافه می کند: هر چند که ما در فصل اول کتاب به اشکال دوم پاسخ دادیم و بیان کردیم که ممکن است تحدی قرآن عام باشد اما اشکال اول هنوز سرجای خود باقی است، پس اعجاز علمی قرآن از طریق اعجاز عددی آن فعلاً قابل اثبات نیست. (1)



---

1- (1) . پژوهش در اعجاز قرآن, دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی, ج 1، ص232.

منابع:


1. بحارالانوار، مجلسی، محمدتقی، المکتبهٔ الاسلامیهٔ، تهران، 110 جلد، 1385 ش.

2. میزان الحکمهٔ، ری شهری، محمد محمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ده جلد، 1367.

3. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین، 1380 ش.

4. المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، محمدحسین، 1393 ق، مؤسسهٔ مطبوعاتی اسماعیلیان، الطبعهٔ الثالثهٔ، 20 جلدی.

5. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، 1376 ش.

6. تفسیر صافی، کاشانی، محمد محسن فیض، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعهٔ الثانیهٔ، 5 جلدی، 1402 ق.

7. اعجاز قرآن، سید محمدحسین طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، قم، 1362 ش.

8. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1363 ش.

9.


ص:221

10. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، 1351 ش.

11. القرآن و الطب، سلیمان، احمد محمد، دار العودۀ، بیروت، الطبعۀ الخامسۀ، 1981 م.

12. طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن (امین الاسلام)، المکتبۀ الاسلامیۀ، تهران، ده جلد در پنج مجلد، چاپ پنجم، 1395 ق.

13. باد و باران در قرآن، بازرگان، مهدی، به اهتمام سید محمد مهدی جعفری، 1353 ش.

14. زنده جاوید و اعجاز جاویدان، سادات، محمد علی، انتشارات فلق تبریز، 1357.

15. دانش عصر فضا، نوری، آیۀ اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، 1370 ش.

16. گیاهان در قرآن، حسین فاروقی، محمد اقتدار، ترجمه ی احمد نمایی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1374 ش.

17. قاموس قرآن، قریشی، سید علی اکبر، دار الکتب الاسلامیۀ، تهران، چاپ سوم، هفت جلد در سه مجلد، 1361 ش.

18. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، حسن، وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، الطبعۀ الاولی، 1371 ش.

19. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، رازی، فخرالدین، دار الکتب العلمیۀ، بیروت، 32 جلد، 1411 ق.

20. قرآن و آخرین پدیده های علمی، رضایی فر، جعفر، انتشارات فوژان، 1375 ش.

21. مطالب شگفت انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، 1377 ش.

22.

23. قرآن و علوم روز، افتخاریان، سید جواد، انتشارات افتخاریان، تهران، 1362 ش.

24. مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، 1365 ش.

25. همان، تحت عنوان «عهدین، قرآن و علم» توسط حسن حبیبی ترجمه شده است انتشارات سلمان، 1375 ش، تهران.

26. همان، ترجمه عربی تحت عنوان «التوراة والانجیل والقرآن والعلم الحدیث» توسط انتشارات دار الکندی، بیروت، 1398 ق.

27. همان، ترجمه عربی تحت عنوان «دراسة الکتب المقدسة فی ضوء المعارف الحدیثة» توسط دارالمعارف، قاهره، 1978 م.

28. اسلام و هیئت، شهرستانی، سید هبة الدین، مطبعة الغری فی النجف، 1356 ش.

29. الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، سامی محمد علی، دارالمحبة، بیروت و همان 1416 ق، دار النور، دمشق، بی تا.

30. الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، عبد الصمد، محمد کامل، دارالمصریة اللبنانیة، قاهرة، 1410 ق.

31. النظریه القرآنیة الکونیة حول خلق العالم، الجایی، سلیم، مطبعة نضر، دمشق، بی تا.

32. فرهنگ دانستنیها، نژد، محمد، جهان دانش، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، 1374 ش.

33. مطالب شگفت انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، 1377 ش.

34.

35. راه تکامل، امین، احمد، ترجمه ی بهشتی، لاری و امامی، انتشارات دار الکتب الاسلامیهٔ، هفت جلدی، بی تا.

36. کتاب مقدس، انجمن کتاب مقدس ایران، 1932 م، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).

37. خوابگردها، کوستلر، آرتور، ترجمه منوچهر روحانی.

38. تاریخ علوم، پی یر، روسو، مؤسسه ی انتشارات امیر کبیر، تهران چاپ چهارم، ترجمه چاپ چهل و دوم کتاب، 1344 ش.

39. قرآن و آخرین پدیده های علمی، رضائی فر، جعفر، انتشارات فوژان، 1375 ش.

40. معارف قرآن، مصباح یزدی، محمد تقی، انتشارات در راه حق، قم، 1367 ش.

41. پیشگوئیهای علمی قرآن، زمانی، مصطفی، انتشارات پیام اسلام، قم، 1350 ش.

42. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، نیازمند شیرازی، ید اللّه، شرکت چاپ میهن، چاپ چهارم، 1335 ش.

43. تفسیر منهج الصادقین، کاشانی، ملافتح الله، کتابفروشی اسلامیه، تهران، 1346 ش.

44. اطیب البیان، طیب، سید عبد الحسین، فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، 69 ش، چاپ دوم.

45. رابطه علم و دین، سر فرازی، عباسعلی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1364 ش.

46.

ص:224

47. الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابی بکر، دارالکتب العلمیهٔ، بیروت، دو جلد، 1407 ق.

48. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، احمدی، محمود، انتشارات مسعود احمدی، بی جا، 1371 ش.

49. نهج البلاغهٔ (سخنان امام علی(علیه السلام)، سید رضی، ترجمه ی ناصر مکار شیرازی و همکاران، قم، انتشارات هدف، بی تا، سه جلدی.

50. نورالثقلین، عبدعلی بن جمعهٔ جویزی عروسی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ، 1383 ق، پنج جلدی.

51. فیزیک نوین، اریک اوبلاکر، ترجمه ی بهروز بیضایی، تهران، انتشارات قدیانی، 1370 ش.

52. القرآن و العلم الحدیث، عبدالرزاق نوفل، بیروت دارالکتاب العربی، 1973 م.

53. بینات، فصلنامه ی قرآنی، شماره ی 23 - 227 قم.

54. قرآن و روانشناسی، محمدعثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب، چاپ پنجم، 1381 ش، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.

55. مصباح المنیر، فیومی، دارالهجرهٔ، 1405 ق.

56. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان، دارالکتب الاسلامیهٔ، چاپ 14، سال 1376 ش.

57. معجم الفروق اللغویهٔ، ابوهلال عسکری و سید نورالدین جزایری، موسسه نشر اسلامی، 1412 ق.

58. روان شناسی رنگها، ماکس لوشر، نشر حسام.

59.

ص:225

60. روان شناسی رشد (2) با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از نویسندگان، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

61. اسلام و بهداشت روان (1)، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران، چاپ اول، تابستان 1382، دفتر نشر معارف.

62. شواهد پژوهشی در رابطه بین وابستگی مذهبی و افسردگی، احمد علی نوربالا.

63. زبدة البیان فی براهین القرآن، محقق اردبیلی ملا احمد، انتشارات مومنین،

64. نهج البلاغة (سخنان امام علی(علیه السلام)، سید رضی، ترجمه ی ناصر مکار شیرازی و همکاران، قم، انتشارات هدف، بی تا، سه جلدی.

65. نهج البلاغة، امام علی(علیه السلام)، ترجمه ی محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، 1379 ش.

66. التبیان فی التفسیر القرآن، الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (385 - 460 ق)، النجف، المطبعة العلمیة، 1376 ق - 1957 م، ده جلد.

67. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1379 ش، چاپ سوم.

68. شبهات وردود، محمد هادی معرفت، منشورات ذوی القربی، قم، 1423 ق،

69. داروینیسم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، انتشارات توحید.

70. تکامل زیستی و آیات آفرینش، ابراهیم کلانتری، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، 1382.

71. انجمن کتاب مقدس ایران، 1932 م، کتاب مقدس، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).

72. کهکشان در قرآن، لطفعلی سمیعی، انتشارات انصاری، 1381.

.73

ص:226

74. الاعجاز العلمی فی القرآن، لبیب بیضون، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1424 ه / 2003 م.

75. نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن، جلیل ابوالحب، ترجمه ی تقی متقی، انتشارات تبلیغات اسلامی، چاپ اول، 1380.

76. معجم الوسیط، ابراهیم مصطفی، احمد حسن الزیات، حامد عبدالقادر، محمدعلی النجار.

77. الرائد، حیران مسعود، ترجمه ی انزابی نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم، 1380.

78. تفسیر جزء عم، شیخ محمد عبده، دارو مکتبهٔ الهلال، بیروت، چاپ اول، 1985 م.

79. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان، انتشارات نسل جوان، قم، 1373 ش.

80. مخزن العرفان، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی)، نشر نهضت زنان مسلمان، تهران، 1361 ش.

81. انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمدحسین همدانی، کتابفروشی لطفی، تهران، 1380 ق.

82. تاریخچه زمان، استفن ویلیام هاوکینگ، ترجمه ی دادفر، سازمان انتشارات کیهان، 1372 ش.

83. کیهان و راه کهکشان، ری ویلار و دیگران، ترجمه ی سید محمد امین محمدی.

84. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، 1411 ق، 32 جلدی.

85.

86. الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، 13 جلدی.

87. التمهید فی علوم القرآن، معرفت، محمد هادی، مؤسسهٔ النشر الاسلامی، قم، ج 6، 1417 ق.

88. القرآن و العلم، احمد محمد سلیمان، دارالعودهٔ، بیروت، الطبعهٔ الخامسهٔ، 1981 م.

89. الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ارناووط، محمد السید، مکتبهٔ مدبولی، قاهرهٔ، بی تا.

90. تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، طبری، دارالمعرفهٔ، بیروت.

91. مجله اطلاعات علمی، ش 193، مهر 1374 ش.

92. مجله مکتب اسلام، شماره 8، سال 13، شماره مسلسل 152، شهریور ماه 1351 ش، (مقاله چرخ لنگر در قرآن)

93. قرآن و طبیعت (راز کوه ها، عبدالکریم بی آزار شیرازی)

94. زمین و آسمان در قرآن و نهج البلاغه، سید علی اشرف حسنی،

95. مجله کیهان اندیشه، ش 67.

96. اعجاز رقم 19، بسام نماد جرّار.

مطالب مربوط به پرسش «آخرین نظرات دانشمندان در مورد نظریه تکامل»

Discovery Institute News

Over 500 Scientists Proclaim Their Doubts About Darwins Theory

The Scientific Dissent From Darwinism list is now located at ./a new webpage, http://www.dissen tfromdarwin.org

SEATTLE Over 500 doctoral scientists have now signed a statement publicly expressing their skepticism about the .contemporary theory of Darwinian evolution

:The statement reads

We are skeptical of claims for the ability of random " mutation and natural selection to account for the complexity of life. Careful examination of the evidence for Darwinian theory should be encouraged. " The list of 514 signatories includes member scientists from the prestigious US and Russian National Academy of Sciences. Signers include 154 biologists, the largest single scientific discipline represented on the list, as well as 76 chemists and 63 physicists. Signers hold doctorates in biological sciences, physics, chemistry, mathematics, medicine, computer science, and related disciplines. Many are professors or researchers at major universities and research institutions such as MIT, The Smithsonian, Cambridge University, UCLA, UC Berkeley, Princeton, the University of Pennsylvania, the Ohio State University, the University of Georgia, and the University of .Washington

Discovery Institute first published its Scientific Dissent From Darwinism list in 2001 to challenge false statements about

Darwinian evolution made

ص:229

in promoting PBSs

Evolution " series. At the time it was claimed that " " virtually every scientist in the world believes the theory to be true. "" Darwinists continue to claim that no serious scientists doubt the theory and yet here are 500 scientists who are willing to make public their skepticism about the theory, " said Dr. John G. West, associate director of Discovery Institutes Center for Science American Association for the Advancement of Science Fellow Lyle Jensen; evolutionary biologist and textbook author Stanley Salthe; Smithsonian Institution evolutionary biologist and a researcher at the National Institutes of Healths National Center for Biotechnology Information Richard von Sternberg; Editor of Rivista di Biologia / Biology Forum --the oldest still published biology journal in the world-- Giuseppe Sermonti; and Russian Academy of Natural Sciences embryologist Lev .Beloussov

انتشارات تفسیر و علوم قرآن

الف. کتاب های منتشر شده: 1. پرسش های قرآنی جوانان(1) ترنم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

2. پرسش های قرآنی جوانان(2) شمیم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

3. پرسش های قرآنی جوانان(3) باران مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

4. پرسش های قرآنی جوانان(5) دانش مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

5. پرسش های قرآنی جوانان(6) علوم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

6. فلسفه احکام(2) حکمت ها و اسرار نماز - احمد اهتمام

7. آموزه های عاشورا - محمدعلی رضایی اصفهانی

8. تفسیر قرآن مهر، سوره یوسف(علیه السلام) - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

9. تفسیر قرآن مهر، سوره توبه - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

10. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (ج 1 و 2)، محمدعلی رضایی اصفهانی.

ب: کتاب های در دست انتشار:

1. پرسش های قرآنی جوانان(4) شبنم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

2. فلسفه احکام(3) خداشناسی از راه کیهان شناسی - احمد اهتمام

3. ترجمه آموزشی قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه

4. ترجمه تفسیری قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه

5. اعجاز و شگفتی های علمی قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و محسن ملاکاظمی

6. قرآن و علوم پزشکی - حسن رضا رضایی

7. قرآن و مدیریت - محسن ملاکاظمی

8. سیمای سوره های قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی

9. انس با قرآن، دکتر محمد فاکر میبدی

10. تاریخ گذاری قرآن از نظر مستشرقین، دکتر محمدجواد اسکندرلو

11. هنر و زیباشناسی از دیدگاه قرآن، دکتر علی نصیری

12. پرسش های قرآنی جوانان(7) روابط دختر و پسر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

13. پرسش های قرآنی جوانان(8) پیامبر مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

ص:230

شیوه های خرید کتاب های انتشارات

الف. خرید حضوری: به مراکز پخش که در شناسنامه کتاب موجود است مراجعه فرمایید.

ب. خرید غیرحضوری:

1. از طریق فاکس: 7739002 - 0251

2. خرید اینترنتی: WWW.quransc.com

3. بوسیله نامه با آدرس: قم، خیابان معلم، معلم 9، جنب هتل یثرب، کوچه شهید محمدحسن احمدی، کوی نور، پلاک 91 ؛ مکاتبه فرمایید.

تذکرات:

1. کتاب های فوق جهت ترویج فرهنگ قرآنی و دینی آماده سازی شده است، از این رو با حداقل قیمت در اختیار قرآن دوستان قرار می گیرد.

2. برای هر یک از این کتاب ها مسابقه علمی طراحی شده که در جلسات، مدارس و ... قابل اجراست.

3. در صورتی که مایل به خرید کتاب های فوق هستید مبلغ آن را به شماره حساب جاری 1531101053 بانک تجارت شعبه صفائیه قم به نام آقای نصرالله سلیمانی واریز و فیش آن را برای ما ارسال کنید تا کتاب ها به آدرس شما پست شود. (هزینه پست به عهده مرکز است)

4. برای خرید کمتر از 10 جلد 20% تخفیف و برای خرید 10 تا 50 جلد 30% تخفیف و برای خرید 50 جلد به بالا 40% تخفیف در نظر گرفته شده است که می توانید پس از کسر مبلغ تخفیف مابقی را به حساب فوق واریز فرمایید.

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109